



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

تبلیغ مسلحانه محور تمام اشکال مبارزاتی خلق ما

* فهرست مطالب *

صفحه	مطالب
۱	۱ - سر مقاله
۱۹	۲ - پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به جبهه خلق برای آزادی عملان.
۲۲	۳ - پیام جبهه خلق برای آزادی عمان، به سازمان چریکهای فدائی
۲۷	۴ - پیام جبهه خلق برای آزادی فلسطین - فرماندهی عمومی به
۲۹	۵ - پیام ارتش آزادی بخش ترکیه به سازمان چریکهای فدائی خلق
۳۳	۶ - پیام جبهه خلق بحرین به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
۴۱	۷ - چند مصاحبه با رهبران جنبش آزادی بخش خلق فلسطین
۴۲	۸ - مصاحبه با رفیق جرج حبش
۴۸	۹ - متن مصاحبه با رفیق احمد جبریل
۵۷	۱۰ - متن مصاحبه با ماجد ابوشرار، دبیر شورای انقلابی "الفتح"
۶۴	۱۱ - اعلامیه توضیحی اعدام انقلابی حسین ناهیدی سرنازجو و معاون سازمان ..
۷۲	۱۲ - بازتاب اعدام انقلابی ناهیدی در مشهد
۷۷	۱۳ - متن اعلامیه انفجار در فرمانداری رودسر
۸۹	۱۴ - اخبار
۱۰۳	۱۵ - اعدام يك خائن
۱۰۹	۱۶ - در پیرامون درگیری واحد آموزشی چریکی در کرج
۱۱۲	۱۷ - درگیری در تبریز
۱۱۴	۱۸ - درگیری در خیابانهای تهران

۱۱۶	۱۹ - درگیری در خیابانهای مشهد
۱۱۷	۲۰ - انفجار در اداره کار استان خراسان
۱۱۹	۲۱ - درگیری در شهر گرگان
۱۲۱	۲۲ - فرزندان راستین خلــــــــــــق
۱۴۱	۲۳ - پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به هفدهمین کنگره کنفدراسیون
۱۵۹	۲۴ - اعتصابات کارگری در تهران
۱۷۶	۲۵ - متن اعلامیه فراخوان سازمان چریکهای فدائی خلق در دفاع از اعتصابات کارگری تهران
۱۸۰	۲۶ - اعلامیه

هم میهنان مبارز! رفقای همروزم!

اینک چاپ دوم "نبرد خلق شماره ۷" در اختیار شماست. لازم به توضیح است که نسخه های چاپ اول این شماره از "نبرد خلق" که آماده انتشار بودند، تماماً در جریان محاصره و یورش دشمن، بپایگاه کوی کن از میان رفتند و همانطور که میدانید توسط رفقای تحت محاصره ما سوزانیده شدند. به همین علت هم از انتشار و پخش این نشریه، که قرار بود در اول خرداد ماه صورت بگیرد، تأخیری ۱۵ روزه روی داد.

دشمن که از بقایای سوخته شده نسخه های نبرد خلق بی به از بین رفتن چاپ اول نشریه برده بود، بی پنداشت که ما دیگر تا مدتها قادر به چاپ و پخش "نبرد خلق" نخواهیم بود.

ولی واقعیت اینست که، سازمان ما، امروزه از آنچنان جمایت و امکاناتی در میان خلق ایران برخوردار است، که حتی یورشهایی این چنین وسیع و برتانه ریزی شده، که بقول دشمن موجد بزرگترین زد و خورد های تاریخ جنبش مسلحانه ایران بودند نیز نمی تواند ما را از پیشسروی در جهت خط مشی ظافر نمون جنبش مسلحانه ایران لحظه ای باز دارد.

الکون با ۱۵ روز تأخیر "نبرد خلق شماره ۷" مجدداً انتشار می یابد.

فلسط ناموسه

صفحه	ستون	سطر	فلسط	درست
٤	٢	١٠	علمی	علمی
٨	٢	١١	وتجارب	وہرتجارب
١٠	١	١٤	دوره	زمان
١٦	١	٦	تفوی	تفوی
٢١	١	١١	در	این دو
٢١	١	١٨	سرزمین	بسرزمین
٣٧	٢	٣	سرکوبرا
٣٨	٢	١٤	حفیر	حفیر
٤٣	١	٦	اجزای	اجزای
٤٩	٤	٤	کلمه نقش زمان چاپ شده است.	
٥٠	١	١٦	و شرایط	، شرایط و
٥٢	١	٤	ولی عام	ولی قوانین عام
٥٤	٢	٢٠	پارلماتارسم	پارلماتارسم
٦٩	—	١٠	نگهدار	نگهدار!
٧٩	٢	٧	افتشا	افتشا
١٠٨	—	٩	گور	گور آنان
١٣٠	٢	٢	بنواند	میتواند
١٤٠	٢	٧	حمایت	عملیات
١٤٣	١	١٢	بمجلس	و مجلس

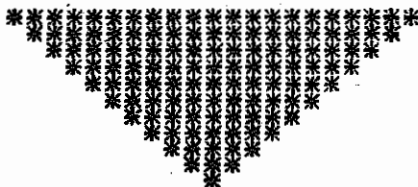
درست	غلط	سطر	سئون	صفحه
هینسی	علنی	۱۵	۱	۱۴۴
پرولتا ریای	پرولتاریا	۹	۲	۱۴۷
مدت	وحدت	۸	۲	۱۶۳

تصدیق می‌کنید که با توجه به فشردگی زمان انتشار مجدد، نشریه از لحاظ چاپ
نمی‌تواند کاملاً بدون نقص باشد، به همین لحاظ از تمام خوانندگان مبارز "نبرد خلیج"
تقاضای کنیم قبل از مطالعه مطالب نشریه، غلط‌های چاپی آنرا اصلاح نمایند، تا
احیاناً در تفهیم کامل و دقیق مطالب اشکالی بروز نکند.
صفحه مربوط به غلط‌های چاپی ضمیمه است.

"با ایمان به پیروزی راهمان"

* واحد انتشاراتی سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران *

۱۶ خرداد ماه ۱۳۵۵ خورشیدی



جنبش مسلحانه خلق ایران در ۹ بهمن ۱۳۴۹ با رستاخیز سیا هگل آغاز گردید و هدف خود را راهگشائی مبارزات خلق ایران قرار داد .

نقطه آغاز جنبش مسلحانه خلق ایران با يك خیزش سراسری توده ها همراه نبود ، بلکه حرکت يك نیروی کوچک پیشرو وجه مشخصه آن بشمار می رفت .

این نیروی کوچک پیشرو که مسلح به مارکسیسم - لنینیسم خلاق بود ، با الهام از اراده خلق و درک ضرورت های تاریخی و رسالت خود مصمم شده بود که بهر قیمتی که شده به بن بست سیاسی موجود در جامعه ایران پایان بخشد . حرکت انقلابی در جامعه طا خواست توده هائی بود که سالیان دراز حق شرکت در سرنوشت خود را ندیده اند ، و همیشه در پی جنبه قدرت استثمارگران و زورگویان

داخلی و فارتگران امپریالیست خارجسی اسیر بودند و در دوران اخیر نیز میبایست مطالب نظام دیکتاتوری بورژوازی وابسته ایران را تحمل می کردند .

جنبش مسلحانه قبل از آشکار ساختن مبارزات خود ، سالها در شکل مخفی مشغول تدارک و زمینه چینی بود .

نقطه عزیمت جنبش مسلحانه ، شکست

شیوه های مسالمت آمیز مبارزه سیاسی از یکطرف ، و شکست مبارزات مخفی - سیاسی بی عمل از سوی دیگر بود . این شکل از کار سیاسی که تا قبل از رستاخیز سیا هگل بر فعالیت قسمت زیادی از نیروهای مارکسیستی جامعه حاکم بود نوعی "مقاومت منفی سیاسی" آنهم در شکل پنهانی خود بشمار می آمد و سبب شده بود که بسیاری از نیروهای پیشرو عملاً در مقابل شیوه های وحشیانه

د یکتانوری رژیم موضعی انفعالی بگیرند و با انتظار روزه‌های بهتر سال شماری کنند در چنین شرایطی پیشگامان جنبش به تدارک سیاسی و تدارک عطفی مبارزه مسلحانه اقدام نمودند .

پیشگامان جنبش مسلحانه که پیشروترین و صادقترین انقلابیون ایران را تشکیل می‌دادند، با تحلیل علمی از اوضاع اجتماعی - اقتصادی و سیاسی جامعه ایران کار خود را آغاز کردند . این تحلیل ها که در آثار " ضرورت مبارزه مسلحانه و تئوری بقا " * ، " مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک " و " آنچه باید یسک انقلابی بدانند " ارائه شده اند . اساس تئوریک جنبش مسلحانه ایراتراتشکیلی می‌دهند .

بر اساس تئورهای سیاسی مطروحه در این آثار استراتژی مرحله اول جنبش مسلحانه ایران و تاکتیکهای مربوط آن در چهار چوب پروسه انقلاب در یک کشور نوسنمیره ، مشخص شده ، و همچنین

مراحل استراتژیک بعدی جنبش تا حد امکان مورد بررسی قرار گرفته بودند . ولی با این همه تعیین دقیق مسیر حرکت نیرو - های انقلابی جامعه ما و کشف ویژگیهای انقلاب ایران و براساس آن تدوین تئوری انقلابی ویژه جامعه ایران تنها در جریان عمل و حرکت میسر بود .

وظیفه جمع بندی تجارب جنبش مسلحانه ایران در دوره گذشته اساسا توسط رفیق شهید بیژن جزئی با استفاده از امکانات و فرصتهای محدودی که در زندان رژیم داشت صورت گرفت و رفیق جزئی در رسالات تحلیلی خود تئوری مبارزه مسلحانه را بر اساس راکتورش بخشیده ، و راه آینده را روشنتر ساخت . اینک در شرایطی که جنبش

* این رساله بزبانهای عربی و فرانسسه وانگلیسی ترجمه شده و ویژه مورد استفاده انقلابیون فلسطین و ظفار قرار گرفته است . اخیرا جنبه خلق برای آزادی فلسطین این کتابرا با مقدهای از رفیق جنرچ حبش منتشر کرده است .

سلاحخانه کاملاً در سطح جامعه تثبیت شده است. این وظیفه بر عهده سازمان ما قرار می‌گیرد که با درس گرفتن از اندیشه‌های رفقای کبیر سازمان این رهروان راستین مارکسیسم - لنینیسم را بران و با اتکاء به تئوری عمومی مارکسیسم - لنینیسم، و هم چنین با توجه به پراتیک انقلابی موجود در جامعه دست با اقدامات وسیعی زده و بسا ایجاد یک سیستم تحلیل مداوم از شرایط عینی و متحول جامعه، و اوضاع و احوال منطقه‌ای و جهانی شرایط ذهنی انقلاب را متناسب با حرکت واقعیتهای عینی تدارک کند و ویژگیهای تئوری انقلابی در ایران را بمثابة یک کشور نو مستعمره تدوین نماید.

جنبش سلاحخانه ایران اولین هدف استراتژیک خود را طرح و تثبیت جنبش در سطح نیروهای پیشرو، آگاه و سیاسی جامعه ایران قرار داده بود. برای تحقق این هدف کوششی گسترده و مبارزه‌ای بی‌امان و خستگی‌ناپذیر لازم بود. جنبش در شرایطی حرکت عظمی خود را آغاز کرد که

دشمن از ثبات نسبی برخوردار بود و بسا تکیه بر تجارب و امکانات امپریالیست‌ها با قدرت کامل بر ایران حکومت میکرد، و حتی ادعای نابودی تمام مخالفین خود را داشت رژیم شاه با تکیه بر امپریالیسم جهانی و تجارب وسیع ضد انقلابی آن، به غارت نیروی کارپرولتاریای میهن ما و همچنین منابع وسیع ملی ما مشغول بود. با اینهمه علیرغم ثبات اقتصادی نسبی که رژیم را قادر میساخت حداقل همیشه توده‌ها را در سطح نازل ثابت نگهدارد و این حداقل را تأمین نماید، توده‌ها بشدت زیر فشار قرار داشتند و استثمار دوگانه بورژوازی کمپرادور و سرمایه داران جهانی کمربنده کارگر ایران را خم کرده بود. و خورده بورژوازی سنتی ایران نیز در چنگال سرمایه نیرومند امپریالیستی بورژوازی هلاک افتاده بود. در چنین شرایطی فشار سیاسی فوق‌العاده بر مردم از جانب رژیم نشاندهنده نارضایتی شدید اقشار و طبقات زحمتکش جامعه بود. با اینهمه ایمن

تارضایتیها امکان بروز و رشد نمی یافتند و مردم در زیر بار دیکتاتوری سیاه شاه می سوختند و می ساختند . در چنین فضای خفقان باری تنها شکل مبارزه برای درهم شکستن فضای یأس آلودی که بر مردم چیره شده بود ، دست یازیدن به مبارزه مسلحانه بمثابه آنتی تز شکل سرکسوب دیکتاتوری فاشیستی شاه بود . در واقع می بایست باین مسأله که چگونه بایست در جهت شکستن ماشین دولتی پیش رفت پاسخ مشخصی در نظر داده می شد .

پاسخ این سؤال را تنها و تنها همیشه در استراتژی و تاکتیک مبارزه مسلحانه پیدا نمود . جنبش مسلحانه برنامه استراتژیک خود را در مرحله اول مبارزات خود بر اساس طرح و تثبیت جنبش مسلحانه در ایران استوار ساخته بود ، برای تحقق این برنامه میبایست بهد فهای زیر دست می یافت :

۱ - مطرح کردن مشی مسلحانه به مثابه آنتی تز مشی دیکتاتوری فاشیستی رژیم و بهید ان کشیدن نیروهای کبراشر

بن بست سیاسی موجود در جامعه در حال سرد رگی و ولاتکلیفی بود ند و راهی برای حرکت سازنده نمی یافتند .

۲ - پایان بخشیدن به حیات تفویز بقا منفعل و یابه عبارت دیگر سیاست "صبر و انتظار" در سطح نیروهای آگاه و سیاسی جامعه ، بدین منظوری بایست مبارزات شوریک گسترده با اشکال مختلف اپورتونیسم که هر یک در رعایت امری تحرکی سیاسی را توصیه میکرد ند ، صورت میگرفت و از طریق تحلیل علنی و کثکرت شرایط عینی و ذهنی در جامعه ایران ، راه حل مناسب برای خروج از بن بست سیاسی جامعه مطرح می گردید و تفویز جنبش - مسلحانه در سطح سراسری مطرح می شد .

۳ - ایجاد امکانات عملی بمنظور سازماندهی پیشروترین نیروهای موجود جامعه بمنظور شروع "تبلیغ مسلحانه" که در مرحله نخست هدفش ایجاد شور و امید انقلابی در ریزروهای آگاه و سیاسی جامعه و جلب حمایت معنوی این نیروها از جنبش نوین خلق بود . این امر امکان می داد که

جنبش توین در عمل نیز در سطح جامعه مطرح شود، و با عمل خود تئوریهای اصولی خویش را تضمین کند و استوار سازد.

۴ - بدنبال طرح مسأله "تبلیغ مسلحانه" در تئوری و در عمل با توجه بسه حمایتهای دم افزون نیروهای سیاسی و آگاه جامعه که از قبل قابل پیش بینی بود جنبش توین می بایست دست به سازماندهی نیروها زده و پرورش یک نسل از کادرهای انقلابی را که آمادگی و توانائی مبارزه در شرایط دشوار ایران را داشته باشد برعهده بگیرد. و از این طریق شرایط ذهنی انقلاب را تدارک کرده و براساس آن جنبش را از لحاظ سیاسی و تشکیلاتی تثبیت نماید و ضمناً بمنظور تثبیت هر چه بیشتر جنبش و وحدت نیروهای مختلف انقلابی را که بسه مبارزه مسلحانه روی آورده اند تأمین کند.

۵ - گسترش فعالیتهای تبلیغ مسلحانه و گسترش کار توضیحی بر اساس آن و همچنین استفاده از اشکال صنفی و سیاسی مبارزه حول محور تبلیغ مسلحانه و با اتکاف؛

بدستاوردهای آن، و از این طریق گسترش آگاهی مبارزاتی در میان اقدار و طبقات خلق تحت ستم ایران. و بدنبال این اقدامات ایجاد زمینه های لازم برای گسترش مبارزه مسلحانه در سطح توده ها و ورود بمرحله دوم استراتژیک جنبش نوین خلق، مرحله ای که در آن توده ای کسرن مبارزه در دستور عمل جنبش قرار می گیرد اینها بودند هدفهایی که برنامه استراتژیک مرحله اول جنبش را مشخص می کردند. دشواریهای ما در اجرا و تحقق هدفهای فوق بسیار زیاد بوده اند، ما مجبور بوده ایم در چند جنبه نبرد کنیم و این در شرایطی بود که بسیار ناتوا بودیم. ما از یکسوی دشمنی قهار و نیرومند که از طریق هر کوشید با اعمال شیوه های مختلف، مفرد مان سازد و نا بود مان کند، مواجه بودیم و از سوی دیگر می بایست با اپورتونیزم بیکرانی که بر بخشی از نیروهای آگاه ایرانی حکمروائی میکرد مبارزه می کردیم. بویژه جناحهای اپورتونیستی

برافراشته نگه داشتند و باین ترتیب به ضرورت مبارزه ای که خواست توده ها بود پاسخ مثبت دادند. آنها با فدا کردن بیدریغ جان خویش بر اساس ایمان قاطعی که به درستی اهداف خود داشتند نهال نورسته جنبش نوین خلق را پاسداری کردند و آنرا بارور نمودند و با مبارزه و مقاومت بی امان خود دشمن را در فتنه گریهایش به شکست واپسرتونیستهای تسلیم طلب را به ناکامی محکوم ساختند، و با تحقق بخشیدن به اهداف مرحله ای جنبش مسلحانه مهر پیروزی مشی انقلابی خود را بر صفحه تاریخ ایران کوییدند. جنبش در دوره ای که گذشت توانست با اهداف مرحله نخست خود برسد و راه را برای آغاز مرحله دوم - هموار نماید.

و اما دست آورد های ما :

۱ - بدنهال مطرح شدن مشی مسلحانه در جامعه نیروهای زیادی که در حال رکود سیاسی بسر می بردند به میدان مبارزه کشیده شدند، و نیروهای فعال سیاسی

مهم خارج از کشور با سوء استفاده از کمک های کشورهای سوسیالیستی و بهره وری از امکانات انتشاراتی و تبلیغاتی و منابع مالی این کشورها * لحظه ای تبلیغات عوامفریبانه، تحریف کننده و ضد انقلابی خود را بر علیه جنبش نوین خلق ایران قطع نمی کردند و با خیالی آسوده از آنسوی مرزها در حالیکه در رفاه و تن آسائی غوطه ور بودند مبارزین جان برکف گرفته خلق را آماج تهمت های ناروای خود قرار میدادند و هر یک بمسهم خود در آگاهی مردم تهاشی ایجاد می کردند و از این طریق آب به آسیاب رژیم می ریختند. ولی با تمام این ناملا یمات و علیرغم تمام وحشیگریهای دشمن و برغم تبلیغات غیر مسئولانه اپوز - تونیستها مرزمنندگان صادق و راستین جنبش مسلحانه با هر آنچهیزی که در اختیار داشتند و حتی گاه با چنگ و دندان و آخرین توان خود پرچم مبارزه را همچنان * - این امر احساس مسئولیت بیشتری را از جانب کشورهای سوسیالیستی برادر نسبت به جنبش نوین خلق ایران ایجاد میکند.

در جامعه رشد بیسابقه ای کردند. از سوی دیگر مطرح شدن تئوری جنبش مسلحانه و اقدام عطفی بر اساس آن در رادیکالیزه کردن نیروهای بالفعل جنبش نقش تسریع کننده داشت، بطوریکه بلافاصله پس از آغاز رستاخیز سیاهگل، دانشجویان دانشگاه ها که قبلاً در اعتراضات و تظاهراتشان همیشه درخواستهای صنفی را پوششی برای بیان خواستهای سیاسی خود قرار میدادند این بار رأساً با شعارهای سیاسی و بسیار تند به خیابانها ریختند و با شعارهای "مرگ بر شاه"، "فرسیو مرگ مبارک تهران را بلرزه در آوردند". باین ترتیب نیروهای آگاه جامعه با جسارت بیمانندی تحت تأثیر جنبش مسلحانه به فعالیت پرداختند و این امر تجدید حیات سیاسی نیروهای آگاه، جامعه نقش تعیین کننده ای ایفا کرد و شور و حرکتی تازه به نیروهای سیاسی جامعه داد، نیروهایی که سالها با بغض و نفرت سکون و رکود سیاسی را تحمل کرده بودند و اینک راهی برای شکستن بن بست یافته

بودند، راهی را یافته بودند که میتوانند در آن راه برای آزادی و رفاه دائمی زحمت کشان جامعه خود مبارزه کنند و زندگی خود را از این طریق وقف آرمان زحمتکشان و در رأس آنها طبقه کارگر ایران بنمایند. آنها راهی را یافته بودند که هر چند بسیار دشوار ولی تنها راه نیز بود راهی که پس از سالها تجربه عطفی و مطالعه یافته شد و بالاخره با رستاخیز سیاهگل در عمل گشوده گشت.

۲ - پیروان "تئوری بقا" منفعل "که قبل از رستاخیز سیاهگل حفظ بی عملی گروههای مقاومت سیاسی، و صبر و انتظار را توصیه می کردند، پس از آغاز جنبش آرامش ابدی خود را در خطر دیدند، و لذا این بار بنوع تازه ای از آرامش سیاسی که منطبق با خواسته آنها یعنی حفظ وضع موجود بود روی آوردند. آنها این بار با اصطلاح بکار آرام سیاسی! در میسان توده ها! روی آوردند.

آنها با اقتباس دگماتیک این نحوه

عمل سیاسی از تاریخ مبارزات سایر خلقها همین نحوه عمل را برای شرایط کاملاً متفاوت ایران توصیه مینمودند و همگنان ناآگاه خویش را برسیدن روز موعودی که این کار آرام سیاسی! ثمر خواهد داد به انفعال سیاسی می کشیدند آنها از کار آرام سیاسی خود که آنقدر آرام است که هیچ کس را از خواب سیاسی بیدار نمی کند، و بویژه به خواب سیاسی توده ها صحنه می گذارد صحبت می کردند، همان شیوه ای که بمانند افیون می تواند شور و حرکت انقلابی را در عده ای بخاموشی بکشانند، همان شیوه ای که آنها فریب خوردگان تزه های پوچ خود را بوسیله آن در امید متافیزیکی روز موعود عملاً به حفظ وضع موجود راضی می ساختند همان روز موعودی که در نتیجه کار آرام سیاسی (بخوان بی عقلی سیاسی) قرار است فرا برسد.

شگفت آنکه، این نقش را که همیشه ایدئولوگهای ارتجاعی و متافیزیسینهای

جیره خوار امپریالیسم بر عهد می گرفتند این بار خرد بورژواهای فرصت طلب مهاجر و مقیمان اماکن امن و راحت، در زیرنقاب ایدئولوژی انقلابی پرولتاریا و همراه با شعار تو خالی مخالفتشان با رژیم شاه پسر عهده گرفته بودند.

در مقابل این بازار آشفته سیاسی که اپورتونیستهای رنگارنگ ایجاد کرده بودند، جنبش نوین خلق ایران با ارائه تئوری ظرف نمون خود که بر طارک میسم - لنینیسم خستلاق از یکسو و تجارب مبارزاتی خلق و پیشروان آن از سوی دیگر متکی بود، نادرستی تئوریهای فرصت طلبانه و تسلیم طلبانه را در تئوری و در عمل نشان داد. و نتایج منفی این تئوریها را در مقیاس وسیعی زدود امریکه در این رهگذر جنبش را مراهیسی میکرد واقعیات عینی و ملموس جا نموده بطوریکه بسیاری از گروههای صادق درحین عمل کردن به خط مشی های اپورتونیستی پس از مدتی متوجه بی حاصلی آنها شده و این تئوریها را طرد کردند بطوریکه در

ایران این تفویضات دیگرکشش و قدرتی ندارند و آنها نیز که با این تفویضات خارج بایران می آیند پس از مدتی یا مبارزه واقعی موجود در جامعه می پیوندند، و یا اینکه کار آرام در دستگاه دولتی و شرکت های بورژوازی را برمیگزینند بهر حال امروزه در شرایطی که جنبش نوین خلق نقب تاریخی خود را به میان توده ها زده است، بیش از هر وقت شرایط برای دفن کامل تفویضات اپورتو- نیستی آماده شده است.

امروزه پس از چند سالی که از طرح تئوری طفرنمون جنبش مسلحانه در ایران گذرد این تفویضات در عمل به پیروزی دست یافته و مورد تأیید اکثریت قاطع نیروهای پیشسرو جامعه ما قرار گرفته اند. این حقیقت را با نیتیم نگاهی به نیروهای کثیری که علیسرغم فشار شدید دیکتاتوری در داخل ایران بسمت جنبش نوین خلق روی می آورند می توان تشخیص داد.

۲ - بموازات طرح شدن مبانی تئوریک جنبش نوین خلق ایران و اجرای عملی

تزه های آن، پیشروترین نیروهای جامعه عملاً به جنبش نوین خلق پیوستند و تشکیلات آنها بارور ساختند و برنامه جنبش در این زمینه به پیروزی کامل دست یافت.

۳ - با تکیه بر حمایت عملی نیروهای پیشرو خلق امر سازماندهی جنبش نویسن علیسرغم دشواریهای بیسابقه ای که پیگرد ها و دستگیریها، قتلها و اعدامهای رژیم برای سد کردن راه رشد آن ایجاد کرده بود همچنان ادامه یافت، و جنبش خلق با افت و خیزهای بسیار در راه خونین انقلاب میهنمان پیش رفت، و در این رهگذر بود که کادریهای واقعا انقلابی مضموم و جانباز جنبش نوین خلق ایران تعمیر انقلابی یافتند، کادریهایی که برای آنکه بتوانند در شرایطی چنین دشوار واقعا مبارزه کنند، می بایست در یک دست سلاح، در دست دیگر کتابه و در زیر زبانشان قرص مرگ داشته باشند.

بدینسان بود که کادریهای ورزیده و فدائی جنبش نوین خلق ایران با بعرضه وجود

نهادند و با جانبازی و از خود گذشتگی بی مانند خود جنبش را در سخت ترین شرایط به پیش بردند و راه رشد مبارزات خلق را کوبیدند و هموار ساختند و جنبش نوین را از لحاظ سیاسی و تشکیلاتی تثبیت کردند و شرایط ارتقاء آنرا بر مراحلی بالاتر فراهم نمودند.

امری که در تشریح جریان جنبش در مرحله ای که گذشت باید مورد توجه قرار بگیرد عدم یکپارچگی سازمانهای جنبش در مرحله تثبیت بود وحدت نیروهای جنبش مسلحانه اگر در مرحله نخستین حرکت آن تحقق می یافت بلاشک در کوتاه کردن دوره این مرحله می توانست نقش مثبت ایفا کند ولی این امر به علت تنگ نظریهای سیاسی و ایدئولوژیک در رون جنبش مسلحانه که از محافظه کاری سنتی نیروهای پیشرو طبقه متوسط جامعه نشئت میگردد جامعه عمل بنمود نپوشید ولی با توجه به تخمیر ترکیباتی که در مبارزات این جناح از جنبش مسلحانه در یکساله

اخیر روی داده است امید داریم که بتوانیم وحدت و رونی جنبش مسلحانه را بطرفی که نفی کننده خط مشی اساسی جنبش نباشد تأمین نمائیم.

۴ - فعالیتهای تبلیغ مسلحانه در این مرحله همواره با تبلیغات توضیحی قابل ملاحظه ای که توسط رادیو میهن پرستان از یکسو و انتشارات وسیع جنبش در داخل و خارج کشور از سوی دیگر همواره بسود تأثیرات وسیعی در داخل و خارج ایران از خود بجای گذاشت، نیروهای مبارز کفدراسیون دانشجویان و محصلین ایرانی در خارج از کشور که تا قبل از رستاخیز سیاهکل اساساً تحت تأثیر تئوریهای منفعل بودند از طریق انتشارات سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با مسائل جنبش انقلابی ایران آشنا شدند و با درک مفاهیم تبلیغ مسلحانه در تئوری و عمل با احداثیت بیدریغ دفاعی خود از جنبش نوین خلق در جهت افشای رژیم شاه و معرفی انقلاب ایران گامهای ارزنده ای برداشتند. کنگره

گروههای مارکسیستی پیشرو در خارج از کشور امکانات قابل ملاحظه ای را در اختیار جنبش مسلحانه ایران نهاده است که رادیو های حامی جنبش و فعالیتهای پیگیر آنها نمونه بارز این یاریها بوده است.

مقدّم هم کنفدراسیون جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی که در زمستان ۶۴ تشکیل شد نمایشگر پیروزی طرفداران جنبش مسلحانه در سطح بیرونی خارج از کشور بود. همچنین یاریهای صادقانه و مصممانه

عملیات تبلیغ مسلحانه و تفاهیم آن

دوره‌های گذشت

مالی و تسلیحاتی

در این سالها عملیات تبلیغ مسلحانه عمدتاً خصلت عام و سراسری داشته و بجز مصرفی خط مشی جنبش نوین و قدرت عملی آن انجام می گرفتند.

و باین ترتیب نیروهای پیشگام جامعه را بسوی پیروی از خط مشی جنبش جلب می کردند همچنین در این دوره یکرشته

عملیات تبلیغ مسلحانه ایران در مرحله

ای که گذشت، در دوره مشخص را پشت سر نهاده اند. در دوره نخستین که همزمان بود با سالهای نخستین رشد جنبش مسلحانه، اهداف عملیات مسلحانه عبارت بودند از:

- ۱- طرح خط مشی جنبش در عمل
- ۲- تدارک و تجهیز جنبش از لحاظ

عملیات تعریفی بمنظور تأمین نیازهای تسلیحاتی و مالی جنبش انجام گرفتند. حمله بپاسگاههای نظامی دشمن و بانکها همگی با پیروزی توأم بودند و مقادیر قابل ملاحظه ای اسلحه و پول در اختیار جنبش قرار دادند. باین ترتیب بود که نیازهای ابتدائی جنبش مسلحانه با رعایت اصل اتکاء بخود برای ادامه کاری مشی مسلحانه فراهم شدند.

اینها بودند خصوصیات عملیات تبلیغ مسلحانه، در دوره نخستین، از مرحله اول استراتژیک جنبش مسلحانه ایران.

پس از طی سالهای نخستین، جنبش مسلحانه، قدم بگذرد راه ظفرنمون خلسق مشی خود پیشرفت، و بیاری نیروهای پیشرو خلق و بانکاء برحمایت معنوی مردم در کوره آتشین مبارزه مسلحانه قوام یافت و دوام گرفت. در طول این سالها امکانات تشکیلاتی و قدرت عملی سازمان جنبشش بحدی رسید که می توانست برنامه های عملیاتی مستحیاتیک تبلیغ مسلحانه را بسا

دقت علمی طرحریزی کرده و بمرور اجرا در آورد. در دوم عملیات تبلیغ مسلحانه اساساً با عملیات نمونه ای - خلسقی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در سالهای ۵۳ - ۵۴ مشخص می شود. در این دوره سازمان با عملیات نمونه ای مشخص روی آورد. این عملیات که بدقت برترزهای تئوریک تبلیغ مسلحانه ایران استوار بودند، راه نفوذ جنبش مسلحانه را در میان توده های خلق هموار

ساختند، و در زمینه سازی کار سیاسی - تشکیلاتی در میان توده ها نقش تعیین کننده ای ایفاء نمودند.

اما ببینیم خصوصیات عملیات نمونه ای خلسقی - سازمان چریکهای فدائی خلق ایران چه بوده اند.

این عملیات که همگی بر اساس تئوری ظفرنمون جنبش مسلحانه ایران صورت گرفتند از اصول زیرین پیروی میکردند. عملیات تبلیغ مسلحانه باید بر اساس تحلیل علمی از شرایط عینی و ذهنی

خواسته‌های توده‌ها، نحوه طرح درخواست‌هایشان، و نتایجی که از طرح این درخواستها بدست می‌آوردند و شکست محتوی که غالباً بدان دچار می‌شوند می‌تواند بهترین راهنمای ما در انتخاب اهداف عملیاتی باشد. عملیاتی که بواقع توده‌ای هستند و توده‌ها بخاطر نزدیکی خواسته‌هایشان با آن این عملیات و مفاهیم آنها درک می‌کنند و بهمین جهت بسوی مرکز قدرتی که در جهت منافع خودشان گمار می‌کند زوی آوری شوند.

پس ملاحظه می‌کنیم که مهمترین خصوصیت عملیات تبلیغ مسلحانه خصلت توده‌ای آن می‌باشد. اگر ما بتوانیم اهدافمان را بدرستی انتخاب کنیم و در انتخاب اهدافمان بتوده‌ها رجوع کنیم، آنوقت است که مضمون عملیات تبلیغ مسلحانه با مضمون مبارزات و خواسته‌های توده‌ها همگونی یافته و درهم عجین خواهند شد. البته عملیات تبلیغ مسلحانه بسا اهداف مختلف می‌تواند صورت بگیرد، ولی

توده‌های خلق تنظیم گردند. بدون یک بررسی علمی و منطقی با موازین مارکسیسم-لنینیسم، از اوضاع و احوال اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه و بدون توجه به روانشناسی توده‌ها نمی‌توان تاکتیکهای مناسب را برای جلب و بسیج توده‌های خلق پیدا کرد.

این تئوری بمای آموزد که بسرای نفوذ جنبش در میان توده‌ها باید دست به آنچنان عملیاتی بزنیم که بطور عینیتی، علمی و ملموس اهداف خلقی جنبش مسلحانه را برای توده‌های خلق روشن ساخته و راه نفوذ جنبش را در میان توده‌ها همسوار نماید. براین اساس هدفهای عملیاتی مشخص باید در دستور کار عملیاتی مقرر گیرند. این هدفهای مشخص باید بگونه‌ای باشند که با تطایلات روحی و مادی توده‌های خلق همگونی داشته و پاسخگوی نیازها و خواسته‌های آنان باشند. در بسیاری موارد شرایطی پیش می‌آید که توده‌ها در مقابل طبقات حاکمه قرار می‌گیرند.

اساس این عملیات را باید عملیات قابل
لمس برای توده ها تشکیل بدیم .
لازم است خاطر نشان سازیم که هر
گاه بدون توجه به اصول و موازین تئوریک
جنبش مسلحانه ایران دست بعمل بزنیم
و یا بعبارت دیگر اگر عملیات مسلحانه
را بدون تحلیل درست از شرایط عینی
و ذهنی توده ها و بدون توجه بمسائل
توده ها برگزینیم ، آنگاه است که مضمون
عملیات نظامی ما از مضمون مبارزات توده
ها جدا می میگردد و عملیات مسلحانه صرفا
جنبه اعتراضی و یا صرفا جنبه نظامی بخود
گرفته و از محتوای سیاسی و توده ای تهی
می گردد . و یا اینکه ممکن است فقط بسر
اقتدار محدودی از نیروهای خلق اثر
بگذارد . مثلا حملات بی رویه به تأسیسات
دشمن فقط بصرف اینک جزو تأسیسات
دشمن می باشند یک اقدام صرفا نظامی
می باشد که مفهوم سیاسی نداشته و در
شرایط کنونی ما که عملیات باید خصلت
تبلیغی داشته باشند موثر نمی باشند مفسر

کردن بانگها ، آتش زدن سینماها و ایجاد
انفجار در ادارات دولتی که بطور مشخص
با توده ها سروکاری ندارند و عملیاتی
تظیر اینها طبعا در چهارچوب عملیات
تبلیغی نمی گنجند و محتوای غیر توده ای
و آواتوریستی دارند .

نمونه ای دیگر ، می تواند جهت دیگری
از این سؤال را روشن سازد . در یک
کشور نیمه مستعمره - نیمه فئودال کسه
رژیم حاکم بنا بر خصوصیات نظام فرتوت
فئودالی از نظرات اداری ، تشکیلاتی و نظامی
کهنه و ضعیف است امپریالیزم مچورا است
رأسا بوسیله نیروهای نظامی خود امنیت
غارتگران را در کشور تحت سلطه خود
حفظ کند ، در چنین شرایطی تضاد توده -
های خلق با افراد و عناصر بیگانه خیلی
زود بمرحله تعارض میرسد . چرا کسه
دخالت بیگانه کاملا بی پرده و آشکار است
در چنین شرایطی عملیات تبلیغ مسلحانه
اساسا با حمله به عناصر بیگانه مشخص
می شود ، این عملیات می توانند روحیه

دیگریک هدف عینی و ملموس را برای اکثریت توده ها تشکیل نمی دهد و تنها انتشار مشخصی از خلق با توجه به پایگاه سیاسی و اجتماعیشان می توانند مضامین ضد امپریالیستی و مرفی این عملیات را درک کنند که روشنفکران آزادیخواه ، و آن قشری از خرده بورژوازی که در زیر فشار سرمایه امپریالیستی بحال افلاس و تلاشی طبقاتی اقتصاد است ، از آن جمله اند .

پس تا موقعیکه امپریالیزم به دخالت مستقیم نظامی و اشغال کشور روی آور نشده است ما نمی توانیم اساس عملیات تبلیغ مسلحانه را بر حمله به عناصر و تأسیسات بیگانگان استوار سازیم . البته این عملیات اساس نمی توانند باشند . ولی در جای خود لازم و مفید هستند این عملیات ماهیت ضد امپریالیستی جنبش را به نیروهای آگاه خلق شناسانده و حمایت نیروهای ضد امپریالیستی جهان را از جنبش ما تأمین می سازند . ولی از نظر نفوذ توده ای ایمن عملیات دارای ارزش زیادی نیستند و بهمین

میهن پرستی را در خلق سرشار ساخته و نیروهای خلق را مبارزه با بیگانگان اشغالگر تمویق و تشجیح کنند ، چرا که بیگانگان مستقیماً در مقابل خلق ایستاده اند و مردم مستم روی دارند ، بهمین لحاظ نیز این عملیات برای توده ها عینی و ملموسند . ما در انقلاب ویتنام شاهد چنین کاری از عملیات تبلیغ مسلحانه بوده ایم . حال ببینیم آیا در شرایط ما نیز می شود با چنین برداشتی از عملیات تبلیغ مسلحانه وارد عمل شد ؟ پاسخ قطعاً منفی می باشد . کشور ما یک کشور نو مستعمره است که امپریالیزم سلطه آشکار و بی پرده سیاسی و نظامی خود را ، با سلطه پنهان و نامرئی اقتصادی عوض کرده است . در چنین کشوری دیگر چهره غارتگر و وحشی امپریالیزم برای توده ها نمایان نیست ، در اینجا توده ها با ایادی و نوکران بومی امپریالیزم رود روی هستند ، و بهمین لحاظ نیز ضربه زدن به عناصر بیگانه که این بار با واسطه ایادی بومی خود توده ها را استثمار می کنند ،

سرمايه داران زالوصفت و بهره کشان
ظالم و غدار بمواتب اثرات بهتری دارند
همچنین ضربه زدن به مأموران اجرائی
دولت و آن اداراتی که مستقیماً در مقابل
توده ها ایستاده اند، و آنها را آزار می
دهند و حشمان را پایمال می کنند می تواند
در زوره عطیات نفوذی بسیار مؤثر بحساب
آیند. تجربه سازمان مانمان می دهد که
اینگونه عطیات با استقبال وسیع توده ها
مواجه شده و در جلب توده ها به جنبش
نقش تعیین کننده داشته اند.

عملیات نمونه ای خلق سازمان
چریکهای فدائی خلق ایران که در سالهای
۵۳ - ۵۴ بر اساس این اصول طرحریزی
شدند به موفقیتهای چشمگیری نایل
آمدند و با استقبال وسیع توده ها مواجهه
شدند.

سازمان ما در این سالها با اجرای
عملیات نمونه ای مشخص که بر اساس
خواستهای نیازهای اقشار و طبقات مختلف
خلق طرحریزی شده بودند توانست حمایت

خاطر نباید اساس برنامه های ما را
تشکیل دهند این گونه عملیات خصلت
عام سیاسی، دموکراتیک و ضد امپریالیستی
دارند و تنها در حد مشخص و محدودی
مؤثرند.

در مورد عملیات تفروری و عطیات فدائی
از توده ها نیز ذکر چند نکته ضروری بنظر
می رسد ضربه زدن به مراکز و عوامل استثمار
توده ها، یکی از اهداف عطیات تبلیغ
صلحانه می تواند باشد ولیکن در این
مورد باید بسیار دقیق و موشکاف بسود
ضربه زدن بمعامل استثمار توده ها پایند
بگونه ای صورت گیرد که توده ها از آن
خسارتی نبینند. براین اساس تخریب
وسائل تولید که الزاماً منجر به تعطیل
کارخانجات و بیکاری کارگران می شود
در میان توده های کارگر اثر چندانی
مثبتی نخواهد داشت، در چنین مواردی
ضربه زدن به محصولات تولید شده که
در اختیار سرمايه دار می باشد و تعلق
پا دارد و یا ضربه زدن به عوامل و ایادی

وسیع نیروهای خلق را نسبت به اهداف سازمان جلب نماید .
 عملیات نمونه ای - خلقی سازمان مسائلیت در مرحله جدید جنبش به عملیات توده ای تبدیل شده است ، در آستانه مرحله دوم استراتژیک جنبش مسلحانسه امکانات وسیعی را در اختیار مقرر کرده است .

اینک توده ها در بسیاری از نقاط کشور با هدفهای خلقی جنبش مسلحانسه چه از طریق تأثیر عملیات ، و چه از طریق تأثیرات توأمان عملیات و فعالیتهای توضیحی ما آشنا شده اند .

ط در رشت ، شاهلی ، مشهد ، تبریز و . . . کارگران بسیاری را دیده ایم که علیرغم آنکه حتی یک برگ از اعلامیه های توضیحی ما بدستشان نرسیده بود موبسا آنکه بطور مداوم از طریق وسائل ارتباطی جمعی تحت تأثیر یک برنامه تبلیغاتی فریبکارانهو تحریف کننده قرار دارند ، با این همه اظهار می داشتند که چریکها بخاطر

منافع کارگران و زحمتکشان مبارزه میکنند و جانشان را فدای سازند . آنها تنها باشندین اخبار عطیاتی دفاعی ما از توده ها بچنین نتیجه ای رسیده اند . حتی برخی از آنان آرزوی کردند که کاش چریکها بدشمنان مشخص آنها نیز ضربه بزنند و پاسخ زورگویی های آنان را بطریقی با زور بدهند .

همچنین ما در یکی از کارخانجات حومه تهران شاهد بوده ایم که چگونه کارگران با آن وضع نابسامان اقتصادیشان برای بدست آوردن تنها یک نسخه از خطا - بیه توضیحی اقدام فاتح حاضر بودند . ه تومان بپردازند و این در شرایطی بود که تمدار قابل ملاحظه ای از این خطا بیه ها در آن کارخانه پخش شده بود . اینک همانطور که رفیق پویان پیش بینی میکرد ، توده ها بیک منبع قدرت انقلابی که متعلق ب خودشان است پی برده اند و در جهت حمایت از آن حرکت خود را آغاز کرده اند حرکتی که هر چند امروزه ناهمگون وآهسته

است، ولی در آینده بحرکتی عظیم و همگون بدل خواهد شد و این وظیفه برعهده ماست، که با برنامه ریزی درست و اصولی خود این حرکت را تسریع کنیم، این وظیفه ایست که هدف استراتژیک مرحله دوم جنبش مسلحانه ایران را مشخص می کند. در این مرحله ما باید بر اساس تأثیرات سازنده تبلیغات مسلحانه نفوذ جنبش را در میان توده ها گسترش بخشیم و در یک کلام "مبارزه مسلحانه را تسوده ای کنیم".

پیش از آنکه به این قسمت از سخنان خود پایان دهیم لازمست توضیحاتی روشن کنند در مورد پاره ای نظریاتی که اخیراً در زیر پوشش تئوری تبلیغ مسلحانه ایران ارائه شده اند بدسیم.

اخیراً تحت عنوان ارتقا تئوری تبلیغ مسلحانه ایران، مسائلی از جانب برخی از جریان های سیاسی عنوان شده اند که با اعتقاد ما نه تنها با تئوری تبلیغ مسلحانه ایران ارتباطی ندارند، بلکه

نظریاتی اکلکتیسی "التقائی" هستند که می کوشند بیان "تئوری تبلیغ مسلحانه ایران" و "تئوری کار آرام سیاسی" تلفیق ایجاد کنند. ما اعتقاد داریم که این نظریات ریشه در ایدئولوژی مبارزین سیاسی طبقه متوسط جامعه ما داشته و از نظرگاه مارکسیستی - لنینیستی جنبش مسلحانه ایران مردود می باشند. ما وظیفه اصولی خود می دانیم که در روشن ساختن جهات نادرست این نظریات تلاش کنیم و امید داریم که این تلاش اصولی ما با برخورد احاد قانده و راستین نیروهای جنبش مسلحانه ایران مواجه شود.

اما ببینیم این نظریات چگونه با تئوری تبلیغ مسلحانه ایران برخورد می کنند و علیرغم تأییدات خود چگونه می کوشند این تئوری را بی اعتبار کنند. این نظریات تحت عنوان ارتقا تئوری تبلیغ مسلحانه ایران، در عمل، اصول اساسی این تئوری را مورد شک و نفی قرار می دهند. این نظریات بطور اجمالی چنین اظهار

(پنجم در صفحه ۱۲۹)



پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

به

جبهه خلق برای آزادی عمان

در عمان را بشما تبریک گفته و صمیمانه
ترین درودها را رضیانه خود را به خلاصی
عمان و مبارزان جبهه خلق برای آزادی عمان
تقدیم می‌داریم.
رفقا! در شرایطی که استثمارگران
و مرتجعین داخلی و خارجی برای نابودی

رفقای هم‌روزم!
بنام خلق قهرمان ایران و بنام سازمان
گذشت ده سال از شروع مبارزه مسلحانه
بین متن عربی این پیام در شماره مخصوص
نشریه و ژورن ارگان جبهه خلق برای آزادی
عمان بچاپ رسیده است.

مبارزات عادلانه خلق می‌کشند و در این راه از هیچ جنایت و کشتاری روزی گردان نیستند. ما به‌گسترش و ادامه انقلاب مسلحانه خلق عمان افتخار می‌کنیم و خود را در شادی روز تاریخی و روشن و روز آفتاب انقلاب مسلحانه در عمان شریک می‌دانیم و همراه خلقهای عمان و ایران نفرت خود را از تجارزات رژیم ارتجاعی ایران بسرزمین عمان ابراز می‌داریم. ما نفرت خود را از این جنایات رژیم نه فقط طی مقاله ای اشاگرانه در نشریه ارگان سازمانمان بیان می‌کنیم بلکه آنرا از اریق عطیات نظامی - انقلابیمان نیز که در پشتیبانی از مبارزات خلق عمان مسرت می‌گیرد نشان می‌دهیم.

اکنون دیگر رژیم متجع ایران در نقس نماینده امپریالیزم آمریکا در منطقه ماسک از چهره برداشته و بعنوان دشمن مشترک خلقهای منطقه ظاهر شده است.

این رژیم جنایتکار با استفادهازمومتمیت استراتژیکی ایران و غنای ثروتهای نفتی

و معدنی آن نقد پرورسته ای را در اتحاد نامقدس متجعین منطقه بر علیه خلقهای مبارز منطقه ایفا می‌کند و با در پی گرفتن سیاست عراق آریبانه دوستی در پوشش کتکهای اقتصاد به جکرهضهان سازتکار و ارتجاعی عرب و سیاست تجارز و اشغال نظامی در عمان نفرت خود را بپیر ازینش آشکار می‌سازد. از اینور مبارزه بر علیه رژیم ارتجاعی ایران بعنوان دشمن مشترک خلقهای منطقه جزو لاینفک مبارزات نیروهای انقلابی این منطقه است. اگر چه بار سنگین و زاینده ایلی مبارزه با این دشمن بر دوش انقلابیین ایرانیست که با مبارزه مسلحانه ریی امان خود تاد خواهند برد اصلیتیرین و مؤثرترین عویات را بر پیکر این دشمن مشترک وارد آورند.

امروز نه تنها روز آفرین نیروهای جوان انقلابی به جنبش هر روز در حال افزایش است، بلکه جوسیامی ایجاد شده در سراسر ایران باعث شدوفاقی و گسترش جنبشهای کارگری و دانشجویی و بالا رفتن سطح

آگاهی خلق شد و توده های زحمتکش ایران پذیرای جنبش نوین انقلابی گشته اند .
 سازمان ما بعنوان يك سازمان پیشاهنگ انقلابی با اعتقاد به مبارزه مسلحانه و بسا آگاهی از لزوم بهره گیری از دیگر اشکال مبارزاتی برای رشد و اعتلاء هر چه بیشتر مبارزات خلق به پیش می رود . ما ایمان داریم که می توانیم موانع را از پیش پستی برداشته و در صف واحدی با دیگر انقلابیون منطقه باشیم . اکنون با اوج گیری مبارزه خلقهای فلسطین و عمان ، در انقلاب به چنان رشدی رسیده اند که در بیداری دیگر خلقها تأثیر بسزائی دارد ، از اینروست که متجمعین با پیش بینی این روند سخت به وحشت افتاده و هر روز برای خاموشی شعله های این دو انقلاب منطقه توطئهگری می نمایند . علاوه بر تجاوزات آشکار نظامی نیروهای امپریالیستی و ارتجاع محلی سرزمین های عمان اخیراً توطئه بیشرمانه ای بدست حکومتهای ارتجاعی عرب و توسط دلالان رسوای عامل امپریالیسم بر علیه مبارزات

خلق عمان در حال تکوین است . که هدف آن فشار بر انقلابیون همان برای سازش با حکومت ارتجاعی قابوس است ، ولی آنها غافلند که جواب نیروهای انقلابی و خلق عمان چیزی جز نقض بر آب کردن نقشه های خائنانه امپریالیستی آنان و ادامه مبارزه قهرآمیز تا پیروزی نهائی نخواهد بود .
 اینرا نه تنها تجربه خلقهای قهرمان از جمله خلق ویتنام نشان داده است بلکه تجارب پیروزند ده ساله مبارزه مسلحانه خلق عمان نیز گواه آنست . ما ایمان داریم که پیوند نیروهای انقلابی منطقه ضامن پیروزی بر امپریالیسم است .

" مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع

ایران و توطئه گران متجمع

عرب "

" گسترده و پیروز باد مبارزات

خلق عمان "

سازمان چریکهای فدائی خلق

ایران

۱ ژوئن ۱۹۷۵



پیام جبهه خلق برای آزادی عمان
به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

درود به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در آغاز
ششمین سال آغاز مبارزه مسلحانه « ۱۹ بهمن »

گلوله های آسمان و شکوفائی پایگاه نونسی
را که همواره خلق در انتظارش بود اعلام

در چنین روز جاودانی و سازمان
چریکهای فدائی خلق ایران و با شلیک

داشت و این گلوله ها آهنکی را نواختند که شنونده را بشور و وجد آورد، آهنسنگ مازنه سلحانه، بمتابه والاترین شکل مازنه در نبرد با هیولان امپریالیزم و دیکتاتوری شاه دست نشانده.

ماززه قهرمانانه ای که توده های ایرانی بر رهبری پیشاهنگان مبارزش و نیروهای ملی و دیکراتیکش در کار آنست و نیز قربانیهای گرانی که خلق ایران در ماززه طولانی خویش طی سالهای گذشته در راه رهائی از دست دودمان خائن پهلوی تقدیرسم داشته است و بسی شایسته ارج و درخور احترام است.

رو در روشی قهرمانانه با دستگاه سرکوب شاهنشاهی جنایت پیشه وارد ساختن زیانهای سنگین و بی دریغی بآن توانائی انقلاب را در پایداری و تداوم نشان داده است. چیزی که برای انقلاب در داخل، صلابت و تجربه و تأیید خلقی هر چه فزاینده تر و در خارج انبوهی گران از پشتیبانان و یاران برایش بارمغان آورد و مبارزه ایران

را در جایگاه شایسته و اثر بخش در مسیر رویداد های جاری تمامی منطقه قرار داد. این یاد روز شکوهند و بویژه همیشه در آنست که در شرایط محلی و جهانی بسیار حساس و پیچیده ای فرای رسید که نیروهای انقلابی در شرق ما با یک سلسله از پیوند های شوم بهم پیوسته امپریالیستی روبرو است که همگی خاموش کردن غموش تفنگهای رزنده و نابود ساختن انقلاب افروخته و بزانو در آوردن تمامی انقلابیون در سراسر منطقه خاور میانه را هدف قرار داده است. آنچه که می رود تا اوضاع را به نفع انحصارات امپریالیستی ترتیب داده و با دستیاری فرمانبرداران ارتجاعی محلی شیخ هیولای امپریالیستی را بر سر نشونت خلقهای منطقه تثبیت کند.

آمریکا شاه را بعنوان بهترین کارگزار خویش در منطقه باز یافته است. کارگزاری که در پاسداری از مافعش در منطقه و با توجه بموقعیت جغرافیائی که ایران از آن برخوردار است و ثروت سرسام آور نفت آن و

و این بیوزه در شرایطی صورت گرفت که در اطمینان آمریکا به نیروی اسرائیل در مقاومت دراز مدت در مقابل ضربه های شجاعانه مقاومت فلسطین و استمرار وی در حفظ موضع ژانداربی معتبر بسیاری امپریالیستها در خاورمیانه خدشه ایجاد شد.

اینک شاه اجرای کلیه نقشه های امپریالیستی را که بار واگذار می شود با خلوص تمام می پذیرد و به همین جهت ایران با پیچانهای دشمنانه امپریالیستی بزرگسی پیوند داده شد و ادعای فراخوانی جهت ایجاد پیمان محلی با نام "امنیت خلیج" را ساز کرد. تحت لوای همین شعار بود که نیروهایش را بطرف عمان گسیل داشت تا با خلق ما به جنگ پرداخته و زمینهایش را اشغال کنند. آنچه که استثمارگران انگلیسی مزدور و دست نشانده اشان قابوس و نیز خونخواران فرستاده ملك حسین کشتارگر مقاومت فلسطین و از دست یساری بآن عاجز ماندند.

فهردهگی جمعیتش می تواند باو اعتماد کند، چیزی که پناه امکان داده است برای آمریکا در مقام یکی از تکیه گاههای نیروی ضد در منطقه باشد، تکیه گاهی مناسب با طرح مصروف نیکسون که خواستار ایجاد پایگاههای سرکوب محلی در نواحی مختلف جهان برای نگهداری از منافع آمریکا بود تا آمریکا

بتواند در جنگهای زیانبار دیگری همانند جنگهای هندوچین که جز خواری و شکست از آن چیزی عایدش نمی شود خود را درگیر نسازد.

بحران انرژی بدنبال جنگ اکتبر ۷۳ و اوچگیری انقلاب در عمان و افزایش فعالیت انقلابیون در ایران و اینها همه باعث شد که امپریالیزم آمریکا توجه خویش را به منطقه افزایش دهد. این بود که آمریکا انبارهای اسلحه خویش را بدون هیچ ضایقه ای بروی ایران گشود و بدنبال آن گروههای متخصصین و مستشاران آمریکائی بتهران فرستاده شدند و بدینگونه ایران را بصورت پاسگاه جلوه ارخویش در خاورمیانه درآورد

شعار "امنیت خلیج" که ارتجاع ایران با مخفی شدن در پشت آن می خواهم اعمال جنایت کارانه ایرا که نیروهایش در حق خلق ما و نیز در راه تثبیت اشغال خاکمان مرتکب می شوند اینها در حقیقت طرحی است در جهت تأمین و حمایت عنان امپریالیستی و سرکوب خلقهای منطقه، این مشتاقان نسیم آزادی و سیادت ملی.

هدف از اعمال دشمنانه شاه و طمع ورزیهای توسعه البانیه وی بر سرزمین همسایگان عربش در واقع آسیب رساندن به پایه های برادری و روابط تاریخی میباشند که خلقهای ایران و عرب را بهم پیوند داده است و اینکار را همچنین از راه طرح شعارها واهی و ادعاهای دروغین مطرح می سازد اما ما بشاه می گوئیم که همه این سیمه ها بزودی بر صخره پایداری خلقهای ما درهم شکسته خواهد شد. خلقهایی که دشمن حقیقی خود را بخوبی شناخته اند و ما امنیت خیمه شب بازیهایش آشکار شده است. ما مسئولیت سنگینی را که نیروهای انقلابی

ایران بدوش دارند و نیز درنده خوئی دشمنی را که با او رو در رو هستند و شرایط دشواری را که مبارزه در آن سیر می کند تماما درک می کنیم. از اینرو از کلیه ارگانهای انقلابی ایران خواسته می شود که بیش از هر وقت دیگر اختلافات خود را کنار گذاشته و صفوف خویش را در جبهه ملی متحد و فشرده ای جمع نمایند تا بوسیله آن بتوانند دشمن را درهم گویند و بروی پیروز شوند. امپریالیسم رژیم شاه را بصورت شمشیری مسلط بر گردن خلقهای منطقه و سدی در مقابل آرمانهای وی در آورده است، امری که ضرورت هر چه بیشتر برپا کردن جبهه های گسترده و یک پارچه که تمامی ارگانهای ملی و موکراتیک را در همه منطقه برای رود رویی با کلیه تجاوزات امپریالیستی و نقش بر آب کردن سیمه ها و نقشه های دشمنانه اش را شامل گردد، در خود نهفته دارد ما با گری و افتخار به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و مبارزه وی در شرایطی درود می فرستیم که وارد ششمین سال

زمانی که سردشمنانش پیروز شود
و چهرهٔ فروزان ایران را به او باز
گرداند و تا زمانی که
تمامی سیادت خلق برادر -
ایران باز گردانده شود، تأکید
می کنیم .

مبارزهٔ خویش می شود ، ما
مبارزهٔ شما را بخشی از مبارزهٔ خویش
می شماریم و به پیروزی محتوم شما
ایمان مطلق داریم، همانطور که
به طلوع باد امان بدنیال سیاهی
شب .

بار دیگر تأکید مطلق و وقوف
خویش را در کنار انقلاب ایران تا





پیام جبهه خلق برای آزادی فلسطین - فرماندهی عمومی

به

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

با درود انقلابی
 موجب خرسندی ماست و در حالیکه
 در گرماگرم حوادث خونین لبنان بمس
 می بریم، در شادمانی شما بخاطر بزرگداشت
 گذشت پنج سال تمام از آن شراره های
 انقلابی که پیشاهنگان رزنده در ۹ بهمن

جبهه خلق برای آزادی فلسطین - فرماندهی

عمومی

دفترخانه کمیته مرکزی

تهران ۱۳۷۶/۲/۷

رفقای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۱۳۴۹ در جنگهای سیاهکل افروختند
شرکت کنیم.

این واقعه نقطه عطفی ریشه ای در
مبارزات خلقهای خاورمیانه و نیز خلسر
دوست ایرانست. این واقعه جهشی است
کیفی در کاربرد عملی مبارزه همسروش
خلقهای ما. گشودن جبهه مسلح نوینی
در مقابل امپریالیزم در هر کجای عالم
که باشد همواره در خدمت همه نیروهای
انقلابی و آزادی بخش است؛ و جریان
گشودن این جبهه در خاور میانه بویژه
و موگدا در خدمت همه نیروهای آزادی-
بخش و انقلابی در منطقه می باشد.

رژیم ایران و موجودیت صهیونیستی
نماینده قدرت امپریالیزم در میهن ما است
مسأله مقابله با این دو رژیم مکی بسه
نیروهای امپریالیستی جهان و همه
مرتجعین، بآن سادگی که تصور میشود
نیست.

رفقا!

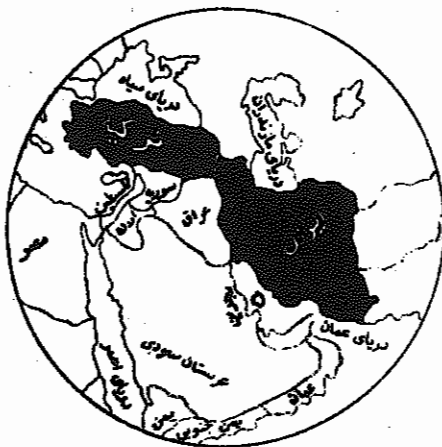
همالکی ارتجاعی، امپریالیستی

صهیونیستی کاملاً روشن است، پس بیائید
با هم و با جدیت انقلابی به جستجوی
چگونگی ایجاد آن یکپارچگی انقلابی باشیم
که توانائی مقابله با امپریالیزم را در قویترین
مواضع آن، ایران و فلسطین و شبه جزیره
عربستان داشته باشد و با هم در جستجوی
چهارچوب مناسبی برای بالا بردن سطح
همستگی همیمان بموقعیتی برتر باشیم
بار دیگر درودهای ما را در جبهه
خلق برای آزادی فلسطین - فرماندهی
عمومی از جانب "رهبران" رزمنده گان
و میلیسیا بپذیرید و همچنین آرزوها و
درودهای خلق ما را بپذیرید و مطمئن
باشید ما با شما در سنگری یگانهایستاد ما
و تحقق هدفهای مشترکمان، بمعنسی
آزادی انسان و آزادی میهن است، و ما
در تحقق این اهداف پیروز خواهیم شد.

دبیرکل

احمد جبریل

* * *



پیام ارتش آزادی بخش ترکیه

به

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

رفقای عزیز!
 ارتش آزادی بخش ترکیه، بمناسبت آغاز ششمین سالگرد نبرد قهرمانانسنه پیشتازان خلق ایران در سیاهکل، درود - های انقلابی خود را به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران تقدیم داشته و ایمان سوسیالیسم ابرازی داریم.

راسخ خود را نسبت به پیروزی خلق ایران در مبارزه مصماتماش در راه برانداختن رژیم فاشیستی شاه، سنگ زنجیری شمساره یک امپریالیسم در منطقه و ایجاد رژیم مستقل و آزاد و دموکراتیک و ایجاد پایههای سوسیالیسم ابرازی داریم.

نبرد مبارزین انقلابی در سیاهکسل
 بفرماندهی رفیق شهید ابوالعباس مرحله
 جدیدی در مبارزه مسلحانه خلق ایران که
 نمی توان آنرا جدا از مبارزه مشترک خلقهای
 جهان بر علیه امپریالیسم، کاپیتالیسم و
 فاشیسم دانست ایجاد نموده است و این
 مرحله جدید همانند و پیروزمندانه توسط
 انقلابیون بخصوص بوسیله سازمان چریکهای
 فدائی خلق ایران - پیش قراول جنبش
 کمونیستی ایران - توان یافته و ادامه
 پیدا کرده است. این مبارزه بزرگ با خون
 صدها رفیق شهید، و همچنین با مقاومت
 قهرمانانه هزاران رفیق زندانی علیه سرکوب
 شدید و شکنجه های فاشیستی رژیم شاه
 توانی دیگر یافته است.

با در نظر گرفتن آرایش عمومی سیاسی
 جهان، و بخصوص در خاورمیانه مبارزه
 مسلحانه انقلابی طبقه کارگر ایران دارای
 معنای مهم و انترناسیونالیستی است.
 امروزه شاه و رژیم کثیف او به پشتوانه قدرت
 مالی حاصله از استثمار منابع نفتی ایران

تهاجم جدیدی را بر علیه مبارزه طبقاتی
 و ملی خلقها - و نه فقط در شکل نظامی
 آن مانند عمان، بلکه از نظر سیاسی و
 اقتصادی نیز آغاز نموده است شاه بسا
 همدستی اربابان امپریالیست، سرکردگی
 امپریالیزم آمریکا، یکی از دشمنان اصلی
 و مشترک خلقهای خاورمیانه و خلیج فارس
 می باشد از اینرو مبارزه مسلحانه علیه
 هژمونی امپریالیستی رژیم فاشیستی در ایران
 کمک مؤثری به مبارزه مشترک کارگران جهان
 علیه امپریالیزم جهانی و فاشیسم و نیروهای
 ارتجاعی جهان می کند. در عمل و نه در
 حرف به پشتیبانی و هم بستگی رزمجویان
 نیروهای شرقی و سوسیالیستی جهان
 می پردازد.

مبارزه مسلحانه خلق ایران از نظرگاه
 مبارزه انقلابی خلق ترک دارای مفهوم
 پرازدستی از هم بستگی مبارزاتی است.

حکام فاشیست در کشور برای حفاظت
 نظام استثمارگر خود و برای سرکوب جنبش
 انقلابی رشد یابنده ایران، تکیه سعی

در قنوت، طائر ارتجاعی نمود و نیروهای
 فاشیست خود را از بیرو سازمانهای
 امپریالیستی منطقه ای، مانند سنتو و کمیته
 عمران منطقه ای و قرار داد شان نظریه متحد
 تری سازند بیان عملی این گروههای جدی
 دیدار رفیق جمهور ترکیه از ایران و دیدار
 شاه و ملاقاتهای بی دریغی بین رهبران
 دو کشور در ماه گذشته است. از اینرو
 شاه ایران نیز یکی از دشمنان اساسی
 کارگران ترکیه می باشد و هر غریبه ای علیه
 رژیم فاشیستی ایران، یک حمایت رزمجویانه
 از مبارزه انقلابی خلق ترکیه علیه امپریالیزم
 جهانی و دست نشاندهگان ارتجاعی آن می-
 باشد. کمونیستها و نیروهای انقلابی ترکیه
 باین هم بستگی مبارزاتی آگاهند، و با حرکت
 از این حقیقت، برای اعتراض به شاه و رژیم
 فاشیستی اش در هنگام آخرین مسافرتش به
 توپیه در اکتبر گذشته، سازماندهی تظاهرات
 توده ای و انفجارهای متعدد در سه شهر
 بزرگ بود اختفد.

در روزهای اخیر، سه مبارز ارتجاعی

آزاد بیختر ترکیه که در جریان یک زد و خورد
 با نیروهای امنیتی فاشیست شهادت
 رسیدند. همزمان با آن نیز در ایوان
 ۱۱ رفیق در درگیری های مسلحانه به
 شهادت رسیدند و ۱۱ نفر دیگر نیز توسط
 نیروهای فاشیست شاه اعدام گردیده اند.
 این کشت و کشتار در دو کشور در کنار
 سایر جریانات نشان دهنده آنست که روش
 و سلاحهای حکام فاشیست در دو کشور
 دارای ماهیتی یکسان است.

عصر ما عصر نابودی امپریالیزم و عصر
 پیروزی انقلابهای سوسیالیستی و جنبشهای
 آزادی بخش خلقها است گذشت هر سال
 هر ماه، بما نشان می دهد که مبارزه مشترک
 نیروهای سوسیالیستی و شرقی جهان به
 پیروزی نهائی نزدیک میگردد و وقت تسک
 مواضع مستحکم امپریالیستی را در مناطق
 مختلف جهان در غم می شکند. پیروزیهای
 اخیر مردم هند و چین و موزامبیک، گینه بیسائو
 آنگولا و خلقهای دیگر قاره های مختلف
 این حقیقت را باثبات رسانده است. ایمن

حقیقت غیر قابل انکار است که این پیروزیهای مشترک بوسیله همکاری و هم بستگی مبارزاتی بین نیروهای انقلابی جنبش جهانی کارگری و کشورهای سوسیالیستی تأمین شده است .

این هم بستگی یکی از پایه های اساسی اصول انترناسیونالیسم پرولتریست ما ایمان راسخ داریم که تمام انقلابیون جهان در راه وحدت دادن تمام نیروهایشان در هر یک از جنبه های مبارزه علیه سرمایه داری بین المللی و ارتجاع قدم بردارند . از اینرو ما تمام انقلابیون جهان را به حمایت فعال ، برای هم بستگی رزم جویانه با مبارزه صاحبان خلق ایران دعوت می کنیم . پیروزی خلق ایران و سقوط رژیم فاشیستی شاه مختصر است .

" مرگ بر امپریالیسم و دستیارانش "

" زنده باد مبارزه مشترک خلق ما "

" تحت رهبری پرولتاریا "

" خون شهدای ما شمل مبارزاتماست "

هشتم فوریه (۱۹ بهمن) ۱۹۷۶

" ارتش آزادیبخش ترکیه "

مقابله با سرکوب شاهنشاهی و قهر انقلابی را بصورت طعوس شکل بخشید و این قهر انقلابی در زندگی توده هاتازگی نداشت بلکه برعکس آنها از سنن مبارزاتیش به ارث برده و ویژگیهایش از گذشته مبارزاتیش ریشه می گرفت . بهمان اندازه که آن آغاز پاسخی حقیقی به سیاست تروریستی شاهنشاهی و مستقیماً سببی در مقابل شیوه های سرکوب وی بود و همزمان نیز سیلی محکم و قاطعی بود به چهره تمام طرحهای پورشالی که سر مبارزات توده های ایرانی حکم میکرد مامری که تحقق آرمانهای و جهان شمول شدن دید انقلابی و مبارزاتیش را محدود میکرد طی پنج سال گذشته جریانهای مبارزه صلحانه توانستند توانائیهای خود را رشد داده و شیوه های خویش را تکامل بخشند و این به جنبش امکان داد که بتواند در برابری حمله های تصفیه گرانه رژیم پایداری نمود و علیرغم کلیه یورشهای وحشیانه ای که بسا آن روبرو شد بتواند بطور شایسته ای راه خود را در رهبری جنبش توده ای ادامه

دهد .

خاطره آغاز مبارزه مسلحانه در ایران از این نظر اهمیت ویژه ای دارد که در این چنین شرایط واقعا دشواری بر موارضمان شده مرحله ای از پیچیده ترین مراحل که این پیچیدگی در درجه اول مربوطست به اهمیت فزاینده ای که منطقه خلیج و شبه جزیره از آن برخوردار است و از طرف دیگر به بزرگی حجم توطئه ای که علیه نیروهای رهائی بخش ملی آن چیده شده است و همچنین به نقش پلیسی ای که به عهد رژیم ایران در این مورد واگذار شده است مربوط می گردد .

منطقه ما در حدود ۷۵ درصد ذخیره نفت جهان را در خویش ذخیره دارد و اکنون در حدود ۲۴ درصد تولید آنرا تأمین می کند و مرکز اساسی تأمین نفت و این و اروپاست که چرخهای صنایع را در این کشورهای گرداند حتی ایالات متحده آمریکا حدود ۷ درصد از نیازهای نفتی خود را از این منطقه بدست می آورد

و این نسبت روز بروز رو بافزاین است .
 همچنین از نظر نظامی و تجاری، موقعیتی
 استراتژیک دارد .

همه این دلایل دستگاههای امپریا-
 لیستی را بر آن داشته است که نسبت باین
 منطقه توجه فزاینده ای داشته و نیروهای
 خویش را در راه محکم ساختن چنگال خویش
 بر آن بکار گیرند تا بتوانند همواره بر آن
 تسلط داشته باشند و عاثر فرآورده های
 آنرا ادامه داده و خاکش را محلی بسزای
 پایگاههای نظامیشان قرار دهند .

آنها اگر در گذشته به حضور آشکار و مستقیم
 خود اعتماد داشتند ، از سالهای ۱۹۷۰
 بعد که انگلستان خروج خویش را از منطقه
 اعلام کرد ، ترجیح می دهند به نیروهای
 سرکوب محلی دست نشانده اشان همراهِ
 با حضور مستقیم خود در مواضع استراتژیک
 چیزی که نمی توانند پوششی بر آن بسازند ،
 متکی باشند ، در راه تحقق آن هدفها
 امپریالیزم آمریکا - بظاہر وارث نیرومندی برای
 میراثهای جا مانده انگلستان در این منطقه

تقویت دستگاههای سرکوب و تکمیل آنها را
 آغاز نمود و نیز توانست با سرعت فزاینده ای
 آنرا در مدت زمانی واقعا کوتاه بانجام
 برساند .

روشن است که " مرکزها " همه از یک
 اندازه توجه و اهمیت برخوردار نبوده و
 توجه به نقشی که بآنها واگذار شده بود ،
 و هم چنین بر اساس حجمی که آن " مرکزها "
 در کل طرح امپریالیستی اشغال کرده
 بودند فرق میکرد ، چرا که امپریالیزم
 تعیین نقشها و تقسیم وظایف با توجه
 با مکانات و توانائی های هر کدام از رژیم-
 های دست نشانده حرکت نمود .

در این مورد ایران رژیمی بود که
 سهم بیشتری نزد آمریکا داشت . باین
 ترتیب در طول پنج سال گذشته مقادیر
 زیادی اسلحه بایران سرازیر شد که ارزش
 آن از هفت میلیارد دلار تجاوز کرد ، همان
 طوری که دسته های بزرگی از مستشاران
 نظامی آمریکائی بایران رشیدند که آنها
 را تعداد زیادی مستشار با تجربه در امور

بازجویی و دستگاہهای اطلاعاتی همراهی میکردند که بوسیله آنها ساواک را تغذیه می‌کنند.

در کنار آن در منطقه خلیج نیز سلسله حوادث و جریانهای زیادی می‌توان مشاهده کرد که همگی تأیید کننده سنگین حجم نقش است که ایران در این منطقه بازی می‌کند. باین ترتیب آمریکا و انگلستان اشغال جزایر دریای عمان را از ایران خواستند و در مقابل هیچ کدام از رژیمهای عربی جرأت سخن گفتن در این زمینه را بخود نداد.

همچنین آمریکا اراده کرد و بسیاری از رژیمهای عربی نیزه با شرکت نیروهای ایرانی در جنگ دشمنانه علیه خلق عمان رضایست دادند و تا کنون ما هیچگونه تحرک حقیقی عربی برای ریزش با ارتش ایران مشاهده نمی‌کنیم، حتی بسیاری از رژیمهای عربی از محکوم کردن جنایات وحشیانه ای که ارتش شاه بر ضد توده های عمان در ظفار مرتکب شدند نیز خودداری کردند. در حالیکه نیروهای جبهه خلق برای آزادی عمان

همچنان به نبرد قهرمانانه خود برای مقابله با نیروهای شاه و دفاع از شرافت عرب ادامه میدهند. در واقع این سیاست ستیزه جویانه جری از سیاست فاشیستی رژیم شاه بود زیرا در عمان هنگام جنبش رهایی بخش ایران و در پیشاپیش آن

جریانهای رزنده مسلح با وحشیانه ترین حمله های سرکوب و تصفیه روبرو شدند که در اعمال سرکوب وحشیانه ای که علیه تظاهرات دانشجویان دانشگاهها با آن روبرو شد و هم چنین در دسته های اقدام بی دری که در جزیره ها رزنده ایرانی اجرا شد نمایان گردید، که آخرین آن جنایتی بود که اوایل همین سال حکم اجرای آن صادر گردید. این خود نشان دهنده قوانین ظالمانه است که بموجب آن زندگی سیاسی و اجتماعی ایران میگردند در واقع آنچه تا کنون تبهکار رژیم شاه در زمینه سیاست داخلی و خارجی انجام داده است چیزی نیست جز مقله ماتسی از نقش حقیقی وی و همگی بختاب اولیسن

حلقه‌هایی از سلسله مسئولیتهائی است که در طرح‌های امپریالیستی بعهدہ وی گذاشته شده، و باید انجام دهد بدین ترتیب دستگامهای امپریالیستی اینک تلاش دارند که طرح "امنیتی جدیدی را به اجرا در آورند تلاش می‌کنند دستگام سرکوب منطقه‌ای که همه دولت‌های اترجافی خلیج در آن شرکت داشته باشند، جهت پشتیبانی ازضافع امپریالیستها برپا دارند دستگامی که کارش همچنین دفاع از رژیم‌های تشکیل داده شده آن بوده و تحت اداره و فرمان مستقیم امپریالیسم آمریکا قرار داشته باشد. این دستگام هیچ رژیم را از ادامه نقش ویژه سرکوب و اخلیش بازمی‌دارد بلکه درست برعکس این طرح در دو خط مکمل جریان خواهد داشت که همه آن به جرای پشتیبانی از مصالح امپریالیسم آمریکا و برای مقابله با جنبش آزادی بخش ملی در خلیج می‌باشد که آنرا تهدید می‌کند.

این دستگام "امنیت" طرح‌ریزی سیاست‌های کلی و طرح استراتژی عمومی را با حق

مد اخله در حالت نیاز را بعهدہ خواهد گرفت. همچنین مبادله اطلاعات و تجربیات سرکر برابردان شیوه که فعلا بین تهران و مسقط جریان دارد، همواره خواهد داشت. این موضوع، جنبش‌رئانی بخش ملی را که در خلیج جریان دارد بسر آن می‌دارد که برماهیت نقشه‌ای که برضد او چیده می‌شود، آگاهی یافته و سنگینی حجم ابعاد آنرا، بویژه خطرانی را که برای آینده تشکیل می‌دهد، دریابد. مقابله با آن نمی‌تواند صورت گیرد مگر ضمن محکم ساختن و پیوند بخشیدن مناسبات مبارزاتی و پایه‌ریزی اتحادی میان جریان‌های انقلابی و ملی در منطقه. تردیدی نیست که این پروسه نیازمند تلاش‌های فشرده و نیروهای زیادی است که سرانجام پشتیبان تحقق بخشیدن آرمان‌های خلق‌هایمان در راه آزادی عدالت، دموکراسی و نیل به استقلال حقیقی خواهد بود درحالیکه ما میراثی مملو از مشکلات را که آثار استعمار و تعدیه شده مرتجعین عرب و ایرانیست درپیش رو داریم.

عرب و ایرانیست درپیش رو داریم.

نقطه خیزش ما باید عاری از همه مفادیم شوینیستی و فریاد های تعصب - آمیزی باشد که نیروهای دشمن بخاطر سر پراکنده کردن خلقها و استمرار جدائی آنها، از آن استفاده می کنند تا بتوانند تودایه های خویش را با جرا در آورند . از اینروست که از همه جنبشها خواسته می شود که مبارزات خویش را در چهار - چوب ملی تنگ نظرانه ای که از مرزهای سیاسی کشورش تجاوز نمی کند محدود ن سازند بلکه انتظار می رود که از دیدی وسیع برخوردار بوده از حدود اقلیمی پافراتر نهاده و بتضای خلیج بنگرند . این نباید ما را دچار مفاهیم غلطی سازد که از مفاهیم صدور سرمایه سه سرچشمه می گیرد ، بلکه این چیز است که از روی ضرورت هم بستگی و طرح برنامه های مشترک برمی خیزد و این ممکن نیست عملی شود ، مگر آنکه از راه قیام علیه هر گونه تعصب شوینیستی و نژادی ، و محکوم کردن هرگونه پراکندگی و جدائی گسه

جنبش رهایی بخش ملی از آن رنج میسر ، بار نظر گرفتن شرایط ویژه سیاسی و رعایت مسائل پیرامون جنبش رهایی بخش بود - گرو گونیهای حاصله از آن در هر منطقه بصورت جداگانه . مثلا ما در بحرین علیه وجود استعمار انگلستان و در اردو سته دست نشانده آن ، آل خلیفه مبارزه می کردیم . اما بدنبال خارج شدن بریتانیا در سال ۱۹۷۱ کشور ما با مجموعه ای از گرونیها مواجه بوده است که مهمترین آن از اینن قرارند :

۱ - افزایش قدرت و نفوذ امپریالیزم آمریکا بر کشور ما . بدین ترتیب که در کنار پایگاه نظامی آمریکا در حفره که اکنون بصورت مقر فرماندهی نیروهای آمریکائی در خاورمیانه در آمده است ، سرزیرشدن سرسام آور سرمایه های آمریکائی و گسترش بی دری شرکتهای انحصاری و بانکهای روی آورده از نیویورک و مراکز اروپائی وجود دارد .

۲ - رشد حجم مداخله عربستان در

شئون داخلی کشورمان و ادامه پشتیبانی آن از رژیم دست نشانده بحرین در سرکوب مبارزات توده هایمان .

این نقش از خلال افزایش سیطره دستگاه های سرکوب و بویژه بر باصطلاح قدرت دفاعی بحرین بعد جدیدی گرفته است و این نقش از طریق میلیونها لاری که جاهای "ابوسعنه" و نیز از رامپالایتر، نفت سعودیه در پالایشگاه عوالمی تأمین می شود .

۳ - سیطره جوئی اقتصادی ایران که یکی از بندهای قرارداد چشم پوشی ادعاهای پوچ شاه در بحرین بود .

۴ - برپاداشتن مجسمه های مگراسی و درپیشاپیش آن پارلمان ملی که انتخابات آن در سایه شدیدترین سرکوبها انجام شد و نقش آن در زمینه های مربوط به طرح سیاست کشور و گفتگو درباره امور مهم ادامه دارد .

این مسائل انگیزه بالا گرفتن مبارزات ما را تشکیل داده و یکی از دلایل اساسی

در تکامل شیوه های مبارزاتی ما برای درهم شکستن سبیه های رژیم و برای تحقق آرمانهای خلق ما می باشد .

باین ترتیب بحرین در طول پنج سال گذشته صحنه تظاهرات توده ای و اعتصابات کارگری بود . و این همان چیزی است که رژیم را ناچار کرد که شکست نقشه هایش را در فرو نشانیدن فریاد توده در یابد و نارس بودن تاکتیکهای گمراه کنند هوشکست نیرنگهایش را بص کند . این چیزی است که او را بر آن داشت تا دوباره به سیاست سرکوب مستقیم برگردد و همه ادعاهای پوچ را در التزام بشرایط زندگی دیکراتیک ساختگی که بد نبال خروج بریتانیا قبول آنرا داده بود و مجلس ملی بگفته رژیم یکی از نمود های آن بود ، زیر پا بگذارد .

تردیدی نیست که یورش فاشیستی -

۲۳ / ۸ / ۱۹۷۵ یکی از نمود های سرکوب ملموسی بود که رژیم علیه مبارزات خلق ما بدان متوسل شد . بدین ترتیب که به تفتیش خانه ها و دستگیری دههانفر

از اهالی پرداخت کسه تاکنون هم چنان
در بازداشت بسر می‌برند بدون اینکه
آنها را به دادگاه بفرستد یا اینکه رژیم
دلیلی در دست داشته باشد که بتواند
طبق آن دستگیری آنها را توجیه کند
یا اینکه طبق آن اجازه نگهداشتن
آنها را در زندان داشته باشد.

تا اکنون در شرایطی واقعا سخت
و تحت قوانین بخایست فاشیستی مبارزه
میکنیم، چیزی که مسئولیت‌های بزرگی و

و وظایف پیچیده تر بر عهده ما
می‌گذارد. سنگینی این مسئولیت‌ها
هرگز در اراده ما خلل وارد نمی‌سازد
بلکه ما را به ارتقا مبارزه مان و تکامل
شیوه‌های آن وادار می‌کند.

ما آغاز ششمین سالگرد مبارزه مسلحانه
در ایران را مفتنم شمرده تادرودهای
خلقمان را در بحرین به خلقهای ایران
اعلام داشته و پشتیبانی نیروهای مان را
از رزمندگان ایران اعلام می‌داریم.

"همواره اراده خلقها قویتر است"

"این منطبق تاریخ است"

جبهه خلق در بحرین

۱۹ بهمن ۱۳۵۴ (۸ فوریه ۱۹۷۶)



چند مصاحبه

با رهبران جنبش آزادی بخش خلق فلسطین

توضیح :
 رسیده اند . "نبرد خلق" با توجه بسه
 اهمیتی که به وحدت نیروهای
 منطقه ای قایل است بار دیگر متن
 این مصاحبه ها را پوسژه بسیاری
 بخش داخلی انتشار می دهد .

نشریه ایران الشوره از انتشارات عربی
 زبان سازمانهای جنبه ملی ایران در خاور-
 میانه بمطاسبت سالگرد رستاخیز سیاهکمل
 چند مصاحبه با رهبران جنبش فلسطین
 انجام داده است که متن این مصاحبه ها
 زیلا آمده است . این مصاحبه ها همچنین
 در نشریه باختر امروز ارگان سازمانهای
 جنبه ملی ایران در خاورمیانه نیز قلابجا

مصاحبه با رفیق جرج حبش

- سؤال : جنبش انقلابی و مسلحانه در ایران را چگونه می بینید .
- ج : جنبش انقلابی و مسلحانه در ایران جزئی جدانشدنی از جنبش آزادببخش جهان است که در راه آزاد ساختن خلقهایش از بند نظامهای ارتجاعی و وابسته به امپریالیزم و رها نمودن آنها از یوغ بهره کشی امپریالیستی و انحصارات آن و نیز سودجویی های طبقات وابسته به این انحصارات مبارزه می کند .
- جنبش مسلحانه و انقلابی در ایران نقش مهم و اساسی در جبهه هر دو روئسی ضد امپریالیستی بازی می کند نقشی کسبه ضرورتا برای مقابله با همان نقشی است که امپریالیزم جهانی بمحمد رژیم ارتجاعی ایران واگذار کرده است. آن نقش که نسه
- حماسه سیاهکل وارد ششمین سال خود می شود و در این مدت گامهای ارزنده ای در راه از میان برداشتن موانع و مشکلات جنبش برداشته شده است .
- در این رابطه موفق شده ایم که مبارزه خلق ایران و نقش استراتژیک آنرا به خلق های برادر و تحت ستم منطقه بشناسانیم و تجارب انقلابی مبادله گردند .
- رفیق جرج حبش دبیرکل جبهه خلق برای آزادی فلسطین بمناصبت سالگرد مبارزه مسلحانه و بخاطر بزرگداشت نقش استراتژیک انقلابیون ایران و اعلام هم بستگی انقلابی منطقه ای با ما مصاحبه ای داشتند که متن آن در اینجا انتشار می یابد .
- * * *

تنها علیه توده های ایرانی مبارز خواستار آزادی است، بلکه علیه نیروهای انقلابی در منطقه پیرامون ایرانست.

از اینروست که جنبش انقلابی مسلحانه ایران ماهیتا از موضع پیوند استراتژیک با جنبش عربی بشکل عام، پیوسته با اجزای آن، در خلیج عمل می کند. نیروهای ارتجاعی که توده ها را در ایران زیر ستم و بهره کشی روزه دارد و بوسیله ابزار سرکوب بر آنها حکومت می کند همزمان به پشتیبانی از ارتجاعیون عرب در خلیج برمی خیزد و آنها را با سربازان و جنگ افزارهای خویش جهت سرکوبی انقلاب در عمان یاری میکند هم چنین با رجوع و فاشیسم در لبنان از راه ذخیره و امکانات نظامی در توطئه آنها علیه انقلاب فلسطین و جنبش شرقی لبنان کمک می رساند.

این نظام موخودیت صهیونیستی را جهت مقابله با انقلاب فلسطین از راه کمک های اقتصادی یاری می کند. بدین گونه است که جنبش انقلابی و مسلحانه در ایران

شمچنان بعنوان یار جنبشهای عربی دوشادوش آنها در مبارزه شان علیه امپریالیزم و صهیونیسم و ارتجاع ایستاده است. بدین سان این جنبش از راه مقابله اش با رژیم ارتجاعی ایران و هم چنین مؤسسه های امپریالیستی آنجا، انقلاب عربی را یاری می کند و از این نیز گامی فراتر نهاده و عملاً سازمانهای انقلابی عرب را در خارج از ایران یاری میرساند. و این با جنبش انقلابی عرب در خلیج و همچنین جنبش مقاومت فلسطین و نیز با همه جریانهای جنبش رهایی بخش عربی که در راه آزادی و پیشرفت مبارزه میکنند پیوندی طبیعی برقرار کرده است.

از اینرو نقش مهم تری را در آن جبهه رود رویی از برای هم بستگی ارگانیک با جریانهای جنبش آزادی بخش عربی و عهده دار شده است. جنبش انقلابی و مسلحانه در ایران که در معرض هجوم وحشیانه ای از طرف رژیم ارتجاعی مجهز به ابزار سرکوب امپریالیزم می باشد، با

همان شرایطی روبرو است که جنبش رهایی بخش عرب در منطقه با آن روبرو می باشد. امپریالیزم با پیوند و همکاری با ارتجاع در منطقه تلاش می کند که جنبش رهایی بخش را تصفیه نماید تا راه در مقابل امپریالیستها و متوجهین هموار شود تا بتوانند بغارت ثروتهای منطقه و بهره کشی از نیروی کار آن بپردازند (از اینرو جنبش در ایران) درست با همان خطراتی روبروست که جریانهای جنبش رهایی بخش عرب با آن مواجه هستند. و این خود بر هم بستگی ایند و جنبش با یکدیگر و پایداری آنها در مقابل این یورش می افزاید و توانائی آنها را در ایجاد شرایط عینی برای پیروزی ایند و جنبش در آینده افزایش می بخشد.

س — ویژگیهای این جنبش که اند؟
ج — جنبش انقلابی و مسلحانه در ایران دارای همان ویژگیهای اساسی است که بوسیله آن جنبشهای آزادی بخش ملی در جهان سوم مشخص می شود. به

این ترتیب که این جنبش بوسیله مبارزه اش گویای آرمان توده و خواسته های آنهاست و مبارزه دراز مدت خود را علیه امپریالیزم و انحصارات آن و ارتجاع داخلی که بر دامن امپریالیستها آویخته است و اجرا کننده نقشه های اوست، رهبری می کند. پیرامون این جنبش توده های گرد می آیند که اکنون در شرایط سه گین و وحشیانه امپریالیستی نمی توانند گرایش خود را به جنبش انقلابی بصورت عادی بیسان دارند. اما جنبش انقلابی و مسلحانه ایران همانند بسیاری دیگر از جنبشهای آزادی بخش وجود حزب انقلابی را که بتواند جبهه ای وسیع و ملی را رهبری کند کم دارد حزبی که طرح کننده برنامه های مشترک مبارزه ضد امپریالیستی — ارتجاعي باشد. اما کمبود حزب پستان معنی نیست که تلاشی در زمینه ایجاد چنین حزبی، و با تحول از راه این برنامه علمی از سازمان مبارزه به حزبی انقلابی و پیشاهنگ که بتواند نیروهای ملی را رهبری

کند، وجود ندارد. مسأله در مورد سازمان چریکهای فدائی خلق در ایران بدین گونه است برخورداری سازمان از اندیشه های انقلابی تئوری مارکسیسم — لنینیسم خود اولین گام در راه ایجاد آنست چرا که حزب انقلابی بدون تئوری انقلابیسی ممکن نیست. داشتن تئوری و پراتیک انقلابی از انسجام بخشیدن صفوف میهن پرستان و ساختن حزب انقلابی و همچنین راه رهبری میهن پرستان از نبرد آزادی — بخش آنهاست و ما مطمئن هستیم که مرحله انتقالی را که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران می گذراند با پیروزی بمرحله نوین و ترقی خواهد انجامید.

س — آینده آن چگونه است؟

ایمان ما به پیروزی خلقها، ایمانی تزلزل ناپذیر است خلقهایی که علیه ستم و علییه امپریالیزم مبارزه می کنند، بیشک پیروز خواهند شد. تردیدی نیست که تأمین شرایط این پیروزی بما امید می دهد که پیروزی خلق بر امپریالیزم و دست نشاندهگان

آن در ایران در زمانسی نزدیک فرا خواهد رسید. ما ایمان کامل داریم که شرایط مبارزه سخت و دراز مدت توده ای همان راهیست که پیروزی را بسرای خلقهای ایران به ارمغان خواهد آورد. س — نقاط تشابه و اختلاف انقلاب

ایران با انقلاب فلسطین کدامند؟

ج — ما با دشمنی مشترک میهنی گنیم، امپریالیسم به تسلط بر خلقهای منطقه و ثروتهای اقتصادی آن چشم درخته است. ما صهیونیسم جهانی هم پیمان با امپریالیزم را در مقابل خویش داریم و هم چنین با ارتجاعی که در امان امپریالیزم افتاده است روبرو هستیم، این جنبه فشرده دشمنی که توده های ایرانی با آن مواجه هستند درست همان جنبه ای است که ما در اینجا با آن روبرو هستیم و توده های عرب نیز با آن مواجه هستند، این همان جنبه ایست که خلقهای رزمنده در راه آزادی و ترقی در جهان با آن روبرو هستند، این وجه تشابه ما را بر

آن داشته است که در سنگری واحد بر علیه دشمنان بایستیم . و این امر همبستگی مبارزاتی ما را بصورت پیوسته ی عینی در می آورد .

طبیعی است که قانون اساسی که ما در پرتو آن بر علیه امپریالیزم و ارتجاع مبارزه می کنیم قانونی است که تنها بسر ما در اینجا در فلسطین ، و یا بر شما در آنجا ، در ایران منطبق نمی شود بلکه بر همه خلیفها در همه جای دنیا منطبق است ، مسئله ای که نمی توان در آن تردیدی داشت اینست که هر جنبش آزادی بخش ویژگیهای خاص خویش را که تابعی از شرایط خاص آن جنبش می باشد ، داراست و این ابعاد بدان معنی نیست که آنچنان اختلافی وجود داشته باشد که آنها بتوانیم بصورت قانونی بشمار آوریم .

ب. — ابعاد جنبش مسلحانه خلق

ایران در منطق ، کدامست ؟

ج. — هر پیروزی جنبش انقلابی ایران

همانا پیروزی برای خلیفهای مبارز منطقه بر علیه امپریالیزم ، ارتجاع و صهیونیسم جهانی بشمار می رود . از اینجاست که این پیوند واقعی ، ارگانیک میان جنبش های آزادی بخش مثبت و یا منفی خود را عطا بر روی یکدیگر منعکس میسازند . بنابراین پیروزی توده های ایران که مواضع امپریالیسم را در آنجا بلرزه در آورد و در آن خلل ایجاد خواهد کرد ، و میسر توده ها حماسه ای نوین و ایمانی عمیق تر بر می انگیزد ، با اطمینان به اینکه پیروزی آنها نیز بناچار فرا خواهد رسید . بهمان ترتیب شکستی که بانقلابیون در آنجا وارد آید ، بی تردید بر مبارزه توده ها علیه امپریالیزم در مناطقی دیگر تأثیر بسر خود را منعکس خواهد ساخت .

د. پایان خواهش می کنیم توضیحاتی دارید بیان کنید :

ج. — شرایطی را که جنبش آزادی

بخش در این مرحله با آن روبروست شرایط

د. شواهد . جنبش آزادی بخش در منطقه

ما با یورش وحشیانه امپریالیسم جهانی و با شیوه جدیدی از پیوند مطمئن تر بین امپریالیسم و دست نشانده گانش روبروست نقشه جدیدی که با استفاده از تجارب - شکستهای امپریالیسم و سرسپردگانش در ویتنام کسب کرده اند، چیز است که ما را ناچار می کند تا بصورتی دقیق و آگاهانه در برابر این شرایط و ابزارها و اشکال تکاملی آن ایستادگی کنیم. انقلابیستون در ایران و انقلابیون در اینجا باید بدانند که برای مقابله با این یورش جدید ناگزیرند سنگری فشرده و واحد بوجود آورند، چیزی که قادر به رودررویی با این گسترش امپریالیستی باشد و بدون تردید سازنده صفوف خود در کنار هم، در مقابله با امپریالیسم و ارتجاع حتما آنها را نابود خواهیم ساخت. یکپارچگی بیشتر، پیروزی های هر چه بیشتری کسب خواهد کرد و نیز هر چه تشتت و پراکندگی بیشتر باشد، به امپریالیسم این فرصت داده می شود که این نیرو یا آن نیرو را هر چه بیشتر مفر د

کرده و فرصت بهتری برای سرکوب این یا آن نیروی انقلابی داشته باشد. هر چه خشونت انقلابی بر علیه امپریالیسم بیشتر باشد، تار و پود امپریالیسم را از هم گسسته و آنها را از اجرای برنامه ها و سیاستها، و نقشه هایش، آنطوری که می خواهند ناتوان خواهد نمود. بوضع موجودی که امپریالیسم تلاش می کند در منطقه مستقر سازد ضربه بزنیم. ضربه بزنیم تا اینکه توده های وسیعتر و فشرده تری پیرامون نیروهای انقلابی گرد آیند و ضربه بزنیم تا امپریالیسم در یابد که ثروتهای منطقه از آن توده های آنست نه از آن متجمعین وابسته با امپریالیسم.

متن مصاحبه با رفیق احمد جبریل

مسائل متحدی که انقلابیون منطقه با آن مواجه هستند، وحدت عمل انقلابی در منطقه را ایجاد می‌کند. انقلابیون ایران با شناخت و آگاهی باین مسئله در سخت‌ترین شرایط پلیدی حاکم در ایران کوشش کرده‌اند ضمن تکامل بخشید به کیفیت مبارزه انقلابی در ایران، برای ابراز هم‌بستگی رزمجویانه با خلقهای منطقه و تبادل تجربه، با سازمانهای انقلابی را بجاه ارگانیک برقرار کنند و بدین منظور عده‌ای از انقلابیون ایران در صفوف خلقهای منطقه بر علیه امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع به نبرد برخاسته‌اند و در بین رزمندگان این منطقه خاطرات پر شوری بر جای گذاشته‌اند. در بین این سازمانها، از جمله جبهه خلق برای آزادی فلسطین - فرماندهی

عمومی، با اهمیت این رابطه و تالیف عملی آن آگاهی دارد و برای چنین روابط انقلابی ارزش و اعتبار فراوان قایل است. بدین جهت بمناسبت آغاز سالگرد مبارزه مسلحانه در ایران، رفیق احمد جبریل دبیر کل این سازمان، علاوه بر نامه مخصوصی که خطاب به سازمان چریکهای فدائی خلق ارسال داشته مصاحبه‌ای نیز با او بعمل آورده ایم که متن آن در باختر امروز ایران الشوره منتشر می‌گردد.

س- از خلال روابطتان و آگاهی‌تان جنبش انقلابی ایران را چگونه می‌بینید؟
ج- روابط محکم ما با سازمانهای جبهه ملی ایران و بخصوص روابط رشد یابنده ما با سازمان چریکهای فدائیس خلق ایران ما را در شرایط نسبتاً نزدیکی

نسبت به آنچه که در ایران می گذرد قرار داده است و می توانیم برداشته ها و ملاحظات خود را نسبت برشد پروسه انقلابی و پیشرفتش نقش ارائه دهیم پروسه ای که می تواند جای خود را بعنوان یکی از کانونهای انقلاب در جهان ، و در جبهه مبارزه علیه امپریالیزم و دست نشانده گانش ، بخاطر صلحی حقیقی و آزادی و عدالت اجتماعی که بمعنی زوال تسلط طبقه ای بر طبقه دیگر و خلقی بر خلقی دیگر و انسانی بر انسان دیگر و باختصار برای سوسیالیسم باشد باز کند .

ایران با واقعیت کنونی یکی از قوی ترین پایگاههای امپریالیزم نه فقط در خاور میانه بلکه در جهان بشمار می آید . رودر روشی با رژیم ایران کار ساده ای نیست .

بنابراین فرض که امپریالیزم بایسد در ضعیفترین مواضعش مورد ضربت قرار بگیرد ، امری که صحت آنرا بارها تجربه ثابت کرده است ، ما توجهمان نسبت به

شلیک اولین گلوله انقلاب در ایران معطوف داشتیم و نتایجش را در نظر گرفتیم و واقعیت اجتماعی و سیاسی ایران را مورد ارزیابی قرار دادیم و پس از گذشت این سالها بهیچ وجه نمی توانیم بگوئیم که کوشش رفقا ، علیرغم تمام سختی هایی که با آن مواجهند ، کاری عبث و بی نتیجه است و هرگز نمی توان آنرا نادیده گرفت این جنبش در حال رشد است ، نیروی انقلابی ایران و همچنین نیروی انسانی و روابط این انقلاب با دیگر انقلابات و با نیروهای انقلابی آنها تیز در حال رشد و پیشرفت است . اضافه بر اینکه (و این مهمتر است) روابطش با توده های فقیر و محروم در سراسر ایران در حال رشد و پیشرفت است و این خود باعث رشد و پیشرفت تجربه خاص و نادر انقلاب ایران میباشد . همچنین نمی توانیم از دگرگونیهای درونی که در بعضی سازمانهای ایرانی رخ داده بخصوص در مواضع تئوریک غافل بمانیم که این حتماً — و این آرزوی ما است

در مواضع علی و آینده انقلاب تأثیر مثبت خود را بجای خواهد گذاشت.

س. برداشت شما پیرامون جنگ

چریکی در ایران چیست؟

ج. قوانین اساسی و عام جنگ

چریکی در هر شرایط زمان و مکان یکی است و می توانیم آنها را در تألیفات

مائوتسه دون و چه آوارا و همچنین در

کتابهای کلاسیک نظامی و تجارب تاریخی

بیابیم که اگر بخوانیم با آنها پیدا کنیم

بیشمار خواهند بود.

ولی مسأله مهم شرایطی است که

عمل مسلحانه را در بر می گیرد، شرایط

عینی و ذهنی، موقعیت عمل مسلحانه در

جنبش، توده ای و چگونگی کار در این

شرایط بنا به ویژگی زمان و مکان و شرایط

تاکتیکیها نیز تغییر پیدا می کند.

گاهی ممکن است یک باند در سالهای

طولانی در کوهها عمل کند و تمامی نیروهای

رژیم هم دستش بآن نرسد. این نمونه

می تواند امکان برپا نمودن جنگ چریکی

موفقی را ثابت کند، حال چگونه ممکن

است جنگ چریکی سازمان داده شده

ای که برای منافع توده ها عمل میکند و

بتوده ها اعتماد می کند و توده ها نیز

بآن ایمان دارند و تمامی آنچه را که

می توانند، بآن تقدیم می دارند، موفقی

نباشد؟ براین اساس پیروزی چنین انقلا

امری اجتناب ناپذیر است.

س. جنبش مسلحانه بچه و سائسلی

برای پیروزی نیاز دارد؟

ج. هر انقلابی ابتدا بسا زمانی

انقلابی نیاز دارد، ثانیاً به

که این سازمان انقلابی آنها رهبری کند.

طبیعی است که انقلاب باید ماهیت

تضاد های موجود را درک کرده و مومضه

را از قبل و در قبال توده ها تعیین کرده

باشد، در غیر این صورت صفت انقلابی

را از دست می دهد.

منظور ما از سازماندهی انقلابی

سازماندهی است که بر اساس یک تصور روشن

و اصول مرکزیت و مکرانیک استوار باشد که

از این بهیچ وجه نمی توان چشم پوشی نمود. این چنین سازماندهی انقلابی قادر است که هر گونه کج روی و انحراف را در مسیر انقلاب و یا در سلوک افراد، تصحیح کند و پراه درست هدایت نماید. وجود پایه های دیمکراتیک یعنی سازماندهی حقیقی یعنی وجود سازمان، و بدون این پایه ها سازمان بمثابة باند یا گروهی از همپاشیده خواهد بود که لاجرم نمی توانیم برای انقلاب آینده ای بدون شکستهای خطرناک پیش بینی نکنیم.

ما برفقای ایرانی توصیه می کنیم که توجهشان را بتاریخ انقلابی ایران معطوف دارند و میراث تاریخی را فراموش نکنند همینطور اهمیت (بین اسلامرا که ریشه ای عمیق در قلب خلقهای شرق دارد، از یاد نبرند و نیز تاریخ عرب را که دارای پیوندهای بیشمار و مستقیم با تاریخ ایرانست.

ما برفقای ایرانی توصیه می کنیم که بگذشته تاریخشان اهمیت دهند و مسئله

تعدد ملیتها را که خود در مجموع تشکیل دهنده خلقهای ایرانند حل کنند. اسلحه را می توان از راههای مختلف بدست آورد. ولی سازمان رزنده و آید شو لوزی انقلابی و تطبیق صحیح آن بسا واقعبینهای جامعه و یا خواستهای توده ها را بسادگی نمی توان بدست آورد همچنانکه نمی توان وارد کرد هرانقلاب دارای شرایط خاص و ماهیت مخصوص بخود می باشد و ما به رفقای ایرانی تاکید می کنیم که نسبت باین واقعیت خاص آگاهی داشته باشند زیرا که بدون این آگاهی امکان پیشرفت برایشان وجود ندارد.

ما آید گولوزی انقلابی را در چهار چوب عام نظری آن نفی نمی کنیم و در آن جای هیچگونه بحثی نیست، ولی تجربه شرووی یا چین یا کوبا و یا ویتنام را نمیتوان در ایران، یا وطن عربی و یا هر مکان دیگری با تمامی و یا حتی بعضی از تفضیلات تکرار نمود، زیرا که هر تجربه انقلابی دارای شرایط ویژگیها، تاکتیکها و اسلوبهای

تجارب انقلابی را نمی توان نسخه برداری نمود اگر چنین بود امروز می بایست دنیا کشوری سوسیالیستی و واحد باشد .

انقلاب فلسطین نتوانسته است موضع صحیح خود را در میان تضاد های قائم در وطن عربی ، نه در تضاد های ملی و نه حتی در تضاد های طبقاتی بیابد . انقلاب فلسطین در چهار چوب کنونی اش و این از موضع انتقاد از خود است و از آن هیچ ترس و یا خجالتی نداریم انقلاب طبقه کارگرنیست و نه اتحادی ملی ، اتحادی در چهار چوب جبهه ای که تا کنون به دلایل زیادی نتوانسته ایم بوجودش آوریم که مهمترین عامل بوجود نیامدنش ، فقدان رهبریت .

یکی از مهمترین ویژگیهای انقلاب فلسطین اینست که در چهار چوب قید و بند هایش متولد شد و رشد یافت ، زیرا که بروی خاک فلسطین متولد نشد . این صحیح است که میان خلق فلسطین رشد یافت ولی بنا بر شرایط خاص خود در تهجد بود و این

خاص بخود می باشد که نمی توان آنرا از جایی دیگر نقل مکان و یا نسخه برداری نمود . ماتریالیسم دیالکتیک و مبارزه طبقاتی و توانین تضاد صحیح هستند ولی عام تاریخ ایران و همچنین تاریخ عرب و مبارزه طبقاتی آنها با یکدیگر اختلاف دارند همانگونه آنچه که در روسیه تزاری و اروپای شرقی اتفاق افتاد بهیچ وجه با چنین مشابهتی ندارد . برای هر کشور شرایط خاص بشود وجود دارد و ما با اصرار بر این موضوع تأکید می کنیم . ما از گذشته خود بریده نیستیم ولی از آن پیشرفته تریم . تاریخ ما ، ر اعطاق ما و در آگاهی ما ، بحیات خود ادامه می دهد و تأثیری فاعلانه بر کار روزانه ما و روابطمان و آینده مان دارد .

س. ویژگیهای انقلاب مسلحانه ایران چیست و در چه مواردی با انقلاب فلسطین اختلاف دارد ؟

ج. همانطور که گفتیم هر انقلاب دارای شرایط خاص بخود می باشد و

بعد جغرافیائی اثر منفی خود را بر ما عیت روابطش با رژیمها و کشورهای عربی محیط بر آن و دنیا بر جای گذاشت که خود این در پروسه رشد و عملکرد انقلاب فلسطین منعکس می شود .

یکی از مهمترین ویژگیهای انقلاب فلسطین اینست که بجز در چهار چوب ملیتی نمی تواند پیروز شود و همچنین نمی تواند بدون تخییراتی ریشه ای و انقلابی در بنیاد سیاسی و اجتماعی کشورهای محیط بر منطقه لبنان ، سوریه ، عراق و مصر پیروز شود . در مقابل ما معتقدیم که انقلاب در ایران موضعش را در صفت توده ها روشن و تعیین کرده است و رویاها و کج رویهای خرده بورژوازی را بدو ریخته و موضعش را نسبت به رژیم بطور نهائی روشن نموده و گامهایی — هر چند کوچک در راه ساختن جبهه متحدی — برداشته و از طرفی — و این مهم است — در مقابل خواست کشورهای اطراف ایران تنازل نمی کند . اضافه بر این در تمهید

بسر نمی برد بلکه بر روی خاک خود زیست می کند . با همه اینها آنچه که ما را با رفتاری ایرانی پیوند می دهد اینست که ما علیه امپریالیسم در قویترین مواضعش مبارزه می کنیم .

س — تأثیرات انقلاب مسلحانه ایران در منطقه چیست ؟

ج — پیروزی انقلاب ایران حتما بطور مثبت و مستقیم بر انقلاب در وطن عربی تأثیر می گذارد و عکس آن نیز صحیح است . ما در حال حاضر شاهدیم که چگونه مرتجعین ایران به جنگ ، نیروهای انقلاب در وطن عربی و بویژه در عمان و خلیج پرداخته اند رژیم ایران و رژیمهای مرتجع عربی و صهیونیسم و امپریالیسم و تمامی مرتجعین و طبقات استثمارگر ، از هر نوع که باشند همه پیمان واحدی را تشکیل می دهند که این پیمان دشمن طبیعی و تاریخی ما است روابط وطن عربی با ایران فقط روابط کشوری یا کشور مجاور نیست ، روابطمان تاریخی ، دینی ، اقتصاد

موفق باشد. امپریالیسم بسادگی تسلیم نمی شود و هیچوقت حتی نشنیده ایم که مکراسی را برسمیت شناخته باشد. در اینجا نمی خواهیم از شیلی، یا پرتغال و یا هند شاهد و مثال بیاوریم، ولی می خواهیم به ایتالیا و فرانسه اشاره کنیم که دولت امپریالیستی که در سالهای آینده توازن پارلمانی کمونی به نفع احزاب کمونیست در آنجا تغییر خواهد کرد. آنرا انقلابیون ایتالیا و فرانسه بتدارک برای بیرون کشیدن جنگال بورژوازی و خلاص شدن سلاحش نیرو دارند. فاشیسم در راه است. بورژوازی بهیچ وجه اجازه نمی دهد که مصالحش دست بخورد و می خواهد که هر دو سستی را که بسویشر، دراز می شود قطع نماید. این تازه شرایط کشورها نیست که سابقه تاریخی عریض و طولی دارد. مکراسی و تجربه پارلمانتاریستی دارند حال دیگر در رژیم فاشیستی و ارتجاعی متحقی چون رژیم ایران وضع روشن است. پارلمانتاریسم در عصر امپریالیسم امری صخره است.

و فرسنگی و حتی ملیست. بنابراین نمی توانیم ایران را از وطن عربی منفرد کنیم و نه وطن عربی را از ایران در ایران اقلیت عرب زندگی می کند و در عراق و خلیج نیز اقلیت فارس زیست می کنند و ملیت کرد در حقیقت زمینه مشترکی را بین عراق و ایران تشکیل می دهند. سابقه تاریخی مان یکیست منظور سابقه تاریخ اسلامیست. خلقهای ایران و عرب دارای تاریخ واحدی هستند که به بیش از ده قرن می رسد. و دایفه ما بعنوان ایرانی و عرب اینست که باید نسبت به تأثیرات متقابل عمل انقلابی در منطقه، و اشتباه نمیکنیم اگر بگویم یک منطقه آگاه باشیم. همچنین نباید ترکیه را از نظر دور بداریم.

س. — بنظر شما آیا جنبش رهایی بخش ایران می تواند با استفاده از مبارزات مسالمت آمیز و پارلمان پیشرفت کند و پیروزیهای بدست آورد؟

ج. — در اوج قدرت امپریالیسم شیوه های پارلمانتاریستی نمی تواند

ایران یکی از عوامل اساسی و اجراکننده سیاست امپریالیستی در خاورمیانه است و برای سرکوب جنبشهای توده ای کسب خواهان آزادی سیاسی و اجتماعی و مکراسی حقیقتند دست بکار می شود. موضع رژیم ایران در پیمانهای ارتجاعی - امپریالیستی علیه خواستههای توده ها امر روشنی است و نقش ژاندارم خلیج که رژیم ایران میکوشد آنرا ایفا نماید بروشنی روز است. همچنین روابط این رژیم با سیستم صهیونیستی در فلسطین اشغال شده برای همگان معلوم است و این همه علاوه بر نقش این رژیم در پیمانهای نظامی امپریالیستی دشمنانه می باشد. رژیم ایران برای تبدیل شدن بدولتی امپریالیستی و توسعه طلب تلاش و تقای فراوان می کند و مقدار زیادی از کوششهای حکمرانان تهران مصروف این امر می شود. همچنین مقدار بی حسابی از ثروتهای ایران را برای بوجود آوردن رژیم نظامی موهومی که در نهایت بخدومت امپریالیزم جهانی و بخصوص ایالات متحده

و مکراسی تحت تسلط امپریالیسم و بهره کشی طبقاتی نیرنگ و دروغ به توده ها است. می توان بریتانیای امپریالیست موصوفایسه مکراسی را در نظر گرفت و دید که در این مکراسی چگونه بر چهره خلیجهای بریتانیا و جزیره هایش نمایانست، بخصوص آن در دهاتی که این مکراسی پارلمانی در اسکاتلند و ایرلند بوجود آورده است. باز تکرار می کنیم که مکراسی تحت تسلط امپریالیسم نیرنگ و حیل گریست و تضادهای اساسی را جز با نیروی توده های متشکل و مسلح نمی توان حل نمود درست همانطور که در روسیه و چین و کوبا و جنوب شرقی آسیا حل شده اند و همینطور کشورهای اروپای شرقی، زیرا که در آنجا نیز از طریق قهر حل شدند. س - وظایف انقلابیون منطقه برای رود رویی با هم پیمانی رژیمهای ارتجاعی که رژیم ایران مهمترین نقش در خدمت بمناقض امپریالیسم را بر عهده گرفته چیست؟ همانطور که در متن سؤال آمد رژیم

آمریکا و هم پیمانانش می باشد بیاد میدهند
این شرایط و وظایف معین ولی بزرگسی
را بعهده انقلابیون خاور میانه می نهد
و این امریست طبیعی . باید با هم -
بستگی و اتحادی انقلابی ، بمقابله با
اتحاد امپریالیستی - ارتجاعی رفت و
این چیز است که ما برای آن کوشش
می کنیم در حال حاضر بوجود آوردن وسیع
ترین شبکه روابط سیاسی و نظامی
با تمامی نیروهای انقلابی در توجه
ماست .

مسئله آزادی مساله یگانه و تجزیه
ناپذیر است و از اینرو روابطمان -
که روابط نسبتاً خوبیست - باید
ارتقاء یابد چه با سازمانهای خلقهای
ایران و چه با سازمانهای خلقهای
عربی و دیگران برنامه ریزی شود .
قهر ارتجاعی را باید با قهر
انقلابی پاسخ داد و ما آماده ایم
تا وظیفه ای را که بعهده ماست
انجام دهیم ، پس متحد شویم .



متن مصاحبه با داجد ابو شرار

مسئول تبلیغات واحد سازمان آزادی بخش فلسطین

و دبیر شورای انقلابی فتح

درخیم صفتی، دشمنی طبیعی و تاریخی با هرگونه آزادی خواهی، بهره کشی بی رحمانه از توده ها، سرکوب فاشیستی خلق، طمعیهای توسعه طلبی و خالصه مزدور و زاندارم امپریالیزم بودن، همه بسادگی صفات رژیم خونخوار شاه است. رفیق ماجد ابو شرار مسئول تبلیغات واحد سازمان آزادی بخش فلسطین و دبیر شورای انقلابی "الفتح" بمناسبت آغاز مبارزه مسلحانه در ایران، از این رژیم و از مبارزه رودر روی خلق ما برای نابود کردن این رژیم سخن می گوید.

موضع سازمان آزادی بخش فلسطین بر علیه رژیم ارتجاعی شاه در این مرحله از مبارزه خلق فلسطین که مواجه با انواع

توطئه های امپریالیستی و ارتجاعی منطقه می باشد برای ما اهمیت ویژه ای دارد. و مطمئن هستیم که ادامه پشتیبانی فعال سازمان آزادی بخش فلسطین از انقلاب ایران، بی تردید در پیروزی نهایی انقلاب منطقه ای تأثیر بسزا خواهد داشت.

س- نظر شما درباره رژیم ایران و سیاست داخلی و خارجی آن چیست؟

ج- دید ما نسبت به رژیم ایران از خلال موضع این نظام در مقابل مسائل مردم عرب بطور کلی، و خلق فلسطین بطور خاص مشخص می شود. هم چنین از خلال ماهیت این رژیم و کیفیت پیوندها و وابستگی های آن روشن می شود.

نظر و موضع رژیم ایران در مقابل

دارد که از چاههای ایران استخراج می شود. اگر علاوه بر اینها پائشاری این رژیم را در نادیده گرفتن حقوق، خلوه، عرب در ایران را در تعیین سرنوشت خویش و سیاست سرکوب و ترور علیه انقلابیون عرب در ایران و همچنین سیاست سرکوب مستمری را که علیه همه نیروهای ملی و مترقی و انقلابی ایران در پیش گرفته است بر آن بیافزاییم بدون تردید این رژیم را در ردیف یک نظام ارتجاعی و فاشیستی راست گرا و دشمن جنبشهای آزادی بخش ایران، عرب و جهان خواهیم گذاشت. اگر به اهت و وابستگی پیوندهای این رژیم نگاه کنیم در می یابیم که این نظام امتداد طبیعی سیاست امپریالیسم جهانیست و حضور وی را در منطقه خلیج نمایندگی می کند و پایگاههای بسیاری امپریالیسم جهانی بشمار می رود که خلاقهای منطقه و جنبشهای آزادی بخش آنرا تهدید می کند و امپریالیسم از او بعنوان ابزار سرکوب در منطقه استفاده می نماید و امری

مسائل مردم عرب و مسأله فلسطین علیرغم وجود برخی نمودهای "دوستی" که این رژیم را به برخی از رژیمهای عرب پیوند می دهد، موضعی دشمنانه است. در حقیقت توده های عرب و بویژه خلق فلسطین این رژیم را رژیم ارتجاعی و دشمن خلق فلسطین و دشمنهای عرب می دانند و اخلاقی مستقیم ایران در عمان و گسیل داشتن هزاران سرباز برای جنگیدن علیه انقلابیون جبهه خلق برای آزادی عمان، نشانه ای از موضع دشمنانه این رژیم در مقابل ملت ما و خلق فلسطین است. زمانی که دولت صهیونیستها بر روی سرزمین فلسطین ایجاد شد، رژیم ایران از جمله رژیمهایی بود که برای اعتراف باین موجودیت پیشی جست و در همین حد نیز اکتفا نکرده همچنین با اقدام بیاز نمودن درهای ایران بر روی بهره کشی اسرائیلی، شروع به تقویت کردن دشمن ما بوسیله نفت کرد و اکنون به شکل اساسی دشمن ما بر نفتی است.

که در ظفار وجود دارد .

س- جنبش انقلابی و مسلحانه ایران

را در مقابل با این رژیم چگونه می بینید ؟

ج- این کاملاً طبیعی است که وقتی

خلق در سایه خشونت و ترور و سرکوب

و ظلم و استبداد قرار دارد باید از میان

فرزندان پیشانیگانی انقلابی و ملی بپزوراند

که اشکال مبارزه و نبرد ی را که متناسب با

ماهیت آن جنبش و آرمانهای سیاسی

و ایدئولوژی آن باشد ، انتخاب کند .

و ما در انقلاب فلسطین معتقدیم که مبارزه

مسلحانه عالیترین شکل مبارزه راتشکیا، میباش

و از اینرو به جنبش انقلابی و مسلحانه ایران به

شکل ویژه ای می نگریم زیرا که این جنبش

درست بر همان تأکیدی اعتماد دارد که ما

بدان معتقدیم . ما با ایمان به انقلابمان و

ایمان به جنبش مسلحانه ایران معتقدیم که

با چنین رژیمهایی جز با شیوه خشونت مسلحانه

و انقلاب توده ای مسلحانه نمی توان مقابلسه

کرد . انقلاب فلسطین که خود را جزئی از جنبش

آزادی بخش جهانی محسوب می کند

— که جنبش انقلابی و مسلحانه ایران

نیز جزئی از آنست — همچنین خود را با

این جنبش در سنگری واحد برای مقابلسه

با امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع در هر

کجا که باشد قرار می دهد ، از این روست

که ما جنبش مسلحانه و انقلابی ایران

را مورد تأیید و پشتیبانی قرار مید هیم

جنبشی که ناگزیر با پیگیری مبارزه مسلحانه

در آینده به مرحله ای خواهد رسید که

اراده توده های محروم و رنج دیده را

تحقق بخشد تا در سایه آن آزادی ،

عدالت و مساوات برقرار گردد .

س- نقش جنبش آزادی بخش ایران

در زمینه هم بستگی با جنبشهای آزادی-

بخش خلقهای منطقه چیست ؟

ج- این امری طبیعی است که هر

جنبش آزادی بخش در جهان برای

پشتیبانی و همکاری بیشتر خواستار پیوند

با جنبشهای دیگر در این یا آن کشور

می باشد . همانطور که گفتیم در موضعی واحد

در برابر نیروهای امپریالیستی ، صهیونیستی

و ارتجاعی قرار داریم و هدف واحد ما همانا شکست دادن این نیروهاست و به شیوه یگانه ای نیز اتکالی کنیم و آن مبارزه مسلحانه است و نتیجتاً و مطمئناً در سنگری یگانه ایستاده ایم و خواستار یکنواختی هر چه بیشتر و انسجام بسیار جنبش آزادی بخش عرب هستیم تا بتوانیم در وحدت آن با جنبشهای آزادی بخش جهانی و از جمله با جنبش آزادی بخش ایران گام برداریم.

ب- رژیم ایران در مرحله کمونیستی تلاش می کند که خود را دوست اعراب جلوه دهد. از آنجائی که رابطه محکم این رژیم با صهیونیستها معروف است آیا قدرتی کنید این سیاست جزئی از نقشه امپریالیستی ارتجاعی برای تصفیه جنبش انقلابی در منطقه، و پیشاپیش آن انقلاب فلسطین باشد؟

ج- این تنها انقلاب فلسطین نیست که هدف آنها را تشکیل می دهد در واقع همه جنبشهای عربی و جهانی

همواره هدف آنها هستند که هر روز با نقشه های امپریالیستی، ارتجاعی و صهیونیستی روبرو می باشند. چون وجود این نیروهای آزادی بخش خطری حتی برای نقشه های امپریالیستی و صهیونیستی تشکیل می دهند. اما اینکه ایران چنین وانمود می کند که دوست اعراب است ماهیت این رژیم و شیوه برخورد های داخلی آن و نیز عملکرد آن در ایفای نقش سرکوب کننده در داخل سرزمینهای عربی (در ظفار) و بالاخره ماهیت پیوند و وابستگی وی بویژه به صهیونیسم و امپریالیسم، دلیلی بر درونی بودن رابطه بین این رژیم و هر رژیم عربیست. رابطه با این رژیم همواره محکوم به شکست است چرا که در نهایت توده های عرب قادرند خطاهائی را که این یا آن رژیم عربی مرتکب می شود تصحیح نمایند.

د- با توجه به نقش رژیم پهلوانی بعنوان وسیله باجرا در آوردن سیاست های امپریالیستها در منطقه، و وظیفه

جنبشهای آزادی بخش منطقه در مقابله با تحریکات این رژیم چیست؟ بخوبی روشن است که یک پارچگی جنبشهای آزادی بخش در منطقه شرط اساسی برای تحقق پیروزی است و بدون این یکپارچگی امکان تحقق پیروزی ضعیف است، هم چنین کوشش جنبشهای آزادی بخش، منطقه در جهت هم بستگی جهانی با احزاب و رژیمها و نیروهائی که در پشتیبانی از حقوق و خلقها در تعیین سرنوشتشان ایستادند امری ضروری و لازمت.

هر جنبش آزادی بخش که نتواند هم بستگی جهانی را با خود بوجود بیاورد ابدانی تواند ادامه یابد و قادر نیست بهیچ یک از هدفهای خود نایل آید و همچنان اگر رشد جنبشهای آزادی بخش با هوشیاری و دقت صورت گیرد میتواند تمام توطئه هائی را که علیه آن چیده می شود درهم بکوبد. همینطور با مشخص کردن هم بستگی اردوی دوست از اردوی دشمن، توجه به تمایز بین آنها ناگزیر نیسروی

ایمن جنبشها را منسجم تر نموده، آنها را هر چه بیشتر به هدف نزدیک می سازد.

۱- انقلاب فلسطین تأثیر زیادی در شعله ور شدن مبارزه مسلحانه در ایران علیه رژیم شاه داشت و هم چنین این انقلاب طوری در شکل دادن اندیشه مبارزه مسلحانه در منطقه تأثیر داشته است که این امر امپریالیزم و رژیمهای ارتجاعی را بوحشت انداخت، آیا این یکی از عوامل اساسی در پیوند همه نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی در ضربه زدن به انقلاب فلسطین و تلاش آنها در جهت تکرار فجایع سپتامبر ۱۹۷۰ اردن در حوادث اخیر لبنان نیست؟

ج - عملاً انقلاب فلسطین شرایط ویژه ای دارد و این ناشی از ماهیت کل آنست که انقلابیست شعله ور شده در قلب منطقه عربی و از موقعیت استراتژیک مهمی نه تنها در خاورمیانه بلکه در سطح همه جهان برخوردار است. هم چنین از ماهیت مسأله فلسطین سرچشمه می گیرد که صرفاً

يك مسأله داخلی نبوده بلکه مسأله ایست
جهانی که همواره از آغاز این قرن وجدان
بسیاری از جهانیان را تکان داده است
و همچنان بر برخی از رویدادهای منطقه
و برخی دیگر از مناطق جهان تأثیر میگذارد.
باین ترتیب هنگامیکه ما شراره های انقلاب
فلسطین را در نخستین روز سال ۱۹۶۵
شعله ور ساختیم دقیقاً سنگینی مسئولیتی را
که برای خود در نظر گرفته بودیم درک نمودیم
همچنین به حجم اردوی دشمنی که می-
بایست با آن روبرو بشویم آگاه بودیم در
ضمن متوجه بودیم که در جهان دوستان
بسیاری خواهند بود که در کنار ما بایستند.
باین دلایل مبارزه مسلحانه را آغاز کردیم
و خط سیاسی درستی بر علیه امپریالیسم،
ارتجاع و صهیونیسم در پیش گرفتیم. انقلاب
فلسطین همواره بسیاری از انقلابیون
جهان را بسوی خویش جلب کرده است.
انقلاب فلسطین همواره در نمایش بروی همه
انقلابیون گشوده بوده و همواره گشوده
خواهد ماند. برای آنکه مبارزه فلسطین

را یاری کنند، برای آنکه دوشادوش
فرزندان خلق فلسطین و ملت عرب علیه
امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع بجنگند
تجربه نشان داده است که بسیاری از آن
برادران در مقابله انقلابی به سرزمین خود
بازگشته اند تا مبارزه مسلحانه را علیه
رژیمهای سرکوب، علیه رژیمهای بهره کش
که خلقهایشان از آن رنج می برند، دامن
بزنند و این بنظر من دلیل وحدت سر-
نوشت همه جنبشهای جهانست. خلق
فلسطین افتخار می کنند از اینکه انقلابی
را شعله ور ساخته که از طریق حمایت
ملت عرب توانسته توده بسیاری از انقلابیون
را بخود جلب کرده و نیز بتواند مساعدت
و همکاری خویش را نسبت به بسیاری
از جنبشهای آزادی بخش، جهانی
ارزانی دارد، این نقش درستی را
همواره اجرا نموده و همچنان در
اجرای آن پایدار است.
من معتقدم که حجم ستم و رنجهایی که
خلق ایران با آن دست بگریبان است بسیار

سنگین می باشد هم چنین خلق ایران خلقی سلحشور و زحمتکش است و اگر فرصت یابد ستون محکمی از مبارزه سیاسی و مبارزه صلحانانه را تشکیل خواهد داد . خلق با این خصوصیات اگر رهبری پیشاهنگ و توانائی داشته باشد که بتواند پایداری آنه به نیروهایش جهت دهد بی تردید پیروز خواهد شد . از اینرو سنگینی این مسئولیت بر دوش جنبش آزادی بخش یا جنبش صلحانانه و ملی ایرانست که پیشاهنگی این خلق را بر عهده دارد و بر اوست که همواره بداند که پیروزی ممکن نخواهد بود مگر با مبارزه ای جسورانه و با پشتیبانی و پیوند حقیقی با توده های ایران و نیز با اتحاد با جنبشهای آزادی بخش و با رژیمها و احزاب نیروهای که همواره پشتیبان حقوق مسلم خلقها در تعیین سرنوشتشان هستند .



اعدام انقلابی حسین ناهیدی سر بازجو

و معاون سازمان امنیت شاه خائن در مشهد

در ساعت ۷/۴ باطاد روز چهارم بهمن ماه ۱۳۵۴ حکم اعدام انقلابی حسین ناهیدی سر بازجوی معروف سازمان امنیت مشهد توسط یک واحد از رزندگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بهمورد اجرا در آت .

حسین ناهیدی که بود ؟

در استان خراسان بویژه شهر مشهد بسیارند کسانی که حسین ناهیدی را میشناختند او سر بازجوی سازمان امنیت مشهد و بقولی معاون رئیس سازمان امنیت مشهد بود . او کسی بود که شخصا به اکثر پرونده هائی که از طرف سازمان امنیت برای مورد ملاحظه و تحقیق و حق طلب ساخته میشد رسیدگی میکرد و در هنگام بازجویی این مورد مستطیده را با شلاق و بیشکل توهین آمیزی کتک می زد و پس از ماهها رنج و آزار آنها را بسـه زندانهای طولانی محکوم می نمود .

حسین ناهیدی را کارگران مبارز و حق طلب مشهد می شناختند . بسیاری از کارگرنانی که بخاطر گرفتن حق خود از سود ویژه کارخانه و یا اضافه کردن دستمزد سالانه و یا انتخاب نماینده واقعی کارگران دست باعصاب زده بودند . به سازمان امنیت بسره می شدند و توسط این فرد و همکارانش مورد آزار و اذیت قرار می گرفتند .

دانشجویان مبارز و آزاد بخواه دانشگاه شهید نیز بخوبی با این چهره مفسور دولت شاه آشنائی داشتند و بسیاری از آنها طعم شلاقهای زنیلانۀ این نوکر و آلت دست سرمایه داری خارجی و داخلی را چشیده بودند .

ناهنیدی باصطلاح از افراد با استعداد سازمان امنیت بود . او از طرف دستگاه مرکزی سازمان امنیت در تهران دوره های مختلف آموزشی را گذرانده بسود و در حرفه کثیف خودش استاد بود .

او با مهارت مبارزین جوان و کم تجربه را مورد بازجویی و شکنجه قرار میداد و بسا استفاده از تعالیم ضحرفی که باو داده بودند حتی سعی میکرد با مبارزین بحث کند و باصطلاح غلط بودن کار آنها را اثبات نماید .

او کسی بود که یکبار با وقاحت تمام گفته بود : " این درست است که روزگار همیشه باین شکل نمی ماند و بالاخره کارگران و زحمتکشان حق خودشان را خواهند گرفت ولی ما را هم برای این درست کرده اند که جلوی حرکت حق طلبانه مردم را بگیریم و نگذاریم اوضاع بقدر سرمایه دارها و غاصبین عوض شود ."

حسین ناهیدی همچنین دشمن شماره یک انقلابیون در استان خراسان بود او بسا استفاده از وسایل و امکانات و پیروندۀ های سازمان امنیت اقدام به دستگیری و بازجویی مبارزین می نمود و فرزند ان مبارز خلق را که بخاطر گرفتن حق کارگران و تعالی زحمتکشان شهر و روستا اسلحه بدست گرفته و قیام کرده اند مورد شکنجه و آزار قرار میداد .

ولی گویا او هنوز خوب نفهمیده بود که " ظلم پایدار نیست " و بالاخره مردم بسرای گرفتن حق خودشان اقدام خواهند کرد و زورگویان را مجازات خواهند نمود .

چرا ما حسین ناهیدی را با اعدام محکوم کردیم ؟

دلایل ما برای محکومیت حسین ناهیدی به اعدام عبارتند از:

۱ - حسین ناهیدی کارگران حق طلب و اغتصاب کننده را که بخاطر سیر کسردن

شکم زن و فرزند خود دست با اغتصاب می زدند شکنجه و آزار می داد .

۲ - حسین ناهیدی دانشجویان آزادیخواه و میهن پرست را مورد بازجوئگی

و ضرب و شتم قرار میداد و بدترین اهانتها را به آنها روا می داشت و این مبارزین جوان

را بزدان می انداخت .

۳ - او در نوکری دستگاه فاسد دولت سنگ تمام می گذاشت و بقصد گرفتن پول

و پاداش از هیچ عمل بیشرمانه ای خودداری نمی کرد .

۴ - او زندانیان سیاسی و مبارزین جان برکف گرفته راه رهائی خلق را آزار میداد

و شکنجه میکرد و سدی بود برای رشد و گسترش مبارزات حق طلبانه مردم و حمتکشش

خراسان با توجه به این جرایم ذکر شده حسین ناهیدی محکوم به اعدام شد و حکم

اعدام در مورد او با اجرا در آمد .

ناهدی خائن چگونه اعدام شد ؟

همانطور که می دانید ناهیدی یکی از ورزیده ترین مأموران امنیت خراسان

بود . او اندامی ورزیده داشت و همیشه صلح بود صباها او قبل از اینکسه اتومبیلش

را از منزل درآورد در حالیکه قبضه اسلحه کمربند را در جیب بارانی در دست میگرفت اطراف منزل را مورد کنترل قرار می داد و پس از حصول اطمینان از عدم وجود چریک ها اتوبیلش را خارج کرده و به مرکز سازمان امنیت خراسان میرفت در صبح روز اعدام او در حالیکه مثل همیشه اسلحه ها را در جیب بارانی بدست گرفته بود از منزلش خارج شد . او که از وحشت چریکها و انتقام خلق همیشه نگران و مضطرب بود در صبح روز چهارم هم بهمن با واقفیت عملی انتقام خلق روبرو گردید .

ناهدی خائن وقتی با رزمندگان سازمان ما سینت بهینه شد قدرت هر گونه عکس العملی را از دست داد و میخواست عقب گرد کرده و راه گریز در پیش گیرد ولی رگبار مسلسل که از فاصله هفت متری بسمت او بارید تعادلش را بهم زد . و بزمین افتاد . او مذبحخانه و بی اراده اسلحه کمربند را خارج کرد ولی حتی یک تیر نیز نتوانست بسمت رفقای ما شلیک کند رفقای مأمور اجرای حکم اعدام پس از اولین رگبار ۲ رگبار دیگر نیز از فاصله نزدیکتر با او شلیک کردند و سپس با سلاحهای کمری خود آخرین تیرهای خلع را باو زدند .

خائن در حالیکه زوزه می کشید زندگی تنگنیش به پایان رسید . رفقای عمل گفتند بلا فاصله سلاح کمری او را که یک سلاح آمریکائی کالیبر ۳۲ / ۰ اینچ "کبر" بود بنام پرداختن خلق ایران ضبط کردند و پس از اجرای موفقیت آمیز طرح سالم به پایگاه خود بازگشتند .

*** توضیحی کوتاه در مورد درگیریهای اخیر چریکها در مشهد ***

مردم مشهد بخاطر بی آوردن که در تابستان گذشته رزمندگان سازمان طدر جریان یکرشته از درگیریها و زد و خورد هائی با مأمورین شهر بانی و سازمان امنیت و ژاندارمری در مشهد دو پاسبان شهر بانی را کشتند و چند افسر و درجه دار را بشدت مجروح

نمودند. علت این درگیریه‌ها آن بود که این مأموران می‌خواستند در خیابانهای مشهد
 و یا روستاهای اطراف شهر رفقای ما را مورد بازرسی قرار بدهند و از فعالیتهای ما
 پی‌لوگیری کنند در جریان تمام این درگیریهای رفقای ما بخاطر رفع مزاحمت مأمورین بسا
 آنها درگیر شدند و مأموران دشمن را کشتند و مجروح ساختند. در این درگیریه‌ها و
 قبضه اسلحه اسپرینگ فیلد آمریکائی نیز به غنیمت گرفتند با این همه ما اعلام می‌کنیم که
 ما خواهان این درگیریه‌ها نیستیم. ما هدفمان ضربه زدن به زورگویان و ستمکارانست
 که مسئولیت، بنایات دولت شاه را برعهده دارند و گرنه با مأموران جزئی کاری نداریم ولی
 اگر این مأموران مزاحم کار ما شوند طبیعا ما با گلوله از ایشان استقبال خواهیم کرد.

ما بتمام مأمورین اجرائی پلیس، ژاندارمری و سازمان امنیت اخطار می‌کنیم که اگر
 بخواهند مزاحمتی برای ما تولید کنند بسرنوشت همان کشتگان و مجروحین دستگاه پلیس
 و سازمان امنیت دچار خواهند شد. پس بهتر است که این مأمورین دخالتی در کار
 ما نکنند. ما هدف خود را از میان خائنین اصلی مثل ناهیدی‌ها انتخاب می‌کنیم و بسا
 مأموران جزئی اگر در کار ما اختلال نکنند کاری نخواهیم داشت.

مردم شریف مشهد!

سازمان ما پس از اجرای حکم اعدام ناهیدی‌خائن با موج حمایت و تأیید شما مواجه
 شد تأیید و حمایت خلق برای سازمان ما باعث مباحثات و افتخار است. هدف ما از
 مبارزه و ضربه زدن بدشمن چیزی جز گشودن راه مبارزات حق، طالبانه خلق، زحمتکش ایران
 نیست.

بهترین پاداش برای مائی که جان برکف در راه آزادی زحمتکشان ایران مبارزه می
 کنیم اینست که مردم با واقفیات هدفهای ما آشنا شوند و بکوشند اهداف ما را برای سایر
 هموطنان نیز توضیح دهند ما از مردم می‌خواهیم که هرگز زیر بار زور نروند و همیشه

در جهت گرفتن حق خود کوشا باشند . حمایت و تأیید غیر منتظره مردم مشهد از عملیات سازمان ما نشانه رشد آگاهی انقلابی مردم است . مردم ما امروزه انقلابیون را می شناسند و به راه و هدف نیروهای انقلابی احترام می گذارند .

ما در مشهد کارگران زیادی را دیدیم که آرزوی کردند چریکها هرگز دستگیر نشوند و بتوانند در جهت هدفهای خود که چیزی جز راه خوشبختی کارگران نیست موفق شوند .

ما در مشهد دانشجویان زیادی را دیدیم که پس از اعدام ناهیدی بودند و شمس در آمدند و شور و مبارزه از دلهایشان شکوفه زد و با تمام وجود ما را تأیید کردند ما در مشهد پسر زنتی را دیدیم که ضمن تأیید عمل ما می گفتند این جواب ظلم بی حد دولت است ، خدا آنها را نکند !

ما در مشهد پاسانتهائی را دیدیم که بحق طلبی چریکها اعتراف کرده و بیهمدیگر ندا می دادند که با مردم بدرقتاری نکند ظلم بی جواب نخواهد ماند .

و بالاخره ما در مشهد سرتیپ شیخان این رئیس نفوذ سازمان امنیت دولت شاه را هم دیدیم که در پشت سر تابوت ناهیدی خائن هم چون عجزه ها اشک می ریخت و دیدیم که چگونه اشکهای او باعث شادی و نشاط زحمتکشان و نیروهای مبارز خلق است مردم مبارز زخراستان !

سازمان چریکهای فدائی خلق بخاطر دفاع از منافع مردم زحمتکش و میهن پرست بوجود آمده است و در جهت اتحاد زحمتکشان و در درجه اول اتحاد کارگران ایران مبارزه می کند .

سازمان چریکهای فدائی خلق طرفدار احقاق حق کارگران زحمتکش است ، ما از حقوق کارگرانی که حقوقشان را زیاد نمی کنند ، سود ویژه بآنها کم میدهند و یا نمی دهند و یا

اینکه حق انتخاب نماینده واقعی خود را ندارند حمایت می‌کنیم .

ما طرفدار دهقانانی هستیم که زیر بار قرض بانکها و نزولخوارها کمرشان خم شده است و باز هم مفت خورها دست از سرشان برنمی‌دارند .

ما طرفدار دانشجویان و روشنفکرانی هستیم که از طرف دولت در قید و بند قرار گرفته‌اند و آزادی بیان و اندیشه سالم از آنها سلب شده است و حق دفاع از مردم و حق دفاع از حقوق شخصیت انسانی از ایشان گرفته شده است . ما طرفدار کسبه ، پیشه‌وران زحمتکشی هستیم که از هر سو زیر بار ستم قرار دارند و هر روز مالیاتی جدید و عوارض تازه بزرور و تهدید از آنها میگیرند .

و بالاخره ما طرفدار تمام مردم شریف و زحمتکش شهرها و روستاهای ایران هستیم و بخاطر احقاق حق هم میهنان خود مبارزه می‌کنیم .

سازمان ما بهمین خاطر در سال گذشته انفجاری در استانداری خراسان انجام داد تا بدین وسیله نسبت به ظلم و تعرض دستگاه تولید آستانه که در اختیار شاه‌خائن است اعتراض کند ما بخوبی می‌دانیم که این مفت‌خورها چطور بحساب مقدمات مذهبی مردم را غارت میکنند . و اموال آستانه را چپاول می‌کنند .

هم میهنان !

سازمان چریکهای فدائی خلق که در ۱۹ بهمن ماه ۱۳۴۹ با حمله به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل مبارزات نوین خلق ایران را پایه‌گذاری کرد بخاطر این بخشیدن به مبارزات حق‌طلبانه مردم ایران همچنان بفعالیت انقلابی سازمانده خود ادامه می‌دهد و امیدوار است که بتواند در جهت اتحاد کارگران و نظام‌اقتدار تحت ستم‌خلق‌گامهای موشری بردارد . و در مبارزه‌های دشوار و طولانی دستگاه ظلم و ستم دولت سرمایه‌دارها و زورگویان را در هم بریزد و حکومت زحمتکشانشان به رهبری طبقه کارگر بر

در ایران برقرار کند . ما باید آن روزی جنگیم و ایمان راسخ داریم که اگر در این راه کشته شویم بهیچوجه مهم نیست زیرا برچی که ما برافراشته ایم همواره برافراشته خواهد بود و طبقه کارگر ایران بحمايت تمام زحمتکشان راه ما را تا پیروزی نهائی ادامه خواهد داد ما از هم اکنون بباد و امید آن روزهای درخشان پیروزی شادمان و - سرافرازیم و بخاطر پیروزی و بهروزی کارگران و زحمتکشان حاضریم صد بار جان خود را فدا کنیم .

" پیروز باد مبارزات کارگران و تمامی زحمتکشان ایران "

" مرگ بر سازمان اضیت سد راه مبارزات حق طلبانه

مردم ایسران "

" یا مرگ یا ایران آزاد شده "

" یا ایمان به پیروزی راهمان "

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

بازتاب اعدام انقلابی ناهیدی در مشهد

عکس‌العطای مردم مشهد و پاره‌ای از عناصر دشمن

در مقابل اعدام انقلابی ناهیدی *

توضیح : مثلا ما در نمونه شماره ۱ از اظهار نظرهای کارگران، شاهد کینه کور طبقاتی یک کارگر هستیم. او از هر چه نسسل سرمایه دار و زن و بچه آنهاست ابراز تنفر می‌کند و خواستار نابودی کاملشان است. بیشک کینه او در جریان مبارزه انقلابی میقل خواهد خورد و در خواهد یافت که برای نجات خود و طبقه اش و محو استثمار هیچ لزومی به نابود کردن نسل سرمایه داران و خانواده آنها نیست، بلکه در اساس روابط تولیدی حاکم و ماشین دولتی ای را که حافظ این روابط است باید از بین ببرد.

نمونه این کارگر و سایر نمونه‌هایی که در اینجا آورده شد در ضمن نشاندهند این حقیقت نیز هست که شکل قهر آمیز به سطح نوینی ارتقاء دهد.

آنچه که آمد نشاندهنده سطح آگاهی اقشار مختلف بوده است. آوردن آنها در اینجا بیشک چنین معنایی ندارد که آگاهی خود انگیزه بوده در هر جنبه‌ای مورد تأیید ماست. برای هر مارکسیست لنینیستی روشن است که توده‌ها در مواقع خصائل از خود بروزی دهند و استنباطاتی از مسائل محیط خود دارند و احکامی صادر می‌کنند که نه تنها مورد تأیید پشاهننگ انقلابی نیست بلکه بالعکس پشاهننگ انقلابی بنا به وظیفه اش باید با دادن جهت صحیح به حرکت توده‌ها (بالاخص پرولتاریا) با خصائل منفی و جنبه‌های نادرست آگاهی آنها به مبارزه برخیزد و آنها را به سطح نوینی ارتقاء دهد.

مبارزه دارای زمینه‌های بنیانی در طبیعت کارگر میهن ما و سایر اقشار خلز است.

طبقه کارگر میهن می باشد.

* * * *

الف - اظهار نظرهای کارگران :

۱ - یکی پیش من آمد که من به او مشکوکم. گفت میدانی معاون ساواک را - کشتن؟ این شخص زیاد هم کار می کند ولی همه می دانند که او ساواکی است. من بروی خودم نیاردم. چون می خواست ببیند چه می گویم. ولی نمی دانی عجب کار جالبیه. توی مشهد هم مسلسل پیدا میشه. به به! تمام سرمایه دارها را هم باید بکش! کیف کردم.

شرایط فاشیستی حاکم چون حق و امکان هرگونه اعتراضی قانونی و مسالمت آمیز را علیه استثمار وحشیانه ای که از طبقه کارگر ایران بعمل می آید، از او سلب نموده بطور منطقی او را بسوی نهائی ترین شکل حل تضاد با سرمایه داری حاکم یعنی شکل قهرآمیز مبارزه سوق داده است. حال برای آنکه خشم و کینه طبقاتی پرولتاریا در جهت صحیح هدایت شود و گرایش او به قهر انقلابی شکل اصلی خود را باز یابد، لازم است تا پیشاهنگ، انقلابی و وظیفه خود را با درپیش گرفتن راه درست مبارزه به انجام رساند. پیشاهنگ انقلابی در ایران ایمن و وظیفه را اساسا با دست زدن به تبلیغ مسلحانه است که می تواند انجام دهد. از اینروست که اعتقاد داریم تبلیغ مسلحانه در رد اوضاع با تلفیق با حرکتهای خود انگیزه پرولتاریا و هدایت آنها وسیله اساسی برای بردن آگاهی سوسیالیستی به میان

۲ - بعد از اینکه می فهمند که یک سازمانی اعدام شده صحبت درمی گیرند: چه طور کشتنش که کسی تفهیمید؟ یکی در جواب گفت مگر الکی است اونها مگر وایمی ایستن کپیگرنشون. وقتی که با مسلسل بزنن معلومه دیگه، یکی گفت حتما خیلی ظلم کرده، هر کسی بوده از دستش دل پری داشته. یکنفر توضیح داد که او خیلی اذیت می کرده و خیلی ها

رو بزنند ان می انداخت و شکنجه میداد .
 یکی می گفت : پس هر کس بوده شیرین
 کاشته خیلی هم شیرین کاشته فقط نتونن
 بگیرنش ، خیلی شیرین کاشته .

واصل بشه ! کارگر دیگری مسخره آفت
 رئیس که کاری بکارما نداره ، فقط بيك
 حقوق مفتی می گیره و میخوره و میره ، ضمیری
 که بما نداره !

۱ - هر کسی گشته خوب کاری کرده .
 دستش درد نکنه ، کجا هست که من دستشو
 طاج کشم . او مرد بوده ، هر کی بوده مرد
 بوده ، تن به تنگ نداده ، زیر بار ننگ
 نرفته . یه مسلسل هم اگر بمن بدن ، بگن
 چکاری خواهی بکنی ؟ میرم بالا تمام
 مفتخوره های اینجا روی کشم . اول رئیس
 روی کشم با اون شکم گنده اش . اول اون
 باید بمیره بعدش فلانی . اگر بيك شمشیر
 بمن بدن تمامشون روی کشم ، زن و مرد
 و بچه . اینها باید بمیرن تا آدمای خوب
 بد نیابن ، هر چی آدم بده باید از بین
 بره !

۲ - بعله ! از خانه که بیرون میاد
 از سه طرف با مسلسل شلیک می کنند و میروند
 خوب فرار کرده اند که نتوانسته اند بگیرند -
 یکی گفت ولی قاتل فلانی را گرفته اند !

۳ - کارگری که آگاهی بیشتری
 دارد می گوید : پارسال هم کاغذ هائی
 پخش کرده بودند که توی آن خیلی چیز
 ها نوشته بودند . مثلا یکجا نوشته بودند
 که رئیس ما زمان امنیت با کارخانه صاحب
 کارخانه دست داده پشت اینهاست . توی
 اون همه چیز نوشته شده بود ، همه
 بدی های مملکت را گفته بودند
 سپس در رابطه با اینکه سازمان امنیت بيك
 نماینده خوب کارگران را چقدر اندیست
 کرد صحبت نمود .

۴ - بيك کارگر که باور نمی کرد گفت
 مرگ من راسته ؟ و وقتی خوب جریسان را
 فهمید گفت پس یارو را آبکش کردن ؟
 بی خیال . ظالم باید از نیست .

۵ - خوب کشتن ، عجب زرتنگ بودن
 بزتن همین رئیس رو هم بکشن تا بسدرک

دیگری جواب داد این با این فرق دارد ، اینها که لات و زد نیستند . این جریانش فرق دارد !

۸ - لابد حکم اعدام همین قاجاقچی ها را صادر کرده و آنها هم کشتنش !

کارگر دیگری در جواب می گوید ، نه فلانی قضیه سیاسی بوده ! فلانی می پرسد سیاسی یعنی چه ؟ یک کارگر دیگر جواب می دهد ، همین کسانی که با شاه و دولت ضد هستند . کارگر دیگر در ادامه می گوید کسانی که بسه امور مملکت و شاه دخالت می کنند میگویند سیاسی .

ب - نظر چند دانشجوی مخالف مشی مسلحانه

۱ - عجب کسی روکشتن . همه مردم میشناختنش و چقدر ارزش متنفر بودن . واقعا خوب کسی روکشتن . جلا بد بسود . نمی دونی چقدر بچه ها دلشون از دست این نائنسان بی شرف خون بود . واقعا در این شرایط که لنین می گوید : انقلابیون می تونن دست به ترور بزنن ! آخر ظرف همین یکی دو هفته . ۱۰ - ۲۰ تا از رفقای

ط روکشتن !

۲ - زنده باد ، کرم راست شد . بسا تمام اینکه میگن ترور کار صحیح نیست ولی نمی دونی چقدر تاثیر مثبت دارد . اصلا زنده میشه روشنفکر . ندیده بودمش خیلی دلم میخواست ببینمش این نائنسان کیسه . میگن خیلی مغرور بوده بخودش .

۳ - من از زندگی مخفی وحشت دارم می ترسم برم مثل نیکخواه بشم ! من نمی تونم چریک بشم چون ضعفهای زیادی دارم .

ج - نظرات اقتدار دیگر :

۱ - تکسین : خبر دست اولش خودم دارم . قبلا اینا تلفن می کنن بسه سازمان امنیت ، که ۱۶ نفر از شماها از طرف دادگاه خلق محکوم به اعدام شدن . بعد وقتی میان دم خون ناهیدی میگن : آقای ناهیدی تو از طرف دادگاه خلق محکوم به اعدام شدی ، بگیر . و یارو رو سوراخ ، سوراخش می کنن .

۲ - زن خانه دار : امروز رئیس سازمان امنیت روکشتن ، میگن یارو رئیس بیمه و یک

مقام دیگر هم بود . خوب کاری کردن اینقدر
 حیوانی مردم موکشتن . حالا هم بخورن ،
 میگو سوراخ ، سوراختر کردن . کار همین
 دانشگاهاست .

۳ - پیرزن : چوب خدا صدا نداره ،
 هرکی بخوره دوانداره . توی همین کچه می بی
 همسایه مان تمریف می کنه که آمدن پسر ه
 رو از توخونه بردن و هنوزم رفتن کمبیارنش .
 ۴ - آخوند : می گویند زن این بابارو
 بابیست نفرسازطانی فرستادن تهران .

مباد این جرفاراجای بگین ! یکی ازچهها
 به طعنه می گوید خدا بیا مرزدش ! بچنه
 دیگر می گوید نه خدانی آمرزش چراکسه
 اینقدر حیوانی مردم رو شکنجه داده نگو
 آخوند در جواب می گوید ، اگر آدم بدی بوده
 که نمی آمرزدش .

زن خانه دار : میگو باگلوله های بی صدا
 زدن تو مخشر ، بعدم با موتورم رفتن . خونه
 یاروتوخیابون بابکه . تو روزنامه هاهم بنویسن
 اینارو که اصلا نباید بنویسن . دیگر ون هم
 یاد می گیرن و اینارو به جهنم می فرستن !

پیرمرد : بستنش به شصت تیر . جلوی همه
 مردم فرار کردن . امروز دم چهار طبقه
 همه موتوری های بد بخت روی گر رفتن .

ازشون اثر انگشت می گیرن . حقشونه ،
 بخورن ! همین امروز رو نگاه کن آمدن
 از سرخیابون شروع کردن یکی ، یکی
 د کونارو گشتن که جواز کسب دارن یا نه
 خیلی ها رو هم بستن . این کسارو
 می کنند مردم هم باباشونو
 در می آرند .

— صبح روز اعدام ناهید می مردم
 در داخل سرویسریک اتوبوس
 دعای کردند که اینها
 دستگیر نشوند چون خیلی حیفاست
 د - اظهار نظرهای پاره ای از عناصر

دشمن :

۱ - یک دانشجوی ساواکی : کسار
 ما مسئولیت داره ، ما مجبوریم گزارش
 بدیم . بچه هابمن چپ ، چپ نگاه می کنن
 می ترسم مرا بکشند .

۲ - یکی از مسئولین ساواک دانشگاه ،

از یکی از دانش‌جویان می‌پرسد :

۳- پاسبان : امروز صبح سلامت

نظر بچه‌ها نسبت بهمن چیه ؟ با چنان
تو من و وعشقی این سؤال خصوصی را می‌گذر
نه انگار چریکها تصمیم دارند نسل ساواکسی
ها رو از میان بردارند .

یکریح به هشت یکنی از مأموران عالی‌مقام
ساواک رو کشتن ، سر بازجوی ساواک بود .
در مقابل این سؤال که کیها بودن و چرا ؟ گفت
خرابکارا بودن . معلومه دیدگه لابد بهر نقاشی
ظلم کرده ، شکنجه داد . و بعد باخندند ه
گفت ه ظلم باید ارنیسته مواظب خودت باش
به مردم ظلم نکنی !

* * * *

www.iranarchive.com

متن اعلامیه

انفجار در فرمانداری رودسر

هم میهنسان مبارز!

کارگران ! دهقانان ! دانشجویان ! دانش‌آموزان ! پیشه‌وران ! کارمندان و بازرگانان
شریف کیلان !

در شامگاه ۲۴ بهمن ماه سال ۱۳۵۴ ساختمان فرمانداری رودسر توسط یک واحد از
رضندگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران مورد بمب‌گذاری قرار گرفت . این بمب در رأس
ساعت بیست و چهار و پنج دقیقه که از قبل پیش بینی شده بود منفجر گردید . بر اثر
انفجار این بمب ساختمان فرمانداری بسختی آسیب دید . این عمل بحمايت از مبارزه حقوق

طلبانه دهقانان روستاهای رودسر و همچنین بزرگداشت ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ سالروز آغاز مبارزه مسلحانه در ایران انجام شد. صدای مهیب این انفجار که در قسمت اعظم شهر رودسر شنیده شد، پیام آور رشد و ادامه مبارزه ایستاده ۵ سال قبل با حمله به پاسگاه ژاندارمری سیانگل آغاز شد.

طین برنامه پیش بینی شده این عمل طوری انجام شد که به مردم شهر آسیبی نرسد و همچنین برای حفظ جان خانواده فرماندار که در طبقه بالای این ساختمان زندگی می کردند، ما از طریق ژاندارمری و شهرداری اطلاع دادیم که هر چه زودتر این طمان را تخلیه کنند. ما از این جهت از چند طریق اقدام کردیم که می دانستیم دستگاه های دولتی بحالت ضابط و پرسیدگی درونی چه بسا امکان داشت این خبر را به خانواده فرماندار نرسانند.

پس از پایان موفقیت آمیز عملیات، افراد واحد عملیاتی به پایانه شهر مراجعت نمودند

چرا فرمانداری رودسر را منفجر نمودیم؟

ما بدین وسیله حمایت و پشتیبانی بیدریغ و مسلحانه خود را از مبارزه دهقانان دلیر روستاهای رودسر اعلام داشته و سعی نمودیم با انفجار بعضی کوره زدن به سرانز ستم به دهقانان نشان دهیم که:

فرمانداری یکی از هزاران مرکز ستمی است که بوسیله دولت شاه برای تجاوز حقوق زحمتکش و دفاع از زبده های سرمایه داران برپا شده است.

ما بظنظر اعتراض به ظلم و ستمی که دستگاه اداری دزد و فاسد فرمانداری رودسر نسبت به مردم رودسر و بخصوص دهقانان شجاع و مبارز روستاهای رودسر روا داشته، بعب نیروندی در فرمانداری رودسر کارگذاشته و آنجا را منفجر نمودیم. همچنین ما این عمل را به مناسبت آغاز ششمین سال جنبش مسلحانه در ایران و در ارتباط با بزرگداشت این

روز تاریخی انجام دادیم.

۵ سال پیش در چنین روزی طبق یک طرح تدارک شده پاسگاه ژاندارموری سیاهکل که مورد نفرت عمیق اهالی روستا فی آن منطقه و نشانه ستمگری رژیم شاه در منطقه محسوب می گردید، توسط یک واحد از رزندگان سازمان چریکهای فدائی خلق مورد حمله مسلحانه قرار گرفت و پس از اتمام مسئول پاسگاه موجودی اسلحه خانه آنجا بِنفع جنبش انقلابی ایران صادره گردید، و بدین سان مبارزه مسلحانه در ایران آغاز گشت.

شورش رود سرچه بود و چگونگی اتفاق افتاد

"یوسف خان صوفی املشی" که از مالکان و سرمایه داران بزرگ املشی باشد، دارای باغات چای و کارخانه های چای بسیار است. او مدت ها بود که می خواست آبی را که از "پل رود" سرزیر شده و روستاهای چینه جسان، جاف، جیر، گواسرا، لیمه، کلکاسرا و غیره و همچنین مزارع خودش را مشروب می کرد، بر روی این روستاها ببندد و تمام آب را به مزارع خودش اختصاص دهد. او ترجیح می داد آب بیشتری به مزارع خودش بیاید و برایش مهم نبود که بر سر مزارع دهقانان چه خواهد آمد. از طرفی "صوفی املشی" بخوبی می دانست که با رشوه دادن به فرماندار و سایر ادارات دولتی آنها در مقابل دهقانان از او حمایت خواهند کرد. لذا آب را بر روی این روستاها بست.

در نتیجه مزارع برنج این روستاها دچار کم آبی شده و شروع به سوختن می کنند. اهالی این روستاها که مواجه با بی آبی شده بودند، کم کم شروع به اعتراض می کنند. از طرفی فقر و بدبختی شدیدی که اهالی این روستاها از سالها قبل داشتند باعث

مقروض شد نشان به شرکت تعاونی و بانک کشاورزی شده بود و با پیش بینی اینگونه امسال هم مزارع آنها خواهد سوخت، خطر گرسنگی تهدیدشان می کرد و کاردار به استخوانشان رسیده بود. آنها ابتدا چند نفر چند نفر دور هم جمع شده شروع به اعتراض و چاره جوئی نمودند. بالاخره تصمیم گرفتند که بنزد میراب و رئیس خانسه انصاف بروند. آنها پیش باصطلاح وکیلشان هم رفتند، ولی هیچکدام نتیجه نداشتند. دهقانان که همه درها را بر روی خود بسته می دیدند، ناچار سر به شورش و طغیان برداشتند. آنها باین فکر رسیدند که باید با زور حقشان را از مقامات دولتی بگیرند. بد نبال این نتیجه گیری بود که صبح روز سه شنبه هفتم مرداد ماه ۱۳۵۴ دسته دسته اهالی روستاهای کلکسرا، گواسرا، لیسه و جاف جمیر بطرف رود سر حرکت کردند. چون مسیر دهقانان از چینه جان می گذشت و چینه جان هم اهالی این روستاها به آنان پیوسته و همگی بسوی شهر رود سر حرکت کردند.

ساعت ۸ صبح عده زیادی از دهقانان در جلوی فرمانداری اجتماع کرده و از فرماندار می خواستند که آب مزارعشان را به آنها بازگرداند. آنها می گفتند که مزارعشان تمام سوخته است. فرماندار سعی می کرد که با وعده و وعید دهقانان را آرام سازد، ولی دهقانان که خوب می دانستند که فرماندار به آنها دروغ می گوید، حاضر به قبول وعده و وعید نای او نشده و اعتراضشان پر قوت تر می شد. تا آنکه فرماندار از رئیس شهریانسی برای بیرون راندن دهقانان از محوطه شهر کمک خواست. در این موقع پلیسها باتوم شروع به زدن دهقانان می سلاح که برای گرفتن حق مسلم خود به آنجا آمده بودند نمود. دهقانان که دیگر خشمشان به نهایت رسیده بود، تحمل نکرده، با سنگ، به طرف فرمانداری آمده و می خواستند فرماندار را به سزای اعمالش برسانند، که فرماندار از این مسأله آگاه شده و همراه شهردار فرار می کند. دیگر هیچکس از مقامات دولتی

جرات نداشت به نزدیک دهقانان بیاید . حتی ژاندارمری رود سرجرات دخالت نکند و بدین ترتیب دهقانان تا ساعت ۴ بعد از ظهر عملاً اختیار شهر را در دست داشتند در این موقع دهقانان هم در وسط خیابان اجتماع کرده و خواسته‌هایشان را با صافربینی که از نقاط مختلف کشور برای گذراندن تعطیلاتشان به شمال آمده بودند ، در میان می گذاشتند و از این طریق گوشه ای از سستی را که هر روزه بر آنها روا می شود ، بگوش مردم کشور می رسانند . دولت که از گسترش این خیر در تمام کشور و همچنین سرایت کردن این شورش به روستاهای دیگر سخت وحشت داشت ، خود را ناچار از قبول خواسته‌های دهقانان دیده و به خواسته‌های آنان تن در داد .

بدین طریق دهقانان بطرف روستاهایشان بازگشتند و بعد از چند روز آب به طرف این روستاها سرازیر شد ، ولی چه سود که تمام مزارعشان سوخته بود . در عوض شهر بانی و ژاندارمری شروع به دستگیری دهقانانی که در شورش نقش فعال داشتند نموده و عده ای را نیز دستگیر کردند . پلیس مزدور بعلت اینکه این دهقانان برای گرفتن حق طبیعی شان که از طرف فرماندارو صوفی غصب شده بود قیام کرده بودند ، آنها را وحشیانه شکنجه دادند . شایع است که آنها را در طول شبانه روز لخت در آب سرد نگه می داشتند و هر روز صبح شاذی می زدند . این شکنجه ها مدت ها ادامه یافت و بالاخره پلیس که هیچگونه دلیلی برای نگهداری این دهقانان نداشت و ضمناً عواقب احتمالی شورش بقیه دهقانان می هراسید ناچارا رفته رفته دهقانان را پس از گرفتن تعهد آزاد کرد . اثرات این شکنجه ها باعث شد که دوفتر از دهقانان بعد از آزادیشان قدرت کار کردن را از دست بدهند یکی از آنها ناقص المصو شده و با بدن معیوب هم اکنون در گوشه کلبه اش افتاده است ، و شکرگو قادر به کار کردن نیست و معلوم است که بر سر خانواده او چه خواهد آمد . در این عمل رژیم ماهیت واقعی خود یعنی

حمایت از سرمایه داران و مالکان را در مقابل کارگران و دهقانان و بطور کلی کلیه زحمتکشان نشان داد .

دهقانان که در نتیجه دیر رسیدن آب، محصولشان تپا سوخته بود و یا نرسیده آتسرا برداشت کرده بودند، پس از مدتی این در و آن در زن و شکایت بردن از وضع خراب محصولشان بالاخره دولت را مجبور کردند که بآنها وام بدهد . دولت بهر دهقانان که محصولش سوخته بود بین ۲ تا ۳ هزار تومان وام داد . یعنی قرض آنها و چندان شد . در این معامله دولت برد که بهر حال سود می برد . او امید داشت تا چند برابرش را بعد بگیرد و یا این عمل، سرو صدای دهقانان ناراضی را نیز قمعلا بخواباند . دولت بعد از فرماند ار رابه عمل دیگر رستا در او این کار قصد داشت موضوع اعتراض دهقانان را فیصله بخشد ، در الحاقیه دهقانان بنویسید . انند عوض کردن این فرماند ار با آن یکی تأثیری بوضع آنها ندارد ، چون عمل آن فرماند ار در دفاع از منافع " صوفی " مالک و سرمایه داران و بعلت منافی بود که او در این کار داشته ریشه شائی که " صوفی " بوی می داد ، قدرتی که " صوفی " در روستا و نواحی اطراف آن بهم زده بود و بالاخره وابستگی بین " شاه " و خاندان " صوفی " که عامل اصلی و مهمی در حمایت فرماند ار سابق از " صوفی " بوده است . و چون این عوامل با آمدن این فرماند ار با زهم بهمان قوت خود باقی است ، پس مسلماً فرماند ار جدید هم از همان روشی که فرماند ار قبلی استفاده میکرد ، پیروی می کند . اینان همگی سرو ته یک گریاس اند ، همگی بهم وابسته اند و منافعیشان با هم یکی است و نقطه مقابل منافع دهقانان و کل ملت قرار دارد . بهمین دلیل است که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران لبه تیز حمله خود را متوجه عاملان اصلی محرومیت و فقر شدید کارگران و دهقانان و کلیه زحمتکشان ایران که همانا طبقه حاکمه سرمایه دار و در رأسش شاه خائن و اربابان خارجیت می باشد قرار داده است .

ماهیت رژیم ایران را بیشتر بشناسیم

همینان مبارز!

سالهاست که در کشور ما خاندان پهلوی حکومت می کند، و در تمام این سالها وضع زندگی اکثریت زحمتکشان جامعه یعنی کارگران، دهقانان و توده های شهری همواره بدتر شده است. در حالیکه بدست همین کارگران و دهقانان، همه تولیدات جامعه از ابتدائی ترین وسیله گرفته تا ساختمانها و ماشین آلات و مواد غذایی، همه تهیه می شود. فقط نگاهی کوتاه به وضع زندگی سخت و پر مشقت آنها نشان می دهد که از آنهمه نعماتی که خود تولید می کنند کمترین بهره ای نمی برند.

فقر و فلاکت کارگران و دهقانان روز بروز بیشتر می شود و برعکس ثروت طبقه حاکمه ایران برهبری شاه و دربار نیز در مقابل بیشتر می گردد.

زندگی هر فرد از خانواده طبقه حاکمه از اولین روزهای بد دنیا آمدن تا آخرین لحظات بزرگ به بهترین و آسوده ترین شکلی فراهم است و همه نوع وسائل تفریحات مختلف را دارند. ولی در مقابل بچه یک کارگر یا دهقان در شرایطی که فاقد هرگونه وسائل بهداشت است بد دنیا می آید و از اولین روزهای زندگی مزه فقر و گرسنگی را می چشد و از آن هنگام که توانائی کار کردن را می یابد مثلا در سنین ۱۰ - ۸ سالگی مجبور است به کارهای سخت تن دهد و از این رو او از همین سنین تا آخر عمر با کار مشقت بار و سخت کاری در کارگاههای مختلف، یا در کارخانه ها و یا در پای دارهای قالی و یا در مزارع ناچار است زندگی خود و خانواده اش را در حد بخور و نمیزی فراهم کند و از شیر جانش هر روز ثروت سرمایه داران بیشتر می گردد. باین دلیل است که طبقه حاکمه ایران، شاه و درباریان، سرمایه داران و مالکان ارضی درست مقابل توده های کارگر و دهقانند. منافع آنها نقطه مقابل منافع اینان است. ثروت آنها در فقر اینها

و حاکمیت آنها در محکومیت اینان نهفته است.

ولی حقیقت این است که رژیم حاکم ایران با سرمایه داران خارجی و در رأسشان سرمایه داران آمریکائی وابسته اند. این سرمایه داران نیز در صنعت و کشاورزی ایران سرمایه گذاریهای فراوان کرده اند و در بهره کشی طبقه کارگر و دهقانان ما، با رژیم مستبد .

بمچنین دلیل بود که در سالهای ۱۳۴۱ - ۱۳۴۲ شاه طبق دستور و صلاحدید آمریکا دست به اصلاحات ارضی زد و آنرا "انقلاب سفید" خواند او می خواست سرمایه داری را در ایران برقرار کند تا بتواند به چپاول بیشتری از نیروی کار خلق به نفع سرمایه داران خارجی و داخلی بپردازد. اگر تا دیروز دهقانان ما در روستاها جان می گفتند، امروز دیگر باید در کارخانه ها عرق بریزند و اگر تا دیروز مزارع روستاها بشکل ابتدائی توسط دهقانان کشت و زرع می شد، امروز توسط سرمایه داران بزرگ، شرکت های کشت و صنعت و مزارع مکانیزه و شرکت های سهامی زرایی ایجاد شده اند تا با کمک کبی کارگر کشاورزی بتوانند مزارع زیادی را مورد استفاده قرار بدهند، و بقیه دهقانان مجبور شوند برای ادامه زندگی بشهرها بیایند تا به انبوه داوطلبان گسار بپیوندند و سپاه بیکاران پشت در کارخانه ها را افزونتر کنند تا سرمایه داران بتوانند با مزد کمتر کارگر استفاده کنند. هم اکنون میلیونها دهقان ما بصورت خوش نشین آواره شهرها هستند چرا که در جریان اصلاحات ارضی زمینهای خوب و مرغوب اصلاً تقسیم نشد.

زمینهای نامرغوب به بعضی از دهقانان فروخته و یا اجاره داده شد. بقیه دهقانان که از نصف جمعیت دهقانی ما بیشترند بی زمین باقی ماندند. اکثرشان بصورت کارگر یا در مزارع سرمایه دارها و یا در کارخانه های شهرها مشغول کار شدند.

و انبوه عظیمی از آنها آواره شهرها هستند . به آنهایی هم که زمین رسیده ، یا آنقدر کم است که کفاف مخارجشان را نمی دهد و یا دچار کم آبی بوده و وضعشان بهتر از دشمنان بی زمین نیست . (مثل دشمنان رود سرکه به علت همین مشکلات سر بسه شورش برداشتند) اینست نتیجه اصلاحات ارضی شاه ، و اینست واقعیت تبلیغات پر سرو صدای رژیم درباره آن .

در مقابل این رژیم ضد خلقی شاه و اربابان آمریکائیش چه باید کرد ؟

هموطنان شجاع !

شما بخوبی می دانید که اکنون پنج سال است که در ایران مبارزه مسلحانه توسط چریکهای فدایی خلق ایران و دیگر سازمانهای مسلح جریان دارد ، و حکومت شاه با منتهای سعی و کوشش خود نتوانسته این مبارزه را متوقف سازد و یا نابود نماید .
 حتما این سؤال برایتان پیش آمده که چریکها چه کسانی هستند ؟ و چه می خواهند ؟
 و شاه چه دشمنی با چریکها دارد که هر کدام از آنها را که بیابد اعدام می کند ؟
 شما حتما نسبت به چریکها احساس همدردی و نزدیکی می کنید ، زیرا می بینید که چریکها با دشمن شما یعنی حکومت شاه خائن می جنگند . می بینید که چریکها در این نبرد با آنکه تعدادشان نسبت به نیروهای دشمن خیلی کمتر است حکومت را عاجز و ناتوان ساخته اند . حکومت هرگونه دروغی را سر هم می کند ، تا ما چریکها را دشمن مردم نشان دهد . ولی نتایجی که بدست می آورد همه منفی است . او ما را به نیرنگ خرابکار و تروریست و خارجی معرفی می کند ، ولی باز هم مشتش بیشتر باز می شود و نزد خلق هر لحظه رسواتر می گردد . او سعی می کند هرگونه صدای حق طلبانه توده های زحمتکش را در گلو خفه کند و هرگونه حرکت و کوشش فرزندان آگاه و پیشرو خلق را در نهاده نابود سازد ، و هرگونه اعتراضی را که توسط اقشار مختلف خلق چه در روستا ها

وجه در کارخانه ها و یا دانشگاه ها و مدارس انجام می گیرد با شدت سرکوب نماید، و هر صدای مخالفی را با زندان، شکنجه و بالاخره اعدام پاسخ گوید. او قاتل صدها هزار نفر از مردم میهن ماست. او در دوران حکومت ۳۵ ساله ننگینش دستش بخون ۲۵۰۰۰ نفر از خلق آذربایجان، هزاران نفر در سالهای پس از ۳۲ و ۱۵۰۰۰ نفر در قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ آلوده است او علاوه بر اینها در کارخانه ها و مزارع ایران بکک و همدستی سرمایه داران داخلی و خارجی هزاران کارگر و دهقان را ذره ذره نابود می سازد و شیرۀ جانیشان را می گیرد. او همه روزه در زندانهایش عده ای از مبارزین را اعدام و یا در زیر شکنجه شهید می سازد.

در اینجا ما خاطره رفقای شهید گیلانی خود را که یا در زیر شکنجه های قرون وسطی شاه و یا در میدانهای اعدام بشهادت رسیدند گرامی می داریم، و راهی را که آنان آغاز نمودند، دنبال خواهیم نمود و این راه را در یک مبارزه طولانی و بسا شرکت تمامی مردم برای نابودی حکومت خاندان فاسد پهلوی تا پیروزی کامل ادامه خواهیم داد.

هممیهنسان!

ما چریکهای فدائی خلق ایران که اسلحه بدست گرفته ایم و با دشمن خلیفان می جنگیم، با این اعتقاد مبارزه مسلحانه را شروع کرده ایم که ایمان داریم، تنها راه درست مبارزه با رژیم ضد خلقی همانا پاسخ زور با زور، و اسلحه در مقابل اسلحه، و جنگ با جنگ است. ما از تجربیات مبارزات و نهضت های گذشته خلقمان باین نتیجه رسیدیم که نمی توان با دشمن خالی در مقابل گلوله جنگید. ما برای اینکه بتوانیم خلقمان را آگاه سازیم، و دوش بدوش هم حق خود را از دشمنان مشترک خویش بگیرییم، دست به مبارزه مسلحانه زده ایم.

سابقه اغلب مبارزات پیشروان خلق در رابطه با رژیم که با اسلحه بجنگ مردم بی اسلحه ما می رفت با وحشیگری تمام سرکوب می شد . اکنون ما این درس را از خود حکومت گرفته ایم که با زبان اسلحه با جواب دهیم . در این پنج سال ما و دیگر گروههای مسلح اقدامات زیادی برای آگاهی دادن بخلق ، برای امید دادن به آنها و سازماندهی نیروهای پیشرو انجام داده ایم . اکنون خلق ما می داند که جواب خشونت دشمن ما با خشونت داده می شود . و این است جواب پاره ای از زورگویی های طبقه حاکم که توسط سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پاسخگویی شده .

۱ - حمله به کلانتری " تبریز " و کلانتری " قلهک " بمنظور ضربه زدن به دستگاه شهرستانی و تصاحب مسلسل نگهبان .

۲ - اعدام انقلابی سرلشکر فرسیور رئیس دادرسی ارتش شاه که سالها بود انقلاب بیون ایران را بزدان و اعدام محکوم میکرد .

۳ - ایجاد یک رشته انفجارات پیاپی در پاسگاههای پلیس راهنمایی در تهران . این پاسگاهها بمرم ستم زیاد می کردند ، و پس از حملات طء دولت شاه مجبور شد تمام پاسگاههای راهنمایی را از سطح شهر جمع آوری کند .

۴ - ایجاد انفجارات پیاپی در مقر ستاد ژاندارمری کل کشور در تهران و انفجارات استانداری خراسان ، شهرستانی بابل ، مقر گروهان ژاندارمری لاهیجان و مرکز پاسگاه ژاندارمری سیاهکل که عامل زور و فشار دولت به مردم بودند و بنسب بزرگداشت ۱۹ بهمن سالروز رستاخیز سیاهکل و آناژنیش نوین در ایران .

۵ - اعدام انقلابی فاتح یزدی سرمایه دار زالوصفت و رئیس کارخانجات جهان که عامل قتل کارگران حق طلب اعتصابی کارخانجات جهان چیت بود .

۶ - اعدام انقلابی سروان علی نقی نیک طبع شکنجه گر معروف سازمان امنیت که

بسیاری از مبارزین راد رزیر شکنجه بشهادت رسانده بود .

۷ - اعدام انقلابی سروان نوروزی رئیس گارد دانشگاه صنعتی که به دانشجویان مبارز

دانشگاه صنعتی بی حرمی وتوعین میکرد ، وآنها را مذبذب و مجروح می ساخت .

۸ - اعدام انقلابی عباسعلی شهریار یی اسلامی (مرد هزارچهره) از بزرگترین جاسوسان

سازمان امنیت .

۹ - اعدام انقلابی مهندس نوشیروان پور خائن که مدتی خود را در صف مبارزین جدا

زده بود ، ولی بعد به رفقای خود خیانت کرده و به راهش پشت کرد .

مبارزین راستینی در گروههای دیگری نیز در این مدت ضربات جاتانهای پروریم وارد کردند .

آنتون ماچریکهای فدائی خلق ایران وسازمانها و گروههایی که مبارزه مسلحانه روی آورد هاند

در این راه گام برمیداریم که خلق را به مبارزه تشویق کنیم . به آنها امید پیروزی دیم هر راه را -

نشانشان دیم . ما امید داریم که قهلا قهلا همه مردم ما می توانند اسلحه دست بگیرند و یاد شمس

بجنگند . این کار وقت لازم دارد و آیند ما انجام خواهد یافت . ولی می دانیم که خلق ما در شرا

فتلی می تواند دست به اعتراضات وسیع بزند ، می تواند اعتصاب کند و از حقوق خویش دفاع

نماید . میتواند مثل دهقانان مبارز رود سر بایک حرکت دست جمعی حق طبیعی و مسلم خود را

از امثال "صوفی" سرمایه دار و مالک و محمد ست فرمانداری بگیرد . خلق ما میتواند در سطح کارخانهها ،

روستاها ، در سطح دانشگاهها و مدارس ، در سطح بازارها ، دست به اعتراض ببرد و وضع موجود

بزند و برای گرفتن حقوق خویش از کوچک تا بزرگ ، رفته رفته اقدام کند . مبارزه از همین جاهاست

که شروع میشود و به سطح بالاتر وسیعتر میرسد . ما ایمان داریم که خلق ما به صدای ما در مبارزه با

دشمن جواب خواهد داد و رهنمود ما را بکار خواهد بست . در این راه ما دشمنان و شرمنده خلق مبارزه

خواهیم کرد و این راه را تا پیروزی نهایی ادامه خواهیم داد .

" خلق زحمتکش ایران بزور حق خود را از این حکومت آبد مکش شاه میگیرد "

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

اخبار

www.iran-archive.com

*** خبرهای کارگرن ***

تهران

۱ - کارگران چاپخانه ۲۵ شهریور در آذرماه دست به اعتصاب زدند. انگیزه اعتصاب خواسته‌های صنفی بود.

* * *

شهرستانها

تبریز

۱ - در آذرماه در کارخانه تراکتور سازی تبریز کارگران بمدت ۳ روز دست از کار کشیدند. علت این امر اعتراض به کیفیت آب آشامیدنی کارخانه بود. لوله های آب آشامیدنی کارخانه با مجرای "فاضل آب" خانه های مسکونی کارخانه تلاقی کرده و آب آشامیدنی آلوده به مدفوع شده بود. کارگران که پس از یکماه از این جریان مطلع شده بودند به عنوان اعتراض دست از کار کشیدند.

بهانه کارگران در رابطه با نرفتن سر کار بیماری ناشی از مصرف "آب آلوده" بود. بسیاری از کارگران تا چندین روز بیمار و

بستری بودند. مصرف اوره علت بیماری تشخیص داده شده بود.

* * *

۲ - در آذر ماه یکی از مهندسين صفور که از روسای ساواکی کارخانه "بنسز سازی" تبریز بود به بدست يك کارگر جوان بلب رسیده در صحن کارخانه بضرر چاقو کشته شد. کارگر فوق چندین بار به رئیس بخش تولید کارخانه که همان مهندس ساواکی باشد مراجعه کرده و از کمی دستمزدهایش اظهار ناراحتی می کند ولی مهندس هر بار با بی اعتنائی کارگر را از سر خود باز میگرداند تا یکروز که همین مورد تکرار می شود کارگر جوان که از شرایط سخت زندگی جانسختی به لب رسیده بود، قید هرگونه مجازاتسی را زده و چاقویی را که قبلا تهیه کرده بود تا دسته در شکم مهندس فرو می کند.

* * *

هفت تپه (خوزستان)

کارگران کفشد پارس هفت تپه بعلت کار طاقت فرسا و استثمار شدید و کمی دستمزده روزی

نضادشان یا صاحبان کارخانه شدید تر می شود . آنها خواستار اضافه حقوق سالیانه و استحقاقی خود هستند . ولی به آنها فقط وعده اضافه حقوق را می دهند . از اینرو کارگران راه نجات خود را تزییسر شغل و دادن استعفا میدانند . روز چهارشنبه ۷ آبانماه ۲ نفر از این کارگران با هم استعفا داده و از هفت تپه خارج میشوند . استعفای این ۲ نفر باعث می شود که قسمتی از کارخانه بخواهد . رئیس کارخانه ملجرا را با به ساواک د زفول و ژاندارمری ششون اطلاع می دهد . ژاندارمها همان شب به تعقیب استعفا دهندگان می پردازند . خانواده يك کارگر را که در خانه سازمانی زندگی می کردند مجبور می کنند که منزل را تخلیه کنند و اثاثیه آنها را به بیرون می ریزند . ژاندارمها پس از مدتی کارگران را یافته و رئیس پاسگاه آنها را تهدید می کند که باید به سرکار بروید . کارگران با این امر مخالفت می کنند . رئیس پاسگاه ضمن تهدید مجدد می گوید شما بلاغت

شدید که شرکت يك میلیون تومان ضرر کند اگر می خواهید به سرکار نروید باید این مبلغ را بپردازید . کارگران سعی می کنند با خواهش و تحا نگذارند آنها را بسرکار بازگردانند . کارگران را سپس به ساواک د زفول برده ، پس از اینکه از آنها می خواهند سبب و مهرك استعفایشان را معرفی کنند به تهدید شدید می پردازند و کارگران را با گرفتن تعهد وادار به رفتن به سرکارشان می کنند . در همین موقع در قسمتی از کارخانه خرابکاری می شود و سیمهای قسمتی از کارخانه را با دست قطع می کنند و باز قسمتی از کارخانه از کار می افتد . در محل خرابکاری ، چند قطره خون پیدا میشود که گویا از دست کارگران که سیمها را قطع کرده به زمین چکیده . در آنروز دستهای تمام کارگران و کارمندان را با زرسی کردند . از آنروز به بعد عده ای ساواکی به محوطه کارخانه می آیند و تعدادی از کارگران را به ساواک برده و بازجویی می کنند و خون آنها را آزمایش می کنند و از آنها انگشت

نگاری می نمایند تا بلکه به کسی برسند .
ولی موفق نمی شوند .

* * *

آبادان

روز سه شنبه ۲۳ دیماه ۵۵ ه . ۳۰۰ نفر
از کارگران تعمیرگاه و قسمت آبر هسول
پالایشگاه آبادان اعتصاب می کنند .
خواستهای کارگران عبارت بود از :
۱ - درخواست حق فنی : آنها
معتقدند با وجودی که ما زحمت رامیکشیم
ولی در عوض به کارمندان حق فنی میدهند
۲ - درخواست ۷ ساعت کار در روز :
آنها می گویند طبق قوانین بین المللی کار
که دولت ایران نیز آنها امضاء کرده ۷ ساعت
کار در روز تعیین شده است . ما خواستار
اجرای این قانون هستیم .

ما خواستار تأسیس زایشگاه زنان هستیم
و می خواهیم بجای دکترهای مرد هفند
ما ماهای زن ، زنانمان را زایمان کنند .
۴ - دادن کامل حق گرید ها

(درجه) : طبق قانون حق گرید ۷۰
تومان است ، چرا بما ۶۲ تومان می دهند .
۵ - با وجود اینکه شاه اعزام کرده
که کارگران در سود کارخانجات سهیمند
چرا از این بابت چیزی بما نمی دهند .
اعتصاب ه روز طول می کشد . در اینصورت
رئیس اداره کاره رئیس شهرداری و رئیس
ساواک تیمسار شاهین به محوطه کسار
می آیند و بانواع حیل و تهدید کارگران
را وادار بکار می کنند . ۱۰ نفر از
کارگران از جمله آخوندی نمایندگی کارگران
را به مشهد و گرگان تبعید می کنند و
۲۸ نفر دیگر را تهدید به تبعید می کنند .
قرار می شود بعضی از خواستهای کارگران
از جمله حق گرید و تأسیس زایشگاه را در
آبادان حل کنند و برای بقیه با تهران
تماس بگیرند .

۳ - بهبود وضعیت درمان و زایمان :
با وجود اینکه حق بیمه زیادی از ما کسر
می کنند ولی شرکت نفت از خود زایشگاهی
ندارد . و زنان ما را در بیمارستان
۲۵ شهریور که دولتی است بستری می کنند .

و بهمین خاطر بعد از ۲ روز اعتصاب میکنند .
 بدنبال اعتصاب ، رعنائی مسئول طرح
 نیشکر هفت تپه با کارگران اعتصابی صحبت
 کرد و قول می داد که وضعیت سرویس را
 مرتب کند ، منازل کارگری را که نزدیک
 شون در حال ساختن است زود تر پایان
 برساند و در اختیار کارگران قرار بدهد .

* * *

بعد از این جریان کارگران خواستار
 بازگشت همکاران تبعیدی خود می شوند
 و بهمین منظور با تهران مکاتبه می کنند .
 آنها معتقدند که تبعید کارگران ، نقطه
 آندرسن ، رئیس پالایشگاه بوده است .

* * *

هفت تپه

در روز ۱۱ بهمن عدّه از کارگران طرح
 نیشکر هفت تپه موقعی که از اندیشک
 و روستاهای اطراف با مینی بوس سرکار
 می آمدند در بین راه با تریلی تصاد میکنند
 در این تصاد ۱۲ نفر از کارگران کشته
 و ۷ نفر زخمی می شوند . در سال ۴۷ هم
 در همین جاده ۱۴ نفر از کارگران در جریان
 تصاد فی کشته شده بودند .

کارگران طرح پس از باخبر شدن از
 جریان ، عزاداری مفصلی در اندیشک برپا
 می کنند ، تمام کارگران در مجلس عزاداری
 شرکت می کنند پس از ختم عزاداری کارگران
 علت تصاد فراموشند استن سرویس مستحب
 و نداشتن منازل کارگری در محل دانسته

« اخبار دانشجویی » *

می کنند .

تهران

در شب سه شنبه ۴ / ۹ / ۵۴ ساعت حدود ۸ یکمفر صلح که صورتش را پوشانده بود وارد سالن دانشکده علم و صنعت می شود و دو نفر دانشجوی ساواکی بنام شواکشیان و زرافشانیان به ضرب گلوله او از پای در می آیند که گویا یکی از آنها کشته و دیگری زخمی می شود . در این شب تا ساعت ۱۲ همه دانشجویان را در دانشکده نگهبانان و یازوسی بدنی می کنند و ولسی موفق به پیدا کردن فرد مسلح نمی شوند .

* * *

روز سه شنبه ۲۵ / ۹ / ۵۴ در طبقه سوم مدرسه عالی بازرگانی تهران جلسوی لایبراتور سمعی و بصری زبان که توسط مسئولین آمریکائی اداره می گردد ، بمبسی منفجر می شود که سبب شکستن مقادیری از شیشه های ساختمان مدرسه می گردد پس از انفجار مؤدوران ساواک به آنجا می ریزند و عده ای از دانشجویان را بازداشت

در اعلامیه ای که بعداً منتشر می شود يك گروه مذهبی بنام "عمار یاسر" مسئولیت این انفجار را بعهده می گیرد .

« * * »

شهرستانها

شهد

شب پنجشنبه ۲۹ / ۱۱ / ۵۴ دو کارگر در انشگاه شهد در اثر گاز گرفتگی (بعلت سرمای شدید در سلف سرویس نغال روشن کرده بودند) خفه شدند . روز پنجشنبه علیرغم اینکه گارد انشگاه تلاش نمود که دانشجویان به موضوع می نیرند ، دانشجویان از جریان مطلع شده و تصمیم به اعتراض می گیرند . بدنبال این امر در رأس ساعت دوازده دانشجویان در سلف سرویس شماره ۱ جمع شدند . پس از اینکه سلف سرویس را بهم ریختند به خیابان جنت رفته و به دادن شعارهایی از قبیل "روز پسر کارگران" ، "مرگ پسر شاه خائن" ، "مبارت ورزیدند" ، ولی چون روز پنجشنبه انشگاه

تعطیل است دانشجویان زیادی در تظاهرات^ت
شرکت نداشتند (حدود ۵۰ نفر) و از اینرو
زود پراکنده شدند.

روز شنبه (۲ اسفند) بعد از ظهر
اعلامیه های دستی جهت توضیح راجع به
احمال اعتراضی روز پنجشنبه تحت عنوان
"پیام به دانشجویان معهد و مسئول"
پخش شد. در اعلامیه ضمن اعتراض به رژیم
در مورد مرگ دو کارگر سه روز اعتصاب غذا
را از آن تاریخ اعلام کردند.

* * *

"خبرهای دیگر"

در شب سه شنبه ۲ آبان ۵۰ در منطقه
شمیران نو (بالای سیتری نارمک)
زد و خورده می مابین ساکنین منطقه و مأمورین
شهرداری که در صد خراب کردن خانه های
مردم بودند درمی گیرد که منجر به دخالت
مزدوران شهرداری و تیراندازی آنها بسوی
مردم حق طلب می شود. در اثر تیراندازی
دو تن از ساکنین منطقه کشته و دهها نفر

زخمی می شوند.
ساکنین شمیران نو که از کارگران
و کارمندان دین پایه و پیشه هوان جبر
تشکیل شده اند، از سالها پیش با خرید
بیابانهای شمیران نو توانستند برای خود
مسکنی بسازند و در آنجا سکنا گزینند.
در سال گذشته دولت به بهانه اینکه
عمل آنها غیر قانونی و در خارج از حدود
شهر است تصمیم به خراب کردن خانه های
این مردم زحمتکش و اخراج آنها از این
منطقه می گیرد.

اهالی شمیران نو که بیش از ده هزار
خانوار می شوند یکپارچه در مقابل قسوی
دولتی مقاومت کرده و با دادن کشته و زخمی
از خانه هایشان که با هزار زحمت و رمج
ساخته اند دفاع می کنند. یکی از ساکنین
شمیران نو می گفت ما حاضریم حتی دو تا
از بچه هایمان را بدیم ولی نگذاریم
دولت خانه هایمان را از ما بگیرد. پس از
واقعه مذکور یکی دیگر از اهالی این منطقه
وقتی به او گفته شد که شنیدیم میخوان اینجا

رو خراب کنن با خشم جواب داد: "یسه دفعه اومدن واسه هفت پشتشون بسه. اینجا چین کمونیسته. این خونه ها مرز چین کمونیستن. توپ و تانک هم بیان حریف مانیشن. اینجا جز قانون ایران نیست مانابع قانون چین کمونیستیم. اگرم جسرات کنن ایندفعه بیان یه پذیرائی حسابی ازتون می کنیم." دولت ضد خلقی که در مناطق دیگر توانسته بود مقابله خود را به پیشبرد وقتی با مقاومت یکپارچه اساسی شمیران نو مواجه گردید مجبور به عقب نشینی شد.

بدنبال این واقعه وحدت و جسارتی که مردم شمیران نو از خود در مقابل قسوی دولتی نشان دادند زانزد ساکنین مناطق اطراف می شود. بیشک روحیه حقوق طلبانه و مقاومت جویانه مردم شمیران نوی توانست درسی برای دیگر مردم زحمتکش میهن ما در مقابل استعمار بیبای دستگاه دولتی باشد.

۲ - سازمان مادر آرمه گذ شته نشریه ای خطاب به دانش آموزان سراسر

کشور تحت "پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به دانش آموزان میهن پرست ایران" منتشر نمود. در این نشریه پس از تاریخچه مبارزات دانش آموزی در ایران ماهیت رژیم و برنامه های آموزشی اش افشا می گردد. سپس در قسمت آخر نشریه رهنمود هایی به دانش آموزان میهن ما برای مبارزات صنفی و سیاسی - انقلابی داده می شود.

۳ - در آرمه نشریه دیگری از طرف سازمان ما بر اساس همبستگی با مبارزات آزاد بیختر، خلقهای ظفار و عمان انتشار یافت. این نشریه که حاوی تصاویری از سرزمینهای آزاد شده و مبارزان انقلابی ظفار بود برای آگاه کردن خلق ایران از ماهیت تجاوز نظامی رژیم مزدور شاه برای سرکوب مبارزه عادلانه خلقهای عمان و ظفار منتشر گردید.

۴ - در دیماه یک گروه ۷ نفری دانش آموزی که در دبیرستان محمد علی فروغی به چاپ و پخش اعلامیه می پرداختند دستگیر شدند. چند تا از اعلامیه ها را

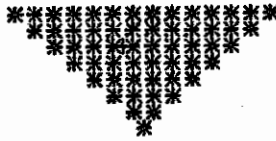
آبادان :

پس از شهادت رفیق شهید پیرزاده، بررسی
در تبریز را وایل بهمن ۴۰ هـ اعلامیه‌ای پدید
شد در سطح دانش‌آموزان دبیرستان رازی
آبادان پخش گردید. مضمون اعلامیه پیرامون
سوابق تحصیلی و مبارزاتی و شخصیت انقلابی
رفیق پیرزاده بود.

رفیق شهید پیرزاده، بررسی
در آبادان متولد شده و در زمین
دبیرستان دوره متوسطه را گذرانده بود.

دانشجویان دانشگاه صنعتی به‌منوان
شهبستگ دانش‌آموزی و دانشجویی
به دانشگاه آورده و در جاهای
مخصوصی نصب می‌کنند.

هـ - مزدوران ساواک در دیماه
در منطقه قلعه مرغی به خانه گردی
شبانه دست می‌زنند. وقتی یک
گاوگر جوان علت این امر را می‌پرسد
می‌گویند که یک نفر، شخصی را کشته
و ما دنبال قاتل می‌گردیم.



* گزارشی از اعتصاب *

"گزارشی از اعتصاب خونین کارگران"

نساجی مازندران"

کارخانه نساجی مازندران (که بکارخانه شماره ۲ شادی نیز معروف است) حدود ۲۰۰۰ نفر کارگر دارد و کارگران این کارخانه مثل دیگر کارگران میهن ما بخصوص کارگران صنایع نساجی در شرایطی سخت و طاقت فرسا بکار اشتغال داشته و بیسهم و حسیانه ترین و شدیدترین شکلی استثمار می شوند. یکی از کارگران کارخانه بسرای اینده فشار و بیزاری کارگران را از شرایط کارشان داد می گفت: "وقتی کارگران به سر کار می روند و رویوزر بتن می کنند فکر می کنند که کفن پوشیده اند." کارگران رنجبر نساجی مازندران یکبار در اواخر خرداد ۵۴ بخاطر اینکه کارفرما تا آن زمان از پرداخت سود ویژه خودداری کرده بود دست به اعتصاب دو روزه ای زد و کارفرما را مجبور به پرداخت سود ویژه می کنند.

کارگران که انتظار داشتند با توجه به

سودی که کارخانه در سال ۵۳ برده (که حدود ۴۱ میلیون (۱) تومان بود) باید به اندازه حقوق سه ماه به آنها سود ویژه پرداخت نمایند و عملاً می بینند که بجای سود سه ماه به اندازه یکماه تا یکماه و نیم حقوقشان سود به آنها داده اند. این امر سبب اعتراض و باره کارگران شده و حتی قانونی خود را طلب می کنند ولی با مخالفت کارفرما روبرو می شوند. کارفرما ادعای کند که سود کارخانه ۱ میلیون تومان است و به شما چیزی بیشتر از این نمی رسد و ولی کارگران که توانسته بودند به بعضی از مدارک و اسناد کارخانه از طریق (۲) دسترسی یابند ادعای کارفرما را رد کرده و اظهار می کنند: "سود واقعی کارخانه ۴۱ میلیون تومان است و بایستی به اندازه سه ماه حقوق بما سود ویژه (۱) کارخانه سود خود را برای سال ۵۳ ۱۹۰۵۳ میلیون تومان اعلام کرده بود. (۲) - شایع بود که کارگران توسط عده ای از دانشجویان دانشگاه تبریز که

پس از اتمام کار شیفت ۱ و شروع کار شیفت ۲ کارگران مبارز اعتصاب دوم را آغازی کنند و بطرف دفتر رئیس کارخانه که مهندس س عالم زاد نام دارد و کارگران او را بعنوان دشمن اصلی خود می دانند هجوم می برند رئیس که وضعیت را خطرناک می بیند خود را مخفی می کند ولی کارگران با شکستن در به داخل دفتر او رفته و پیدایش می کنند در این موقع که کارگران خشمگین آمده بودند با کوچکترین مخالفت عالمزاد حتی او را از بین ببرند، با حیلۀ ای از طرف رئیس مواجه می شوند، عالمزاد که حاضر بداند حق کارگران نبود و جان خرید را در خطر می دید بکارگران می گوید قبل از اینکه مرا بکشید بگذارید من نماز را بخوانم، ایمن حرف او در کارگران تأثیر گذاشته و آنها نیز قبول می کنند و به عالمزاد اجازه می دهند که نماز را بخواند و عالمزاد از این فرصت استفاده کرده به شهروانی شاهی تلفن می کند و جریان اعتصاب را اطلاع داده و می گوید که کارگران قصد کشتن او دارند از این

پروا نداشتند. کارگران از اسناد و مدارک فتوکپی تهیه کرده و آنها بعنوان دلیل اقامه می کنند. پس از اینکه کارفرما به خواست حقوق طلبانه کارگران توجهی نکرد، کارگران به اداره کار و اسناد اری مازندران شکایت کرده و دلایل خود را برای گرفتن حق خود عرضه می کنند که باز مورد توجه جدی قرار نمی گیرد. در این زمان بود که کارگران پس از اینکه از همه جا مأیوس می شوند راه چاره را در اعتصاب مجدد می بینند.

بعد از ظهر روز یکشنبه ۸ / ۴ / ۵۴

(حدود دو هفته بعد از اعتصاب نخست)

پاروق از صفحه قبل —

در این زمان در کارخانه (در رابطه با اردوی عمران ملی) کار می کردند نتوانسته بودند به پاره های اسناد کارخانه دسترسی یابند و سه مقداره حقیقی سود کارخانه می ببرند و بدنبال اعتصاب خونین تیرماه عدای از این دانستند جوین بعنوان عامل تحریک کارگران بازداشت می شوند.

ولی کارگران ماشین او را غرق کرده و به
پاسبانان نیز کتک مفصلی می زنند بطوریکه
اکثرا راهی بیمارستان می شوند .

بدنبال این واقعه شهرداری شاهی از
شهرداری های ساری و بابل ، آمل تقاضای
کمک می کند و همچنین از پادگان شیرکاه
سرباز برای سرکوب کارگران به شاهی فرستاد
می شود .

پس از خروج و فرار مأموران و کارگران
بخیابان آمده و راه شاهی به ساری (کسبه
سیرجان) تهران - مشهد نیز (سسته)
بسته می شود . در این زمان یک ماشین
آتش نشانی برای متفرق کردن کارگر سران
شروع به پاشیدن آب به طرف آنها می کند
که کارگران به ماشین حمله کرده و شیشه های
آنها شکسته و لاستیکهای ماشین را بسکه
آتش کشیده و آنها را زنگون می سازند ، سپس
به شکستن شیشه های کارخانه مشغول
می شوند .

حدود ساعت ۸ شب با رسیدن قوای
کمکی از کارگران می خواهند که بداخل

زمان به بعد شهرداری نیز وارد میدان
می شود .

سرهنگ دیوسالار رئیس مزدور شهرداری
شاهی با عده ای از مأموران به کارخانه می رود
و با تهدید کارگران می خواهد آنها را به
سرکار بازگرداند . ولی کارگران متقاعد
نکردند و ادعا می کنند که کار آنها به شهرداری
مربوط نمی شود و مطرح می کنند که باید وزیر
کار بندرخواستشان رسد گی کند . کارگران
غریب می زنند که "پایه" وزیر کار بنا جواب
بداد چرا سرور درست تقسیم نشده ؟
می خوراییم بد انیم حورتهای شاه درست است
که مزد کارخانه باید تقسیم شود و یانه . . ؟
در اینصورت مزد دو سالار مزدور برای
موقوف کردن کارگران ، کارگر را که نزدیک
او ایستاده بزد به زیر مشت و لگد می گیرند
این عمل او کارگران را بشدت خشمگین کرده
و سنگ و چوب شروع به حمله به دیوسالار
و نیروهای شهرداری می کنند . در لحظات
اول رئیس شهرداری با اصابت سنگ مجروح
شده و به این ترتیب از مهلاکه خارج میشود .

و این امر غرور به زد و خورد ما بیست
 محصلین و سایر مردم با تراز دشمن میگردد
 آنها با پرتاب سنگ بطرف سربازان و ماشین
 های ارتشی و نظامی پاسخ تیراندازی هوایی
 را می دهند . کارگری با بیجان و خوشحالی
 فراران می گفت : " نمی دانی ، نمی دانی
 از همه جالبتر وقتش بود که محصلین یک
 تیر آهن را وسط خیابان قرار دادند و وقتی
 که ماشین ژاند ارموی رسید ر شوت شد تا
 تیر را از وسط خیابان بردارد ، محصلین
 از اطراف بیرون ریختند و با سنگ به ماشین
 و سربازان حمله کردند " .

در طول شب هر کجا پاسبانی دیده
 میشد ، کتک ، فصلی میخورد . وقتی کسی
 کارگران بر اثر تیراندازی مأمران از کارخانه
 بیرون آمده بودند و در خیابان شعاع
 می دادند و قطار سریع السیر گرگان-
 تهران ، از شاهی می گذشت که شیشه های
 آنها نیز با سنگ خورد می گفتند .

در این مدت مأمران ساراک و آگاهی
 و پاسبانها بهر کارگر مغزوری که بر میخوردند

کارخانه بروند تا به خواستشان رسیدگی
 شود . کارگران این بار نیز فریب دشمن
 را نخوردند و شروع برفتن بداخل محوطه
 کارخانه می کنند . دشمن که قصدش از اینکار
 محصور کردن کارگران بود در مقابل شروع
 به محاصره کارخانه می کند . در حین رفتن
 کارگران بداخل کارخانه مابین یکی از آنها
 و مأمرین برخوردی پیش می آید که سبب
 این گیری دوباره اعتصاب می شود . در این
 موقع قوای دشمن دست به تیراندازی هوایی
 زدند و با این عمل خود می خواهند کارگران
 را با صدای گلوله ترسانند و متفرقشان نمایند
 ولی کارگران با فریاد " گلوله ها قلبی است !"
 بمقابله با دشمن می شتابند .

در این موقع عده زیادی از دانشآموزان
 که عموماً فرزندان کارگران اعتصابی بودند
 همراه با کارگران شیفت شب وعده ای دیگر
 از مردم شهر در جلو در کارخانه جمع
 می شوند و دشمن از آنها می خواهد که
 از جلوی کارخانه متفرق شوند ولی مردم
 مقاومت کرده و حاضر به ترك محل نمی شوند

دستگیر می گردند . تیراندازی تا ساعت ۳/۵ الی ۴ صبح دوشنبه ادامه پیدا می کند و در شهر حکمت نظامی آشکار برقرار می شود ، که تا چند شب ادامه میابد . در این مدت ورود و خروج ماشین بد داخل شهر را ممنوع می کنند و در داخل شهر جلوی اجتماع بین از سه نفر را می گیرند و همه ای نیز به این خاطر که گرد هم جمع شده اند بازداشت می شوند . هر کارگسری نیز که در این مدت دیده می شد دستگیر می کردند .

در جریان این واقعه بطوریکه میگویند حدود ۴۵۰ نفر بازداشت می شوند که از این عدد ۶۰ - ۷۰ نفر محصلین بودند . تلفات ناروان نیز صدگشته و حدود ۸۰ - ۱۰۰ نفر مجروح ذکر شده است . عده زیادی از نیروهای دشمن نیز در این جریان مجروح می شوند .

پس از سرکوب اعتصاب و کارگران تصمیم می گیرند ، دسته جمعی به تهران رفته و وزارت کار شکایت نمایند ، که جلو ایمن

حکرتشان نیز گرفته می شود . بدنبال اعتصاب نارخانه حدود بیستانه تعطیل می شود . سپس دست به استخدام مجدد کارگران می زنند و از آنها تعهد می گیرند که باید از شرکت در هرگونه حرکت جمعی خودداری کنند . و نیز بر آن دسته بندگان آزادی میگذارند تا اگر در این دوره رفتارشان مورد تأیید کارفرما نبود از کارخانه اخراجشان نمایند .

بخاطر بازداشت عده زیادی کارگران و اخراج پاره ای دیگر کارخانه دست به استخدام تعداد زیادی کارگر موقت می زند . در ارتباط کار در کارخانه بیش از پیش پلیسی می شود و اجازه وجود به هیچگونه اعتراضی را به کارگران نمی دهد . و کارگران نیز از ترس اخراج و بردن به ساواک اجبارا به ایمن شرایط تن در می دهند . بخاطر چنیسین شرایطی پاره ای از کارگران پس از یک هفته کار شروع به استحقاق می کنند و استحقاق کارگران بالاخص آنهایی که زمانی را نیز در ساواک ساری بسر بردند . تا مدت ها

بعد از اعتصاب ادامه می یابد .
صلحش قدم در راه مبارزه مسلحانه خوانند

گذشت .

ساواک کارگران بازداشتی را بتدریج
آزاد می کند . ولی چند تن از کارگران تا
۶ ماه بعد از اعتصاب هنوز در ساواک
ساری بسر می برند .

اعتصاب کارگران نساجی بطور وسیع در
منطقه انستکاس می یابد و خبر آن به مناطق
دیگر نیز می رسد و همه جا با همطردی مردم
زده متکثر مواجه می شود .

رژیم ضد کارگری شاه با این عمل ماهیت
خرد را به پیش از پیر . برای کارگران
آشکار کرده و بدین ترتیب تجربه نوینی به
تجارب تاریخی طبقه کارگر ایران اغسزده
می شود . در چنین جریان نیست که طبقه کارگر
بتدریج به کمبود های مبارزاتی خود پیسی
می برد و در می یابد که گلوله را باید با گلوله
پاسخ گوید . در واقع رژیم مزدور شاه بسا
اعمال خشونت هر چه بیشتر طبقه کارگر را به
نهایت ترین و اساسی ترین راه مبارزه دعوت
می کند . و دیری نخواهد گذشت که
پرولتاریای ایران با رهبری پیشاهنگسان

* اعدام يك خائن *

گذشته احتیاج داشت و کسانی که به گروه می پیوستند بخودی خود بیجان مبارزه تا آخرین لحظه را امضاء کرده بودند و متعهد بودند که تا پای جان در راه آرمان خلق مبارزه کنند و تمامی منافع و مصالح خصوصاً را فدای راه مقدس پیروزی نوده ها نمایند نوشیروان پور خائن نیز با ادعای چنینی در یکی از مبارزه بگروه پیوسته بود ولی از همان آغاز نارسائی های در حرکاتش و افکارش دیده میشد او در کار تدارک مبارزه سخت بی حوصله و شتابزده بود و طرحهای چپ روانه عرضه میداشت و در عمل چیزی او از راست سر بدر آورد و منجر به خیانت او به خلق شد او در سال ۴۸ بسر خلافت برنامه های گروه تصمیم به ازدواج گرفت و طبرغم توصیه های گروه با يك دختر معمولی ازدواج کرد. این امر نشان میداد که او خود را برای يك مبارزه سخت کسه

در تاریخ سی و یکم اردیبهشت ماه ۴۵ مهندس ابراهیم نوشیروان پور از اعضای سابق گروه جنگل که تن به خیانت داده و در خدمت دشمن قرار گرفته بود اعدام شد. این عملیات بیاد بود خاطره رفیق شهید نفوس حسن پور عملیات رفیق حسن پور نامگذاری شده بود.

ابراهیم نوشیروان پور در سال ۴۶ یکی از دانشجویان پلی تکنیک تهران بود در همان سال این فرد در رابطه با رفیق شهید نفوس حسن پور با یکی از گروههای اولیه تشکیل دهنده سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (گروه رفیق بیژن جزینی) ارتباط گرفت و پس از پذیرش کامل برنامه و خط مشی گروه به عضویت آن درآمد.

خط مشی گروه آغاز عملیات تبلیغ مسلحانه در ایوان و شکست بن بست مبارزاتی خلق بود و طیها به افرادی فدائی و ازجان

در پیش پای گروه داشت آماده نمی کرد بلکه بفرغم چپ رویهایش در پی یک زندگی معمولی خود به روزواری بود. با اینهمه او این عمل خود را توجیه میکرد و ازدواج خود را مانعی در راه پیگیری اهداف مبارزتعلقی نمی کرد و علیرغم تمایلات ارتجاعی درونیش در ظاهر اظهار میداشت که: "راه خلقی توك ناشد نیست". گروه که در آنموقع هنوز خیانت از درون را تجربه نکرده بود و صدای انقلابی تمامی رفقا تنها ضامن اجبرای اهدافش بود این تك عنصر ضعیف را نتوانست بخوبی درك کند چرا که یك خار در میان صد گل بچشم نمی آید بویژه آنکه این خار هنوز ضعیف و ناچیز بود و خصلت زهرآکین خود را کاملاً آشکار نساخته بود. در گروه رفقای بودند که از مدتها پیش از پیوستن بگروه صاحب زن و فرزند بودند و این امر بهیچ وجه مانعی در کارشان^{ان} بحساب نمی آورد. گروه در کنار خود رفیق صادقی نژاد، این کارگر پیشرو و قهرمان را داشت که بصراحت همیشه می گفت:

در راه آرمان مبارزه حتی حاضریم زن و فرزندم را قربانی کنیم. گروه در کنار خود رفیق شماع الله شیدی روشنفکر انقلابی و پاك باخته پرولتوری را داشت که علیرغم عشق شدیدی که بزن و فرزند خود داشت آنها را مانعی در راه مبارزه بزرگی که در پیش داشت نمی دانست و هر لحظه آماده بود همه چیز خود را فدا کند چرا که او مبارزه مقدس خود را گامی در جهت رهائی خلق و بهروزی میلیونها زن و کودک و حتکشان ایران می دانست و چرا که او ضافع توده ها را بر ضافع شخصی و خانوادگی خود برتر می شمرد. براین اساس بود که گروه جنگل علیرغم انتقادی که بر این حرکت نوشیروانیها^{ان} خائن داشت این حرکت او را يك عقب گرد از راه بحساب نمی آورد در حالیکه او از همان هنگام در فکر ضافع خصوصی خود بود. بهر حال گروه جنگل که ادامه دهنده راه گروه جزنی بود در تابستان ۱۳۴۹ با شروع برنامه شناسائی بزرگ ماهسه در جنگلهای شمال حرکت تاریخی خود را

برای برپا داشتن رستاخیز سیاهگل آغاز نمود
 همزمان با این حرکت مرکزیت گروه به
 افراد خود که در نقاط مختلف کشور بطور
 علنی بکار اشتغال داشتند فرمان آمده
 باش داد. نوشیروان پور و چند رفیق
 دیگر که قبل در رابطه با فعالیتها
 دانشجویی در اداره پلیس سیاسی پرونده
 مشترکی داشتند و بدین لحاظ مشترکاً
 کاریک مقوله امنیتی را تشکیل می دادند
 مشمول این فرمان بودند چرا که پس از آغاز
 حرکت مرحله حساسی از پروسه مبارزه گروه
 در حال طی شدن بود و کوچکترین حادثه‌ای
 می توانست برنامه های آنرا زهم بریزد. در
 چنین لحظات حساسی نوشیروانپور خائن
 از فرمان سرپیچی کرد و اعلام داشت که
 حاضر به حرکت نیست و باین ترتیب اولین
 ضربه خود را به گروه زد.

با این پیمان شکنی حرکات سایبرین
 نیز دچار وقفه شد چرا که در صورتیکه آنها
 به مبارزه زیرزمینی می پیوستند پلیس بزود
 متوجه می شد و همپرونده آنها را دستگیر

می کرد و نوشیروان پور این عنصر ضعیف
 براحتی تمام اطلاعاتی را که از فعالیتها
 گروه از جمله حرکت دسته جنگل داشت
 برای پلیس افشا می کرد و دسته جنگل
 پیش از وقت با هوشیاری و اقدامات
 احتیاطی دشمن مواجه می شد و حرکتش
 با شکست مواجه می گردید.

در آن شرایط علیرغم وضع نامساعدی
 که پیمان شکنی این خائن بوجود آورد نبود
 گروه اعدا او را در دستور قرار نداد چرا
 که امید وار بود بتواند با تدابیری دیگر
 وضع نامساعد را بحال سکون در آورده و تا
 شروع عملیات جنگل از وارد شدن ضربه به
 رفق پیشگیری کند ولی با توجه به سوابقی
 که برخی از رفق از جمله رفیق حسن پور
 داشتند و با توجه به اینکه مدارکی خطرناک
 از این رفق در نقاطی ناامن پراکنده بود
 امکان خطر در هر لحظه وجود داشت، و
 بالاخره نیز ضربه وارد شد. پلیس از
 طریق کشف مدارکی نسبت به فعالیتها
 رفیق حسن پور اطلاعاتی بدست آورد و او

راد سنگگیر کرد و بزیر شکنجه کشید و همزمان با او سایرین از جمله نوشیروان پور و سنگگیر شدند رفیق حسن پور در حالیکه شکنجه های بیرحمانه و وحشیانه ساواک را تحمل میکرد * با موج اطلاعاتی مواجه شد که از طرف نوشیروان پور و راهتیار پلیس قرار گرفت بدنبال افساسی این اطلاعات و سنگگیری های افراد گروه رتبه آن و کیلان شروع شد و بدین ترتیب با مد ارکی که بدست پایدار افتاد حرکت در سته جنگل قبل از شروع عملیات برای دشمن روشن شد ولی دیگر زمان دیرتر آن بود که بتواند رفتاری در سته جنگل را از ادامه راه بازدارد . رفتاری در سته جنگل که در ارتفاعات دیلمان موضع گرفته بودند و از مدتها پیش نقشه حمله به پاسگاه واند ارمری سیاهگل را مروری کردند با سنگگیری های تازه عملیات تعرضی خود را در متمرکز بوقته میدیدند . آنها که از مدتها پیش

* رفیق شهید فقو رحمن پور اصیل مدت ۲ روز تحت شکنجه های مداوم دشمن قرار داشت و یکی از قهرمانان مقاومت در زیر شکنجه لقب گرفته است .

روز ۹ بهمن را برای وارد ساختن اولین ضربت برگزید میبودند اینک با اشکالاتی مواجه میبودند ولی برغم این اشکالات فرماندهی در سته جنگل برنامه حمله را حتی یکروز به تعویق نینگند و در رأس زمان تعیین شده با حمله به پاسگاه ^{داشت} سیاهگل آغاز رستاخیز نوین خلق را بران راهلیم نوشیروان پور که اینک در زندان بسر میبرد در پی توطئه ای بدیگر برای ضربه زدن به اعتبار جنبش نوین خلق بود و این بار او تنها نبود در کنار او رجاله های تبلیغاتی دولت شاه و برنامه ریزان تبلیغاتی رژیم پالیسی نیسز قرار داشتند . ترویج تأثر گدای روزهای متمادی روی سناریوی تنظیم شده از طرف مقامات امنیتی تمرین می کردند تا در مسود را برای بصحنه کشیدن گدای تلویزیونی آماده کنند .

بالاخره در اردیبهشت ماه سال ۱۵ نمایش ضد خلقی بروی صحنه تلویزیون آمد و بواقع نوشیروان پور با شیرین کاری ها و چاپلوسیهای خود خوش درخشید و وقیحانه در پیشگاه خلق ، خود را به

آغوش دشمن افکند ، ولی او نمی دانست که این صحنه ها در حقیقت صحنه دادگامی است که او دارد اسناد محکومیت خود را در آن ارائه میکند و این دادگاه در همان روز او را بجرم خیانتش بمرگ محکوم خواهد کرد پس از این خوش خدمتی درخشان !

نوشیروان پور بفرمان آریامهر از زندان آزاد شد و در جزیره خارک بخدمت امپریالیستها^۵ تحت خوار منصوب شد . از آن پسر پول زیادی باو دادند بطوریکه این خائن در بهترین نقاط شمال شهر تهران برای خود زندگی مرفهی ترتیب داد و بخدای خود در زیر چتر حمایت آریامهری بزندگی مرفه و آرای پرداخت ولی او نمی دانست که در تمام لحظات زندگی ننگینش عقاب تیزبینگال انتقام خلق در بالای سرش و بالاخره گلوی او را خواهد درید .

وبالاخره نیز چنین شد . در روز سی و یکم اردیبهشت ۴۵ عدالت انقلابی در مورد او بمرحله اجرا درآمد و زندگی ننگینش را بسه پایان رسانید .

اعدام این خائن سنت نویسی در مبارزات خلق ما برجای میگذارد و او یک نمونه است نمونه یک پیمان شکن ، نمونه یک خائن خلق نمونه کسی که خود را به آغوش دشمن میافکند و نمونه کسی که برخلاف همیشه خیانتش بی جواب نمی ماند و سزای عمل خود را دریافت می کند .

در تاریخ چند ده ساله میهن ما بسیار بودند کسانی که به خلق پشت کردند و در آغوش دولت ستمگر شاه برای خود سیروسانی برپا داشتند کم نبودند رهبران خائنی که هزاران نفر از میهن پرستان ایران را به کتف زندانها و به میدانهای تیر روانه کردند و خود بسا خیانت رزیلانه خویش در سایه سیساه دولت شاه جایگاهی برای خود دست و پا کردند و از موضعی جدید به خیانت بسه خلق مشغول شدند . این خائنین بسی آرزوم در تاریخ معاصر ایران برای خود به قانونی رسیده بودند و آن قانون اینچنین بود ! " هرگاه ادامه مبارزه را با منافع

حقیر خودت در تحارض یافتی به خلق
پشت کن ، به توده خیانت کن ، هیچ
اتفاقی نخواهد افتاد ، و براحتی می توانی
بزندگی و دریناه دشمن ادامه دهی "

ولی اینک این قانون شکسته شده
است دیگر در این سرزمین خائنین سر
راحت بر بستر نخواهند گذاشت. آنها
امروزه باید بدانند که عدالت انقلابی
خلق بی چون و چرا گریبان آنها را
خواهد گرفت و در اینجا فقط مسأله زمان

مطرح است چه وقت و چگونه معلوم نیست
ولی بالاخره عدالت اجرا خواهد شد
شد اینست قانون جدیدی که جنبشش
توین خلق آنرا وضع نموده است
و با گلوهای آتشین رزمندگانش پای
آنرا مهر کرده است.

خائنین باید بدانند و آگاه باشند
که ما این باصطلاح جزیره
ثبات و آرامش را به گور
تبدیل خواهیم کرد .

در پیرامون

درگیری واحد آموزشی چریکی در کرج

واحد آموزشی کرج در اردیبهشت ماه سال ۶۴ تشکیل شده بود در این واحد دو تن از رفقای تازه بسازمان پیوسته تحت آموزش سیاسی و تشکیلاتی قرار داشتند این واحد با مسئولیت رفیق مارتیک -

قازاریان تشکیل شده و یکی از واحدهای تحت مسئولیت رفیق نزهت آهنگران بشمار می آید. محل استقرار این واحد آموزشی در دولت آباد کرج که یکی از محلات کارگر نشین شهر کرج است قرار داشت در این واحد رفقا محمود عشیمی بلوریان دانشجوی

دانشگاه صنعتی ویدالله زارع نارگسر کارخانجات تهران* مشغول فراگیری سیمتاتیک مسائل سیاسی - تشکیلاتی

و تکنیک مبارزه بودند. ایندور رفیق محمولا

* رفیق ویدالله زارع هدیه رکارخانجات تهران از خطدارخانجات نهنون کار میکرد ما.

از پایگاه هسان خارج نمی شدند ولی رفقا مارتیک قازاریان و نزهت باین پایگاه رفت و آمد می کردند.

دلیل مشخص شدن محل پایگاه آموزشی دولت آباد هنوز بدقت معلوم نشده است ولی بحسب قوی رفیق مارتیک قازاریان مورد شناسائی آشنایان قرار گرفته و از این طریق محل رفت و آمد او مشخص شده است.

بهر حال عناصر دشمن پس از حصول اطمینان از وجود رفقا در این پایگاه در حوالی ظهر روز ششم تیر ماه ۱۳۵۴ این پایگاه را محاصره می کنند در حالیکه ما موران دشمن مشغول تحکیم مواضع خود بوده اند رفیق اعظم روحی آهنگران عضو دیگر واحد آموزشی بقصد آوردن آب - آشامیدنی از پایگاه خانج میشود بگوکسی

دورتر از پایگاه مورد حمله مأموران دشمن قرار می‌گیرد و بعلمت آنکه مشغول حمل سطلهای آب بوده است نمی‌تواند سریع عمل کرده و از اسلحه و نارنجک خود استفاد کند لذا دستگیر می‌گردد. در همین هنگام رفیق نزهت روحی آهنگران که بعلمی قصد مراجعه به پایگاه را داشته است متوجه وضع غیر عادی محیط شده پس از آماده کردن نارنجک کمری خود سعی میکند خودش را به پایگاه رسانیده و رفقا را از محاصره پایگاه مطلع سازد ولی قبل از رسیدن به پایگاه مأموران او را احاطه میکنند و می‌کشند او را دستگیر سازند ولی رفیق نزهت با قاطعیت ضامن نارنجک خود را آزاد کرده و خود را بمیان آنها می‌اندازد لحظه ای بعد نارنجک عمل می‌کند و رفیق نزهت بشهادت می‌رسد و همراه او تنسی چند از مزدوران بر اثر اصابت قطعات نارنجک از پای در می‌آیند.

*** پاورقی از صفحه قبل دولت آباد یک محله کارگری بود موفات آب لوله کشی می‌باشد.

بدنهای این انفجار رفقای درون پایگاه متوجه محاصره پایگاه می‌شوند و بلافاصله اقدامات لازم را بعمل می‌آورند و با وسائل دفاعی موجود در پایگاه خود را مسلح می‌سازند و تمام اسناد و مدارک موجود در پایگاه را با آتش می‌کشند. پس از اقدامات اولیه رفقا با پرتاب نارنجک و شلیک گلوله می‌کشند راهی برای خروج از پایگاه بکشایند ولی بعلمت تراکم نیروهای دشمن اینکار در اولین یورشهای رفقا مقصدی نمی‌شود و رفقا اجباراً در داخل پایگاه سنگر گرفته و به نبرد ادامه می‌دهند و موفق می‌شوند تعداد قابل ملاحظه ای از نفرات دشمن را از پای در آورند در همین هنگام مأموران دشمن که خود را قادر بمقابله با رفقا نمی‌بینند تقاضای قوای امدادی می‌نمایند از مرکز یک فروتنه هلیکوپتر جنگی برای دخالت در درگیری اعزام می‌شود و باین ترتیب دشمن از طریق هوا پایگاه را به نبرد آتش می‌گیرد ولیکن پس از چند دقیقه بر اثر اصابت قطعات

نارنجک به پروانه هلیکوپتر ، هلیکوپتر آسیب دیده و از صحنه خارج می شود . بدنبال این امر رفاقا با استفاده از درشم ریختگی نیروهای دشمن از حلقه محاصره خارج می شوند ولی مورد تعقیب تنی چند از مزدوران دشمن قرار می گیرند و چون مصححان^{تشان} پایان رسیده بوده است نمی توانند آنها را از پای در آورند و لذا مورد حمایت گلوله قرار گرفته و پیش از آنکه بناباظهار شاهدین مینی رفیق مارتیک قازاریان در آخرین لحظات با آخرین گلوله های کسه بهمراه داشته است خود را می کشد . ولی دور رفیق دیگر بنسرب گلوله های مزدوران از پای در می آیند بدینسان حماسه نبرد دولت آباد کسج پایان می رسد .

بنابوریکه انجالی محل بعدا ابسراز می داشتند بدعا ۱۶ تن از مأموران دشمن در این درگیری از پای در آمدند و ضمنا یک فروند هلی کوپتر دشمن نیز آسیب دیده است .

بدنهاز این حادثه توده های کارگری

که این درگیری در جلوی چشمان روی داده بود داستانهای زیادی از قاطعیت و دلاوری رزمندگانمان ساخته بودند و این درگیری تأثیر زیادی برایشان گذاشته بود . بخصوص مبارزه یک دختر ریز اندام چادر بسر * با مأموران دشمن بران آنها بسیار درس آموز بوده است و قاطعیت او مورد تأیید و تحسین توده ها قرار گرفته بود .

نبرد دلاوران رفاقا ما در کرج بهار دیگر اثبات می کند که چریک فدائی خلق تا پای جان مبارزه می کند و مرکز تسلیم نمی شود . این درسی است که رفاقا رزنده ما در دولت آباد کرج بار دیگر به صیقله مبارزین راه آزادی ایران آموختند .

یادشان را گرامی می داریم و آموزششان را در عمل بکار خواهیم بست .

* — رفیق نزهت آهنگران در هنگساج درگیری با چادر بوده است .

* درگیری در تبریز *

در باطاد روز ششم بهمن ماه ۴۰

درگیری بزرگی میان يك واحد از زندگان سازمان ما با نیروهای دشمن در شهر تبریز روی داد. علل این درگیری کشف محل پایگاه رفقا بوده است. ظاهر از چند پیش افراد تجسس دشمن سرخپاشی از رفقای این واحد بدست آورده بودند اندک با پیگیری موفق می شوند محل پایگاه را کشف کنند.

بهر حال دشمن در سحرگاه صبح ششم بهمن پایگاه را به محاصره کامل خود در می آورد و بنا بگفته اهالی محل چند قبضه مسلسل سنگین نیز در اطراف پایگاه نصب می کنند. در ساعت ۵/۳۰ باطاد دشمن با بلندگو به رفقا اخطار می کند که بدون مقاومت تسلیم شوند! ولی رفقا که همیشه آماده مقابله با حوادث احتمالی و درگیری با دشمن بوده اند بلافاصله

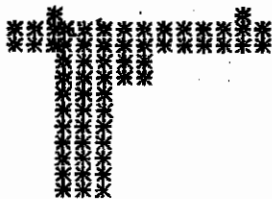
آماده نبود می شوند و پس از چند دقیقه جواب اخطارهای دشمن را با پرتاب نارنجک بسوز. ملاحظ آنهایی بودند بدنبال این خطبه شلیک گلوله و پرتاب گاز اشک آور از همه سو بسوی پایگاه سرازیر می گردد و رفقای رزنده ما نیز پاسخ دشمن را با رگبار تنها مسلسلی که در پایگاه داشته اند می دهند و ضمناً با سلاحهای تهری خود افراد دشمن را نیز گلوله می گیرند پس از چند مهمات رفقای ما پایان می رسد با اینهمه رفقا با ایمان قاطع باصل سازمانی خود که می گوید: "يك بريك فدائي خلق هرگز تسلیم نمی شود" بهایه آری خود ادامه می دهند و در آخرین لحظات دو تن از رفقا موفق می شوند خط محاصره دشمن را شکافته و از محاصره خارج شوند ولی با توجه به پلیسی بودن شدید شهر تبریز

در صبح روز ششم بهمن * ایند و رفیق
 در خیابان بهار تبریز با مأموران گشتی
 دشمن درگیر شده و شهادت بپرسند
 و تن دیگر از رفقا که همچنان در
 پایگاه مانده بودند و با شلیکهای خود
 امکان گریز را برای د و رفیق دیگر فراهم
 کرده بودند پس از تمام گلوله هایشان
 خود را می کشند .

و با این ترتیب بزرگی دیگر بر دفتر
 مبارزات رزمندگان سازمان ما اضافه میشود
 مبارزاتی که تا پیروزی نهائی خلق بر
 * - محمولا در هنگام جشنهای فرمایشی
 پلیس خیابانهای شهر را بشدت تحت
 کنترل خود میگیرد تا از حرکات و حملات
 نیروهای مسلح خلق جلوگیری کند .

د نشان لحظه ای متوقف نخواهد شد .
 مردم شهر تبریز که شاهد ایمن
 مبارزه تا دم مرگ بوده اند روحیه رزمند ه
 و قاطع چریکها را ستایش می کردند
 و آنها را نشان ای از ادامه کاری
 جنبش نوین خلق و پیشروی آن به سوی
 پیروزیهای بیشتر تلقی می کردند .
 خلق ما خاطره فرزند ان مبارز
 خود را همیشه بسیار خواهند
 داشت .

گرامی باد خاطره رفقای
 شهید فاطمه افسد رنیا
 سعید پرورش ، جعفر محتشمی
 مجید پسر زاده جهسر صبی
 رزمندگان واحد چریکی تبریز .



درگیری در خیابانهای تهران

در بعد از ظهر روز پنجشنبه
۴۴ / ۷ / ۴۴ در جریان یک نبرد قهرمانانه
رفیق "پری" یکی از رزمندگان مسلح سازمان
مابشهادت رسید. او در هنگام رویا -
روئی با دشمن، آنچنان قاطعانه جنگید
که مردم تهران را عمیقاً تحت تأثیر قرار
داد. رفیق پری در هنگام جنگ، و گریز
با دشمن در منطقه نظام آباد تهران در
حالی که فریاد میزد "زنده باد کارگر"، موک
پرشاه تا آخرین گلوله اش با دشمن جنگید
و آنگاه که گلوله های پنهان برپایان رسیدند،
با انفجار نارنجک خود را کشت. این
واقعه نبرد است که امروزه، بیش از ۵
سالست که در میهن ما جریان دارد.
تاریخ ثابت کرده است، که در کشور ما
در زیر بار سیاهترین دیکتاتوریهای جهان
یک مبارز سیاسی برای آنکه بتواند در
جهت بسیج و سازماندهی توده ها

واقعه مبارزه کند، باید یک فدائی، یک
جانباز باشد. رفقای رزمده ماهنگی هم -
چون رفیق پری، با درک این ضرورت تاریخی
و با درک عمیق رسالت خود در بسیج توده ها
همواره حاضرند خود را فدای آنند این فدائیان
های شگفت انگیز که خاطره قهرمانیهایی
رزمندگان خلق ویتنام را بیاد میآورند و در
تاریخ معاصر خلق ما نیسابقه هستند بنامی
از ضرورتهای خلق ما میباشند. مبارزاتی که
بهر قیضی که شده راه خود را خواهند گشود
و تا پیروزی خلق بر دشمنانش ادامه خواهند
یافت. و ماجریان درگیری چگونه بود:
در بعد از ظهر پنجشنبه مذکور هنگامیکه
رفیق پری به همراه رفیق دیگری قصد داشتند
سوار اتوبوسی که در خیابان گرگان پارک
شده بود بشوند، با یسورشا، مأموران
مسلح دشمن مواجه شدند. *

* - این اتوبوس بد لایلی از قبل توسط دشمن

اتومبیل سوراخ سوراخ شده رارها کرده و پیاده از منطقه دور شوند . این تصمیم بسیار یک تصادف ، زود تر به مرحله اجرا در می آید و رفقا بناچار اتومبیل را ترک می کنند . رفقا ضمن پیشروی بسمت خیابان کهن به پشت سر بسمت مزدوران که لحظه ای رگبار مسلسلهایشان قطع نمی شد شلیک می کردند و با یاد شعار "مرگ بر شاه" زنده باد کارگر" خلق را از ماهیست این درگیری آگاه می ساختند . ضمن جنگ و گریز در خیابان کهن ، رفقا ناخواسته از هم جدا می افتند .

رفیق پسر وارد خیابان امیر شرفی می شود و با استفاده از یک وانت خود را از منطقه دور می کند .

رفیق "بری" بر اساس گزارشات رسیده پس از طی مسافتی در حالیکه فشنگهایش تمام شده بود در محاصره مزدوران مسلسل بدست قرار می گیرد . رفیق که دیگر فشنگی برای جنگیدن در اختیار نداشت و شکستن حلقه محاصره را نیز مقدور نمی دانست اقدام

رفقا در زیر باران گلوله اتومبیل را از پارک خارج ساخته و بسمت شمال پیشروی می کنند مزدوران با چندین اتومبیل : بنزه پژو آریا به تعقیب می پردازند و با رگبارهای پیاپی خود قسمت عقب غولنس واگن را ضربه می سازند . در همان لحظات اول راننده یکی از اتومبیل های تعقیب کننده بوسیله گلوله ای که رفیق رزنده "بری" در سینه اش می نشاند ، از پای در می آید . رفقا از طریق خیابان ها ، شفا و آریا وارد خیابان نظام آباد می شوند . در این موقع تصمیم میگیرند

** (بقیه از صفحه قبل) -

شناخته شده بوده است (با احتمال زیاد به علت نزد مجامع گذاشتن در حین انجام یک سری حرکات قبلی) و رفقا بدون اینکه متوجه این امر شوند با آن حرکت میگردانند . در این روزگشتی های دشمن با مشاهده اتومبیل در کنار خیابان ، آنها شناخته و در صد در صد بر می آیند تا از آن بفرمان یک دام استفاده کنند ، چند اکیپ عطیاتی دیگر نیز وارد صحنه میشود و اتومبیل را در محاصره میگیرند تا بمحض نزدیک شدن رفقا با اتومبیل آنان را گلوله باران کنند .

بخودکشی نموده و با کشیدن پین نارنجک
انقلابی نائل و دشمن را از شناختن
و گرفتن آن در مقابل چهره خود بشهادت
هویت اصلی خویش محروم می سازد .



درگیری در خیابان های مشهد

ولی وقتی می بینند که مأموران قصد بازسازی
ساکهایشان را دارند بصورت اسلحه کشیده
و هر دو مأمور را از ناحیه سر و شتم مسور
شلیک قرار می دهند بطوریکه مأموران درجا
کشته می شوند در همین اثناء سایر گشتیها
با شنیدن صدای شلیک می گریزند خود را
به محل درگیری پوسانند و صدای سسوت
افراد پلیس بلند می شود رفقا که وضع را
چنین می بینند بصورت سلاحهای اسمیت
وسون (اسپرینگ فیلد) مأموران را بنام

در شب ۱۷ مرداد ماه ۱۳۵۴
هنگامیکه دو تن از رفقای سازمان ما
مشغول حمل تعدادی وسایل سازمانی بودند
مورد شک گشتی های پلیس شهر مشهد
قرار می گیرند مأموران دشمن که یک اتومبیل
فولکس در اختیار داشته اند راه را بر رفقا
بسته و بقصد بازجویی و جستجوی اثاثیه
آنها از اتومبیل پیاده می شوند و شروع
به سؤال و بازجویی از رفقا می کنند رفقای
ما با خونسردی بسوالشان پاسخ میدهند

شد. این جریان همچنین درسی بود برای مأموران دشمن که بیهوده در خیابان‌ها برای مردم ایجاد مزاحمت نکنند. امروزه در اکثر شهرهای ایران نوعی حکومت نظامی پنهانی برقرار است. و همه روزه عده زیادی از مردم در خیابان‌ها مورد بازرسی بدنی و بازرجویی مأموران دشمن قرار می‌گیرند. این مسائل بسیار محتمل است که نفرت مردم از رژیم و مأمورانش بالا رفته و چهره دیکتاتوری رژیم هر چه بیشتر در انظار عمومی بینه نمایش گذارده شود.

خلق پرافتخار ایران مصادری می‌کنند و از صحنه درگیری دور می‌شوند. از آن پس رفقای درگیر شده در حالیکه اسلحه پاسبان‌ها را بهمراه داشته‌اند وارد یک مدرسه می‌شوند و از آن طریق خود را از مناطقی که بصورت داشته پلیسی می‌شده، خارج می‌کنند. فقط بحالت دیر وقت بودن شب و کنترل پلیسی شدید خیابانها آتشبار در خیابان‌های اطراف شهر سپری می‌کنند و روز بعد خود را به پایگاههای دیگر چریکی می‌رسانند. این درگیری بار دیگر نشان داد که هر نوع مزاحمت خیابانی از طرف مزدوران دشمن از جانب چریکها با گلوله پاسخگونی خواهد

* * *

انفجار در اداره کار استان خراسان

چریکهای فدائی خلق ایران کار گذاشته شده بود در هم پیچیده شد. این عمل بمناسبت روز جهانی کارگرو بخاطر اعتراض مسلحانه به ظلم و اجحاف بیحد وزارت کار

در روز ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۵۵ خورشیدی ساختمان اداره کار استان خراسان با انفجار بمب بسیار نیرومندی که توسط یک واحد از رزمندگان سازمان

نسبت به کارگران زحمتکش استان خراسان صورت گرفت. قبل از آنکه بمب منفجر شود رفقای شاخه عمل کننده، با تلفنهای متعدد متصدیان مدرسه و سایر موسسات همجوار اداره کار را از وقوع انفجار با خبر ساخته و در عرض ۱ دقیقه شرایط تخلیه کامل ایمن اماکن را فراهم ساخته بودند. همچنین کارمندان اداره کار نیز در جریان امر قرار گرفتند و اکثر اداره را تخلیه کردند و اداره کار بحال تحذیل درآمد. در این حال یک مأمور سازمان امنیت که رئیس سازمانهای باصطلاح کارگری دولتی بود در اداره ماند و با فریب دادن یک مستخدم ناآگاه او را با خود همراه کرد تا بلکه بتواند بمب را یافته و بی اثر کند. او میخواست از این طریق به نان و نوائی برسد و پاداش از دولت دریافت دارد. این فرد که از قدرت بمب اطلاعی نداشت جان خودش و یک فرد دیگر را بر سر حرص و آز خود گذاشت و بر اثر انفجار بمب به همراه مستخدم ناآگاهی که او را همراهی کرده بود کشته شد. به

دنبال این عمل دشمن تا یک هفته سکوت کامل اختیار کرد تا مراسم قدسی روز اول ماه مه که توسط رژیم با بوق و کرنای رتبهبران برگزار میشد پایان برسد، علت سکوت دشمن آن بود که عوامل رژیم استقبال شدید کارگران استان خراسان را از این اقدام سازمان ما بچشم دیده بودند و از این وحشت داشتند که مبادا تأثیرات این عمل با اعلام آن در جراید سرا سر شود. بهمین علت نیز خبر انفجار اداره کار استان خراسان را با یک هفته تأخیر آنهم بطور ناقص و کاملاً تحریف شده اعلام نمودند. تأیید و حمایت کارگران استان خراسان بخصوص کارگران شهر مشهد از این عمل بوده ای سازمان ما، نشانه آنست که اکثر عطیات تبلیغ مسلحانه بر اساس دعوت ستیسا و تمایلات توده ها طرحریزی شوند، بسا حمایت کامل و قاطع توده ها رهبر شوند، و در رسوخ جنبش مسلحانه در میان توده ها نقش تعیین کننده ایفا خواهند نمود. بدنبال این عمل یک متن توضیحیسی (بقیه در صفحه ۱۴)

درگیری در شهر گرگان

در روز جمعه ۲۰ خرداد ماه ۱۳۵۴
هنگامیکه یکی از رفقای سازمان مبارک
اما مزاده شهر گرگان برای رسیدن مؤخر
و عده ملاقاتی، بایکی دیگر از رفقا منتظر
بوده است مورد شك مأموران سازمان
امنیت گرگان قرار میگیرد رفیق ما علیرغم
آنکه متوجه عناصر مشکوک می شود به آنها
بهائیتی رجوع و همچنان در محل با قسی
می ماند پس از چند دقیقه مأموران بهمراه
یک اتومبیل لندرور وارد اما مزاده میشوند
و در مقابل رفیق توقف می کنند یکی از اورد
که بعد ما معلوم شد از افراد مؤثر ساواک
گرگان بوده است از اتومبیل پیاده شده و

* - قاعد تا او باید با رویت عناصر مشکوک
اما مزاده را ترک میکرد زیرا که از درگیریها
ناخواسته باید همیشه اجتناب کرد .

پرخاشر، کتان رفیق ما را مورد خطاب قرار
داده و هویت و محل سکونت وی را مطالبه
می کند، رفیق بدون توجه به پرخاشش وی
از جای برخاسته و سعی می کند از محصل
دور شود ولی مأمور دشمن بسمت وی آمده
و می کوشد او را دستگیر کند که در همین
حال رفیق سلاح کشیده و مأمور را مضروب
می کند مأمور دشمن که سینه اش بر اثر
گلوله سوراخ شده بوده است بسروی کاپوت
لندرور افتاده و رفیق از صحنه می گریزد .
بدنبال این جریان مأموران با فریاد
آی دزد ! آی دزد ! می کوشند مردم را
تشویق به دستگیری رفیق نمایند ولی رفیق پها
فریاد مرگ بر شاه ! زنده باد کارگر ! مرگ بسر
سازمان امنیت، مردم را متوجه هویت خود

هنگام خروج از شهر با تعقیب یاک اتومبیل
 بیگان ملو از مأموران دشمن مواجه میشود
 رفیق بسرعت بسمت ساری می رود و مأموران
 را بدنبال خود بخارج شهر می کشانند و
 در آنجا با شلیک چند گلوله از داخل
 اتومبیلی که مشغول راندن آن بوده است
 مأموران را متوقف میسازد و از آن پسر رفیق
 اتومبیل را وارد کوره راه های کوه پایه ای
 منطقه آگواک می کند و در نقطه ای
 دور دست آنرا رهساز شده و
 از طرفی دیگر خود را بسه
 پایگاهش می رساند .

می سازد و از آن پسر مردم عقب نشینی
 می کنند ولی مأموران به تعقیب رفیق ادامه
 می دهند . رفیق پس از عبور از رودخانه
 شهر متوجه می شود که یکی از افراد خود را
 بوی رسانیده است و با یک شلیک وی را
 متوقف ساخته و پس از تصاحب یک کامیون
 خود را از منطقه دور می کند ، ولی مأموران
 دشمن که مورد را به مراکز پلیس خبر
 داده بوده اند با ماشینهای خود در
 شهر بحرکت در می آیند . رفیق که وضع
 را چنین می بیند کامیون را رها کرده
 و بالاخره یک لندرور را تصاحب می کند و با
 آن می کوشد از شهر خارج شود . ولی



فرزندان راستین خلق

* مختصری از زندگی رفیق نزهت السادات روحی آهنگران *

(۱۳۵۴ - ۱۳۲۵)

سیاسی و تمایلات ضد رژیم بودند، همه مطالعه آثار سیاسی و انقلابی گرایش پیدا نمود. او که از کودکی به مطالعه علاقه مند بود و رمانهای مختلف را مطالعه می کرد، تدریجاً به مطالعات خود جهت داد و به خواندن رمانهای از قبیل مادری پاشنویه آهمنین، بشر وستان زنده بپوش و پرداخت. در این دوره حادثه ای در خانواده رفیق اتفاق افتاد که در زندگی

رفیق نزهت السادات روحی آهنگران در سال ۱۳۲۵ در تهران بدنيا آمده دوران کودکی در يك خانواده متوسط و در شرایط نیمه موفقی سپری شد. او دخترى با استعداد و زرنگ بود و از همان کودکی مورد توجه اطرافیان قرار گرفت و در جمع دوستان و همکلاسیهای خود محبوبیتی کسب نمود. رفیق در دوران دبیرستان بر اثر آشنائی با افرادی که دارای آگاهی

ارویی تأثیر نبود. مادرش به بیماری سرطانی مبتلا گردید و مخارج مداوا و درمان وی که تدریجاً بسوی مرگ می رفت، خانوادۀ رفیق را از لحاظ مالی تحت فشار قرار داد و بدین جهت مجبور شد دبیرستان را کنار بگذارد و به پرستاری از مادر بیمارانش بپردازد. در آن زمان او سال ششم دبیرستان بود اما این امر مانع مطالعات رفیق نشد. در چنین شرایطی نیز او همچنان به مبارزه می اندیشید و فعالانه به مطالعه آثار انقلابی که بدستش می رسید پرداخته و آنچه را که می آموخت به دبستان خود منتقل می نمود. در این زمان رفیق هنوز درک عمیقی از مارکسیسم نداشت و به آیدئولوژی شکل یافته ای مجهز نشده بود و حتی با وجود عدم اعتقاد به دیسم و مذهب، آثار مذهبیون شرقی مثل مهندس، یازگان و طالبانی را مطالعه کرده و در جلسات سخنرانیهای آنان در مسجد هدایت شرکت می نمود. علت اصلی شرکت رفیق در این جلسات تمایلات ضد رژیم می

او بود. زیرا او حتی در آن سالها هم به این امر واقف بود که حل مشکلات اجتماعی با رهنمودهای دین همسر نیست.

مادر رفیق پس از چندسال بیماری درگذشت و رفیق مجدداً به تحصیل پرداخت و در فرصت کمی توانست در امتحانات ششم دبیرستان و همچنین کنکور دانشگاه قبول شود. در دانشگاه هم رفیق موضع فدایی در اعتراضات و جریانات صنفی داشت و در تظاهرات سون جهان پهلوان تختی* جزو چند دختر دانشجویی بود که در این تظاهرات شرکت نموده بودند. شرکت در جریانات صنفی دانشگاه، باعث شد که با عده ای از دانشجویان آگاه و پیشرو دانشگاه آشنا شده و در جلسات بحث و گفتگوی آنها شرکت نماید. اما این خردۀ کارپیمای سیاسی رفیق را راضی نکرد و او تحت تأثیر کارهای رفیق صمد بهرنگی در سال چهارم دانشگاه (سال ۶۷) و چند ماه پس از شهادت رفیق صمد بهرنگی)

تحصیل را ترك نمود و داوطلبانه وارد سپاهی دانش، دختران گردید و پسرا ز گذراندن دوره آموزشی، با شورو علاقه در روستاهای آذربایجان شروع بکار کرد. رفیق نزهت مدتی با رفیق اشرف دهقانی که در دانشسرای عالی سپاه دانش بسا و آشنا شده بود، در یک ده سپاهی دانش بود. ایندو رفیق با برخورد های شلخی خود، با شرکت مستقیم و غیر مستقیم در زندگی روستائیان، با حل مسائل و مشکلات آنها، با گوش دادن به درد دلها و شکایاتشان توانستند پیوند استواری با روستائینان برقرار کنند، بطوریکه موقع انتقال از مرده، اهالی ده با چشمهای گریان آنها را مشایعت می کردند.

ارتباط با رفیق اشرف منجر به آشنائی رفیق با رفق بهروز دهقانی و کاظم سعادت گردید. اما بخاطر زندگی عادی و معمولی رفق، او تصور کرد آنها روشنفکرانی هستند که تنها قادرند در مبارزه فرهنگی بر ضد رژیم شرکت کنند، و بنا بر این فقط با رفیق

اشرف در مورد مسائل سیاسی و مبارزاتی بحث و گفتگو میکرد و حتی به او سفارش می کرد که در مورد روابط سیاسیشان بسا بهروز حرفی نزند. در آن زمان گروه رفیق مسعود احمد زاده شروع بکار کرده و بسه مطالعات پیگیر تئوریک برای حل مسئله حزب پرداخته بود. قطعا رفیق بهروز در آن موقع با گروه رفیق احمد زاده ارتباط داشته است، اما حتی اشرف هم از فعالیت وی خبر نداشته و با نزهت در باره بهروز هم عقیده بود. رفیق نزهت پسرا ز یکسال کار در روستاهای آذربایجان بیکی از روستاهای کرمان منتقل شد و از آن ببعد ارتباطش با اشرف تقریباً قطع گردید پس از مدتی کار در کرمان رفیق به تهران آمد و در دبیرستانی شروع به تدریس نمود. در این زمان رفیق نزهت و چند تن از رفقایش مقدمات تشکیل یک گروه را فراهم کردند اما گروه آنها مانند سایر گروههای دیگر بسا بن بست و سرگردانیهای سیاسی و بی تجربگی و فقدان امکانات برای دست زدن به عمل

مواجه شد. شروع عملیات مسلحانه چریکهای فدائی خلق ایران راه تازه ای در مبارزات انقلابی آشود و گروه رفیق نزهت با مسئله حیاتی قبول یا رد مشی مسلحانه روبرو شد. اعضای گروه با اینکه در بعضی موارد اعلامیه های به نفع ننهش، مسلحانه تکثیر و پخش نموده بودند، هنوز از مشی رفقای فدائی شناخت ناکمل نداشته و در انتخاب یاران سردر بودند در چنین شرایطی حادثه دردناک دستگیری رفیق بهروز دهقانی در ارتباط با رفیق نزهت اتفاق افتاد که شرح آن به این قرار است:

رفیق اشرف بعد از قطع ارتباط با رفیق نزهت، توسط بهروز به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیوست. در اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۰ در حالی که اشرف و بهروز در ارتباط با دستگیری رفیق ناهدل (این دستگیری منجر به تخلیه پایگانه ای که رفقا ناهدل و پویان در آن زندگی می کردند شد) وضعیت

نیمه مخفی و بلا تکلیفی داشتند، اشرف با مأموریت از طرف سازمان به سراغ نزهت رفت و آمادگی او را برای توار کردن زندگی عادی و شروع کردن مبارزه انقلابی در شرایط کاملاً مخفی، چویا شده پس از اعلام آمادگی از طرف او در مدت چند روزی که رفقا با هم بودند، رفیق اشرف به منظور رعایت مسائل امنیتی، مجدداً بهروز را (که هنوز کاملاً مخفی نبود) در قالب روشنفکری که حاضر به شرکت در یک مبارزه جدی و فعال نیست معرفی نمود و فعالیت خود را هم در حد مطالعه و کار کردن در محیط های خلقی و کارگری جلوه داد و با این قرار که بزودی ترتیب پیوستن نزهت را به گروهشان می دهد از او جدا شد. اما همانروز در جلوی دانشگاه دستگیر شد. ساواک با تحقیق کردن پیرامون اشرف و با گشتن خانه دوستان و نزدیکان او عکس، مشترکی از او و نزهت در خانه برادر اشرف بدست آورد و طی ۱۰ روز پیگیری و تحقیق، هویت و نشانی نزهت

را یافت و او را بایکی د و نفر از دوستانش دستگیر کرد.

د رزندان اشرف رامد هوش را ز شکنجه به نزهت نشان می دهند و این امر شك او را در مورد مهم بودن رابطه دستگیری رفیق اشرف تقویت می کند و حتی فكر می کند كه سه ساواك می خواهد اشرف را با چریك ها ارتباط دهد . نزهت با تکرانی از اینکه میاد اطلاعاتی (همان اطلاعات توجیهی که رفیق اشرف در اختیار شراکت داشته بود) بد شمن بدست می آید يك فرصت مناسب با تخیلی که از روی میز نیک طبع (بازجوی شهرتانی که بعد از شکنجه گران معروف کشته شد) بر می آید ، رگه — دست خود را می برد تا ما مأمورین توجه شده و او را رامد او می کنند . اینکار شك آنها را نسبت به رفیق که هیچگونه ردی علیه وی ندارند تشدید می کند . مأمورین ساواك از بازجویی ها دریافت می کنند که نزهت از چریك بودن و تحت پیگرد بودن بهروز خبرند اردو سحسی می کنند با و وانمود کنند که بهروز دستگیر شده است و حتی با پیشنهاد می کنند که اگر

مایل است آنها بهروز را نشان دهند ، اما او مخالفت می کند . بهر حال پس از بازجویی های زیاد همان شب ساعت يك بعد از نیمه شب او را از زندان آزاد می کنند ، که اینکار موجب حیرت رفیق می شود . ساواك بسا اطمینان از اینکه نزهت از زندانی نبودن بهروز را باور کرده است و از طرف دیگر بهروز با نزهت تماس خواهد گرفت . منتظر فرصت می نشیند بهروز با تلفن زندان بخانه پدر نزهت ، شماره تلفن خانها را گرفته و فرد ای شب آزاد و نزهت با و تلفن می زند تصور زندانی بودن بهروز ، اصرار ساواك برای نشان دادن نگرانی به او آزاد و غیر منتظره در نیمه شب ، تلفن بهروز در صبح روز بعد باعث می شوند که نزهت فكر کند بهروز به خواست پلیس عمل کرده و برای رهائی خود به اجرا کردن نقشه های پلیس تن داده است ، بنا بر این پس ای تلفن نمی رود و خواهرش جوابهای بی سرو تهی به بهروز می دهد . همانروز خطائی با عده ای از مأمورین ساواك به خانه نزهت

آمده و منتظر تلفن بهروز می شونند و هنگامیکه او تلفن می زند نزعت اجباراً تحت اصرار و فشار خطائی و در حالیکه قضیه را کاملاً صحنه سازی می پندارد با او صحبت کرد و قرار می می گذارد . نزعت با تصور اینکه ساواک گفته های آنها را ضبط خواهد کرد تا مدتی علیه او بدست آورد . و در حالیکه مأمورین در محل قرار مستقر شده بودند سر قرار حاضر شده و با بهروز گفتگویی کند و ابتدا درباره چگونگی بدست آوردن شماره تلفن از او توضیح می خواهد که بهروز در جوابش می گوید آنرا از اشرف گرفته است پس از کمی صحبت درباره مبارزه بهروز به نزعت پیشنهاد همکاری می کند ، اما نزعت با اظهار علاقه کردن بزندگی عادی و عدم تمایل به مبارزه به او جواب رد می دهد بهروز ناباورانه علت این جواب نزعت را همان ذهنیت سابق نزعت (روشنفکر بودن) خود پنداشته و از هم جدا میشوند اما رفیق بهروز در فاصله کمی از محل قرار

با مأمورین ساواک که او را تعقیب میکردند درگیر شده و طی یک تیراندازی متقابل زخمی و دستگیر می گردد . رفیق بهروز در همانی در لاورانه شکنجه های ساواک را تحمل کرده و عاقبت زیر شکنجه شهید میگردد . نزعت مدتها متوجه این موضوع نمی شود و زندگی گذشته خود را از سر گرفته و فعالیت های گروهی خود را دنبال می کند . اما رفته رفته از گوشه و کنار اخباری در این باره شنیده و در پی یابد که بر اثر سادگی و بی تجربگی ، باعث شهادت یک چریک رزنده شده است . این موضوع او را تحت فشار روحی سنگینی قرار داده و در او واکنشهای عصبی شدیدی ایجاد می کند . کمتر مبارزی می تواند تحت چنین فشاری ، تعادل روحی خود را حفظ کرده و منفعل نشود . اما رفیق نزعت با صد گرفتن از ایمان انقلابی و عشق عمیق به خلق و کینه بی حد به دشمن خلق ، بسا کمک فکری سایر رفقای هم گروه توانست مسئله را برای خود حل کرده و پسندد

پیکر و خستگی ناپذیر مبارزه را دنبال کرده و از کوره این ماجرای تأسف آور سر بلند بیرون آید . در سال ۵۱ رفیق کسه مخفی و تحت پیکر پاپس بود همراه با گروهی که در آن فعالیت می نمود بسسه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیوست و مرکزیت سازمان پس از بررسی جریان رفیق را از اتهامات نسبت داده شده در زندان و یا توسط بعضی محفلها ، میرا دانست .

از آن بعد شایعاتی مبنی بر ساواکی بودن رفیق بر سر زبانها بود و دشمن هم برای منفرد کردن وی اعتبار ساختن رفیق آنرا دامن میزد . اطرافیک نزهت بختابسه یک چریک فدائی ، با تعهد و فداکاری قابلیت ها و انرژی بی پایانش را در راه خدمت به خلق و پیشبرد آرمان انقلابیست بکار گرفت و پله پله مدتی رشد سازمانی را طی کرد . او از همان ابتدا مسئولیت رفقای از گروه خود را بعهده داشت و متعهدانه در راه رشد خود و رفقا

و پیاده کردن برنامه های سازمان در حوزه مسئولیت خود تلاش می نمود . برخورد های انقلابی و اعجاب آورش با مسئولیت های معموله از طرف سازمان ، باعث شد که رفقا مسئولیت های بیشتری با او واگذار کنند تا آنجا که در زمان شهادتش فرمانده یک دسته تبلیغ مسلحانه بود . رفیق نزهت مدتی مسئولیت یک شاخه انتشاراتی بسا شرکت رفیق مارتیک را بعهده داشت و اولین شماره های نبرد خلق (ارگان سازمان) را منتشر نمود . رفیق در تمام مدت فعالیت سازمانی اش نمونه سخت گویی و تعهد در قبال پیشبرد کارها بود . رفیق در دوران زندگی چریکی خود درد و عمل نظامی شرکت نمود . در عملیات اعدام انقلابی فاتح یزدی و اولین رفیق دختری بود که از آغاز جنبش مسلحانه در عملیات صحنه ای شرکت نمود . و در عملیات بعدی سازمان یعنی اعدام انقلابی نیک طبع که زمانی در زندان خود رفیق را نیز بازجویی کرده بود ، نقش حساس و مؤثری ایفا نمود .

رفیق، نزمت فعالیت های پر ارزشی
در جهت عملی کردن برنامه های سازمان
فصود و دسته تحت فرماندهی او در
حد خود توانست نقش مؤثری در تحقق
اهداف مرحله فطلی جنبش (توده ای
کردن مبارزه مسلحانه) ایفا نماید .

کار رفیق نزهت و رفیق مارتیک و سایر
رفقای دسته وحدت را در رابطه با کارگران
بود .

درگیری دولت آباد کسج در ششم
تیرماه ۱۳۵۴ (صحنه پر شکوهی از لوری
فرزندان راستین خلق به نمایش گذاشت.
طنی این درگیری رفقای ما چریکهای
فدائی خلق ایران تا آخرین گلوله خود
با دشمن مزدور جنگیدند و حماسه ای
از رشادت و پایداری در تاریخ پرافتخار
مبارزه مسلحانه آفریدند . دشمن مزدور
برای از پای در آوردن یا دستگیری
رفقا نیروی زیادی بمیدان آورده بود اما
ذهی حماقت او هرگز نتوانست به رفقا
دست یابد . رفقا پس از از پا در آوردن

عده ای از مزدوران ، بزندگی خود خاتمه
دادند . رفیق نزهت با انفجار
نارنجک خود را کشت و عده ای از مزدوران
را نیز بخاک انداخت . رفیق مارتیک با
آخرین گلوله بزندگی خود خاتمه داد .
دشمن حتی بر فغانی که تازه مخفی
شده بودند (رفیق عظیمی بلوریان
رفیق کا رگریداله زارع) نیز نتوانست
زنده دست پیدا کند . طی این درگیری
بار دیگر سفاکی رژیم و رشادت
فرزندان خلق مورد تفاوت خلق
قرار گرفت .

گرامی بساد خاطره
رفقای شهید .

راهی که نزهت ها و مارتیکها با ریختن خون
سرخشان هموارتر کردند ، رهروان بیشتری
خواهد یافت .

به پیش بسوی هرچه نزدیکتر کردن مبارزات
مسلحانه پیشگامان خلق با مبارزات افتخار آمیز
خلق تحت ستار .

* پیروزی بسا ماست *

(بقیه سرمقاله از صفحه ۱۸)

می دارند که :

۱ - کار سیاسی - تشکیلاتی در میان

توده ها پیش از تبلیغ مسلحانه امکان پذیر

است ، و اساسا بدون کار سیاسی -

تشکیلاتی در میان توده ها دست زدن به

عملیات تبلیغ مسلحانه نادرست می باشد

۲ - تبلیغ مسلحانه خصلت عام سیاسی

و دمکراتیک داشته و مضمون عملیات تبلیغ

مسلحانه با مضمون مبارزات خود بخودی

توده ها در تضاد است ، و تنه باروشن فکر

فهمیم و آزاده و کاسبکاران و پیشه وران

در حال افلاس می توانند مضامین سیاسی

پیچیده و خصلت اعتراضی و عصیانگرانه!

این عملیات را درک کنند . و براین اساس

جنبش مسلحانه ایران در مجموع یک حرکت

خرده بورژوازی بوده است .

۳ - حوزه تأثیرات عملیات تبلیغ

مسلحانه ایران اساسا در میان اقتسار

مختلف خرده بورژوازی بوده است ، و توده

های وسیع از تأثیرات این عملیات بسدور

ماند ماند . با این همه همین که اقتسار

مختلف خرده بورژوازی تحت تأثیر عملیات

تبلیغ مسلحانه سیاسی شده و به جنبش

روی آورده اند خود دستاوردی عظیم است

و صحت برنامه های جنبش مسلحانه ایران

را توجیه می کند .

۴ - با توجه باینکه مبارزه مسلحانه

با تمام مضامین پیچیده ! و نامفهوم و مشر!

برای توده ها ، امری نهایتا درست است

و بالاخره توده ها از این کانال بایستد

پیروزی خود را بدست آورند ، پس بایستد

سر پلی میان توده ها و جنبش مسلحانه

بوجود آورد . اما آن چیزی که توده ها

را از جنبش جدایی سازد جدائی مضمون

مبارزات ساده اقتصادیشان با مضمون

سیاسی و بسیار بفرنج مبارزه مسلحانه

است .

توده هایی که هنوز در جریان مبارزات

خود بخودیشان رشد نکرده اند و بسطوح

بالائی از آگاهی سیاسی نرسیده اند هرگز

قادردرک مفاهیم سیاسی جنبش مسلحانه

ه - عملیات تبلیغ مسلحانه همچنان
 بتواند با همان هدفهای مام سیاسی
 د مکتبیک گاه و بیگاه ادامه یابند و بویژه
 ضربه زدن به بیگانگان در ایجاد اعتبار
 برای جنبش و جلب حمایت نیروهای
 سیاسی داخلی و خارجی بسیار موثر
 است و از اینرو نباید از آن غافل ماند
 ولی به نتایج این عملیات در میان توده ها
 نباید امید وار باشیم. تا موقعیکه آگاهی
 توده ها را از طریق خاص خود (کار
 سیاسی آرام در میان توده ها) بالا ببریم
 و بسطخ نیروهای سیاسی آگاه برسانیم
 و آنوقت است که جنبش مسلحانه برای
 توده ها قابل فهم و درک خواهد شد
 و امکان توده ای کردن جنبش مسلحانه
 فراهم خواهد گردید .

با توجه به مطالب فوق ملاحظه
 می کنیم که این نظریات بر اساس مطالب
 و درک عمیق مفاهیم تئوریک جنبش مسلحانه
 ایران استوار نبوده و در وادی تئوریک
 گوناگون و متعارض سرگردان می باشند .

نخواهد بود ، و این تضاد است که باید
 توسط تئوریکینهای جنبش مسلحانه حل
 شود و از طریق حل این تضاد راه نفوذ
 در میان توده ها آشوده شود .

و در ارائه راه حل باین نتیجه می رسند
 که باید با کار سیاسی تشکیلاتی در میان
 توده ها سطح آگاهی سیاسی را در توده
 ها آنقدر بالا آورد تا مثلا بسطخ آگاهی
 روشنفکران فهم برسد آنوقت دیگر تضاد
 حل می شود و توده هائی که با کار سیاسی
 از طریق انتشارات تئوریک وسیع آگاهی
 سیاسی پیدا کرده اند براحتی مفاهیم
 پیچیده تبلیغ مسلحانه را خواهند فهمید .
 برای پیاده کردن چنین برنامه ای هم
 راه کار اینست که نشریاتی بوجود آوریم
 که در آن روی سخنمان با توده ها باشد ،
 و به آنها متون کلاسیک مارکسیستی را
 تدریس کنیم و در یک کلام کلاسیکهای
 آموزش تئوریک را در میان توده های
 ستمدیده و عقب مانده ویی سازمان
 ایران توسعه دهیم .

در تئوری تبلیغ مسلحانه ایران مسأله‌های دقیق و علمی نهفته است که بدون توجه به آن هرگز نمی‌توان اساس این تئوری را درک کرد. این مسأله چنین است که در شرایطی که طبقه حاکمه با قدرتی مطلق‌العنان بسر توده‌ها حکم‌براند و امکان هیچگونه تشکل و مبارزه‌ای رشد‌یابنده را به مردم نمی‌دهد، در شرایطی که توده‌ها در حال پادشاهی و سرخوردگی بسر می‌برند و حالت رکود و خمودی بر آنها مستولی شده است، بالاخره و در شرایطیکه نیروهای پیشگام جامعه در نهایت ضعف سیاسی و تشکیلاتی بسر می‌برند و در میان توده‌ها از نفوذ و اعتباری برخوردار نیستند^۳ امکان کار سیاسی - تشکیلاتی در میان توده‌ها وجود ندارد^۴.

۱۷ سال تمام از ۲۸ مرداد ۲۲ تا

۱۹ بهمن ۲۹ کار سیاسی تشکیلاتی در میان توده‌های میهن ما متوقف بود و تمام تلاشها برای شکستن بن بست مبارزات سیاسی توده‌ها از طریق شیوه‌های قدیمی

کار سیاسی در میان توده‌ها با شکست و ناکامی مواجه شده بود. اساساً تئوری جنبش مسلحانه ایران بمطابق آئرناتیوی مترقی و سازنده برای پایان بخشیدن باین رکود سیاه طولانی که حیات سیاسی توده‌های ما را متوقف ساخته بود ارائه گردید.

رساله داهیانه رفیق امیر پرویز پویسان که پایه و اساس تئوری تبلیغ مسلحانه ایران را تشکیل می‌دهد تماماً به بررسی همین مسأله اختصاص یافته است. امروز در شرایطی که جنبش مسلحانه ایران همچون یک مرکز قدرت انقلابی جای خود را در میان توده‌ها گشوده است، طبعا زمینه‌های مساعدی برای کار سیاسی - تشکیلاتی در میان توده‌ها بوجود آمده است، با اینهمه تازه این آغاز کار است و جنبش مسلحانه باید با مداومت و پیگیری تاکتیکهای خود بیشتر خود را ب مردم بشناساند و با رهپوش گرفتن برنامه‌های مردمی، و با شرکت در مبارزات توده‌ها گام بگام با توده‌ها حرکت کند و در جری مبارزات توده‌ها را برعهده بگیرد.

امر د پیری که لازمست برآن تأکید کنیم مضمون توده ای تبلیغات مسلحانه می باشد . تئوری جنبش مسلحانه ایران که از طرف مارکسیست - لنینیستهای خلاق ایرانی ارائه شد ، باین علت تدوین گردید که راه نفوذ سیاسی و تشکیلاتی مارکسیست - لنینیستها را در میان توده ها بگشاید . در اهداف جنبش ما هرگز اهداف سیاسی و دمکراتیک عام اساسی نبوده اند این مسأله را مارکسیست لنینیستهایی که سالیان دراز بسرای رسوخ سیاسی و تشکیلاتی در میان توده ها مبارزه کرده اند خوب درک می کنند .

با اینهمه باید اذعان کنیم کبسه بدنهال مطرح شدن تئوری جنبش مسلحانه ایران بسیاری از نیروها بسودن درک عمیق این تئوری ظاهرا بسدان روی آوردند و گاه چهره هایی نادرست از اهداف جنبش مسلحانه عرضه داشتند و دست بحملیاتی زدند که مطابق با

نیات جنبش مارکسیستی - لنینیستی مسلحانه ایران نبود . باید صریحا بگوئیم که مضمون جنبش مسلحانه کمونیستی ایران مرکز با مضمون مبارزات توده ها در تحسارش نبوده است و اساسا هدف اصلی جنبش مسلحانه ایران بسیج توده ها حول محور جنبش مسلحانه وتوده ای کردن جنبش مسلحانه بوده است . جنبش مسلحانه کمونیستی ایران همواره معتقد به شرکت در مبارزات توده ها و پاسخ گویی بسه نیازهای عینی مبارزات توده ها بسود ه است و هم چنین قویا معتقد بوده است که هرگونه کار سیاسی و تشکیلاتی در میان توده ها ، در پیوندی ارگانیک با برنامه های تبلیغ مسلحانه قرار دارد ، و شروع تئوری که فکر این اصل باشد ریشه اپورتونیستی دارد . باید خاطر نشان کنیم که در شرایط حفقان شدید دیکتاتوری مطلق نظامی پلیسی در کشورهایی نظیر ایران هر نوع افشاگری سیاسی در قالب "تبلیغ

سلحانه" امکان پذیر است.

"افشاگری سیاسی" که در شرایط نیمه
دکراتیک که در جوامع طبقاتی مناسبتی
شیوه کار برای زمینه سازی کارسیاسی
تشکیلاتی در میان توده ها بشمار میروند
در شرایط ما که دیکتاتوری مطلقا بر جامعه
حکم میراند، و هیچگونه امکان دکراتیک
برای مبارزه وجود ندارد جای خود را به
تبلیغ سلحانه می دهد. این امر بدیهی
است که وظیفه اساسی مارکسیست-لنینیست
ها همیشه و در همه جا پایه سازی سیاسی
در میان توده هاست ولی در شرایط ما
تنها با توسل به تاکتیکهای تبلیغ سلحانه
است که میتوان باین مهم نایل آمد.

در سالهای ۱۰۰ و روسیه که شرایط
نیمه دکراتیک در جامعه روسیه وجود
داشت، رفیو، لنین افشاگری سیاسی را
تنها راه ایجاد شرایط مناسب برای کار
سیاسی - تشکیلاتی در میان توده ها
می دانست. در جریان انقلاب چین بعد
از ۱۹۲۷ و روستاها نقاطی بودند که تحت

نفوذ شدید دستگاه حاکمه قرار نداشتند
و عملا امکان کارسیاسی در میان توده های
دشمنی برای کمونیستها وجود داشت.
بهین دلیل نیز کمونیستها سالها با
خیال تقریبا آسوده بکارسیاسی در میان
توده ها پرداختند. ولی همین مسأله
در شرایط انقلاب ویتنام رنگ دیگری بخود
گرفت بطوریکه کمونیستهای ویتنام در پاره‌ای
مواقع تنها با ضربات نظامی بدشمن نبود
که می توانستند اعتباری در میان توده ها
بدست آورند و به پایه سازی سیاسی در
میان توده ها بپردازند و تازه این در شرایط
بود که شمال ویتنام آزاد شده بود و منظره
ویتنام سوسیالیستی در مقابل توده های
ویتنام جنوبی قرار داشت و نیروهای انقلابی
بیک مرکز قدرت واقعی متکی بودند، مرکز
قدرتی که در رأس آن رفیق هوشی میسن
کمونیست کبیر ویتنام قرار داشت. این امر
بدان علت بود که فشار بسیار شدیدی
دیکتاتور ی رژیم ژنرالهای ویتنام جنوبی
شرایطی ایجاد کرده بود که کمونیستها

در بسیاری مواقع نمی توانستند توده ها را به نتیجه بخشد، بودن فعالیت های خود امیدوار سازند، به همین لحاظ نیز امکان پایه سازی سیاسی در میان توده ها را از دست می دادند، و تقریباً شرایطی شبیه کمونیستهای ایرانی که در شرایط دیکتاتور^{ری} شاه مبارزه می کنند، پیدا می کردند، در چنین شرایطی استراتژیستهای برجسته حزب کمونیست ویتنام تنها راه چاره را اعلام میوه های قهرآمیز تبلیغ مسلحانه بمثابه راهنمای کار سیاسی در میان توده ها، توصیه می کردند * و بآن عمل مینمودند البته رفقای ویتنامی هرگز تبلیغ مسلحانه را امری جدا از امر توده ها نمی دانستند و دقیقاً به خاطر همین ان گشیدن توده ها دست به عملیات مسلحانه میزدند و از این * — این مسائل، در یکی از انتشارات درون سازمانی حزب کمونیست ویتنام بنام تبلیغ مسلحانه مطرح شده است این افریطورخصو می از طرف رفقای ویتنامی در اختیار سازمان ما قرار گرفته است، ما خواهیم کوشید با کسب اجازه از حزب کمونیست ویتنام ترجمه این اثر را بفراسی منتشر سازیم.

لحاظ تفویضها و غمگشان شباهت بسیار زیادی به تفویضها و اعمال راستین جنبش مسلحانه ایران داشته است.

باید توجه داشته باشیم که تبلیغ مسلحانه بشکل تام و تمام آن، و با مفهوم دقیق و علمی آن، شکل تبدیل یا فتسه "افشاگری سیاسی" در جامعه ما می باشد در جامعه ما افشاگری سیاسی (کار تبلیغی و ترویجی از طریق انتشارات، وسیع "جای خود را به "تبلیغ مسلحانه" می دهد که عبارتست از "عملیات حساب شده و افشاگرانه سیاسی — نظامی در پیوند ارگانیک با کار تبلیغی و ترویجی وسیع" در شرایط ما "تبلیغ مسلحانه" پایه ساز هر نوع کار سیاسی — تشکیلاتی واقعاً توده ای می باشد هر نوع کار صنفی و کار سیاسی در میان توده ها تنها حول محور تبلیغ مسلحانه و با تکیه بر یک مرکز قدرت انقلابی ممکن و میسر است، و در یک کلام "تبلیغ مسلحانه محور تمام اشکال مبارزاتی خلق ماست".

در زمینه فعالیت‌های تبلیغی و ترویجی و چگونگی آن نیز ما معتقدیم که این فعالیت‌ها باید متناسب با سطح آگاهی توده‌های میهن ما بوده و اساساً متکی بر مسایلی ملموس توده‌ها باشند، و پیش از اینک گام از خواست‌ها و مسائل روز مره توده‌ها فاصله نگیرند. در غیر این صورت فاصله مسایل مطروحه با مسایل توده‌ها بسیار زیاد شده و فعالیت‌های توضیحی ما جنبه روشن‌فکرانه و جد از توده‌ها بخود میگیرد. در شرایط کنونی ما وظیفه پیشگامان انقلابی نفوذ در میان توده‌ها با استفاده به تانک‌های تبلیغ مسلحانه می‌باشد، وظیفه واحد های نفوذی جنبش، شرکت در مبارزات توده‌ها و ارتقاء درخواست‌ها و شعارهای توده‌ها می‌باشد، تنها از این رهگذر است که می‌توان توده‌ها را از نظر سیاسی ارتقاء داد، نه با پخش کلاسیک‌های مارکسیستی در میان توده‌ها.

در خانه باید اضافه کنیم که خصلت عطیات تبلیغ مسلحانه را نه در شکل و

صورت ظاهری آنها که ممکن است یکسان بنظر برسند، بلکه در ماهیت گونه گون و متفاوت آنها باید جستجو کرد. عطیات مسلحانه در صورتیکه با برداشتی درست و علمی و مبتنی بر تفکر علمی تبلیغ مسلحانه ایران بمورد اجراء آیند خصلتی توده‌ای داشته، و اگر با درکی آوانتوریستی از مبارزه مسلحانه که این مبارزه را جدا از توده‌ها می‌پندارد بمرحله اجراء در آیند طبعاً ماهیتی توده‌ای نداشته و صرفاً بمنظورهای سیاسی عام، و بمنظور تهییج و جلب اقتدار، خرد بورژوازی و یا جلب افکار عمومی جهان به جنبش می‌توانند موثر واقع شوند.

هرگاه ما اساس برنامه‌های عطیاتی خود را بشیوه دوم متکی سازیم طبعاً در جلب توده‌ها به جنبش موفقیتی نخواهیم داشت، و ممکن است نسبت به نتایج عمل خود دچار یأس و سرخوردگی شویم، و در چنین صورتی این امکان نیز وجود دارد که با یک عقب‌گرد واپس‌نگرانه بسمت تفویض

بیفایده کار سیاسی صرف روی بیاوریم
همان تفویضاتی که جنبش مسلحانه
ایران بر خرابه های آن با استحکام کامل
پناهنده است. ما قویا ب همه نیروهای
جنبش مسلحانه توصیه می کنیم که با دیگر

آثار تفویض جنبش مسلحانه را مورد
مطالعه قرار دهند و بویژه به جزوه
درخشان رفیق شهید "بیژن جزینی"
تحت عنوان "چگونه مبارزه مسلحانه
توده ای میشود توجهی ویژه بدولدارند.

* * * * *

جنبش مسلحانه ایران و انقلاب منطقه

امپریالیزم جهانی بسرگردگی آمریکا،
بعد از شکست فضاحت بار در جنگهای
ضد انقلابی آسیای جنوب شرقی و دادن
تلفات سنگین، به استراتژی جدیدی
روی آورده است. این استراتژی جدید
که به "استراتژی نیکسون" شهرت یافته،
بر اساس روابط و مناسبات تواستعماری
کامل، با کشورهای تحت سلطه شالوده
ریزی شده است. بر طبق این استراتژی
فریبکارانه، امپریالیزم آمریکا، از این
پس رجعتی ا لطف و راز دخالت نظامی مستقیم
در جنگهای ضد انقلابی در مناطق مختلف

جهان خود داری کرده، و تمام کوشش
خود را صرف تقویت رژیمهای نظامی محلی
خواهد نمود. باین ترتیب امپریالیزم در
هر منطقه از جهان ژاندارمهای منطقه ای
خود را استوار می سازد، و ولایت سرکوب
انقلابات توده ای را از طریق این ایادی
منطقه ای خود بمورد اجراء می آورد.
رژیم ایران در منطقه خاورمیانه، رژیمهای
اندونزی و کره جنوبی در شرق آسیا و رژیم
نظامی فاسد برزیل در آمریکا، لاتین
نمونه های مشخص این دستاورد استعماری
ژاندارمی منطقه ای می باشند.

این استراتژی به امپریالیزم امکان می دهد که با خرج کمتر و تلفات کمتر با پول و ثروت خود خلقهای هر منطقه وسیله سرکوبی خلقهای آن منطقه را فراهم سازد . رژیم ایران هم اکنون مبالغه ناپذیر از ثروت ملی ایران را به جیب انحصارات نظامی و کارخانجات اسلحه سازی کشور های غربی می ریزد تا بتواند هرچه بهتر نقش خود را بعنوان ژاندارم امپریالیزم در خاورمیانه ایفاء نماید .

نقش رژیم ایران بصورت ژاندارم منطقه اینک در خاورمیانه تثبیت شده است ، دخالت پایدار رژیم ایران در جنگهای ضد انقلابی عمان و حضور دائمی ارتش ایران در خاک عمان ، نشانه بارز این نقش جهانی رژیم ایران می باشد .

اینک رژیم ایران نه تنها به سرکوب توده ها در داخل ایران ، بلکه بسرکوب جنبش های توده ای در سراسر منطقه ادامه می دهد .

اتحاد نامقدس رژیم ایران با رژیم های

ارتجاعی عرب بمنظور حفاظت منطقه نفت خیز خاورمیانه برای غارتگران امپریالیسم سیمای دیگری از این رژیم را بنمایش می گذارد . همکاری پنهانی رژیم ایران با دولت اسرائیل نقش دیگریست که رژیم ایران در خدمت به امپریالیزم و صهیونیسم برعهده گرفته است . بهمین دلیل است که نیروهای مترقی و انقلابی منطقه خاورمیانه رژیم شاه را با آن چهره بزگ کرده اش ، و با آن رزتهای دوستانه ای که گاه و بیگاه بمنظورهای صرفا تبلیغاتی در مقابل اعراب بخود می گیرد ، بخوبی می شناسند و این رژیم را همچون اسب تروای امپریالیزم در قلب منطقه خاورمیانه بشمار می آورند . آنها نیک می دانند کسه رژیم ایران در ظاهر با اعراب دوستی می ورزد و در باطن با امپریالیزم و صهیونیزم بر علیه اعراب همدستی می کند .

نیروهای انقلابی منطقه خاورمیانه با توجه به نقش ژاندارمی رژیم ایران در منطقه ، اهمیت بسیار زیادی به جنبشهای

انقلابی خلق ایران می دهند .

جنبش را انقلابی خلق ایران که امروزه
بارستاخیز سیاهکل و سازمانهای انقلابی
مسلح ایران مشخص می گردد ، مورد
تأیید کامل و حمایت نیروهای انقلابی
منطقه خاورمیانه قرار دارد .

آثار تفویض جنبش مسلحانه ایران
در میان انقلاب بین منطقه با اعمیست
ویژه ای مورد توجه قرار گرفته است بطوری
که انقلاب بین ظفار و فلسطین این آشکار
را بر زبانهای محلی خود ترجمه کرده و
در کلاسهای آموزش شری سیاسی خود این
آثار را مورد مطالعه قرار می دهند .

هم چنین شرکت رزمندگان سازمان
چریکهای فدایی خلق ایران در جنبه -
های نبرد فلسطین و ظفار و شهادت
این رفقا در جنبه نبرد منطقه ای ، به
همبستگی انقلابی میان جنبش انقلابی
ایران با جنبشهای انقلابی منطقه
خاور میانه بعد تازه ای بخشیده است .
انقلاب بین منطقه با چهره هایی ، همچون

علی اکبر صفائی فراهانی ، ایرج سپهری ،
فرهاد سپهری و محمد علی خسروی -
اردبیلی بخوبی آشنا هستند و شاعر
مبارزات بی امان این رفقا در کنار
برادران عرب خود در جنبه نبرد بر علیه
امپریالیزم ، صهیونیزم و ارتجاع منطقه
بوده اند .

پیامهای همبستگی سازمانها و
جنبه های آزاد بیخش منطقه که همه
ساله بمناسبت رستاخیز سیاهکل ، سالروز
آغاز جنبش مسلحانه ایران بسازمان ما
ارسال می شود ، نشانه احترام و علاقه
جنبشهای انقلابی منطقه نسبت به جنبش
انقلابی ایرانست ، جنبشی که نه تنها
متعلق بسازمان ما بلکه متعلق بتمام
گروهها و سازمانهاست که بر اساس
تئوری ظفر نمون تبلیغ مسلمانان ایران نبرد
می کنند .

اینک بیش از هر وقت دیگر شرایط بسرای
همکاری نزدیکتر جنبشهای انقلابی منطقه
خاور میانه با یکدیگر فراهم شده است

و جنبش انقلابی ایران در این میانه نقش
حماسی بر عهده دارد. ما تا آنجا
که در قدرت داشته باشیم در جهت
همبستگی با نیروی عسای انقلابی در منطقه
تلاش خواهیم کرد و در این راه
همانطور که تا بحال در عمل نشان
داده ایم از بذل جان نیز کوتاهی
نخواهیم کرد.

" زنده بساد رزمنده‌گی خلق ایران "

" بر قرار باد اتحاد نیروهای مسلح خلق "

ایران در زیر پرچم جنبش مسلحانه ایران

و با اتکا به تئوری ظفر نمون تبلیغ مسلحانه

ایران "

" بر قرار باد اتحاد نیروهای انقلابی

منطقه خاورمیانه "

" پیش بسوی توده ای کردن جنبش مسلحانه

ایران "

" با ایمان به پیروزی راهمان "

* سازمان چریکهای فدائی خلق ایران *

اینگونه اقدامات روشنفکرانه را با نیازها
و خواسته های توده ها تطبیق دهیم.
حمایت بی شائبه توده ها از عملیات ما
نشان دهنده صحت اصولی تاکتیکهای
سازمان ماست.

سازمان ما بر اساس تئوری آفرنسون
تبلیغ مسلحانه ایران به حمایت مسلحانه
خود و افشاگری توده های خود همچنان
ادامه خواهد داد.

(بنیه صفحه ۱۱۸)

بزیان ساده در تشریح اهداف توده ای
سازمان مادر نشریه "نبرد خلق" مخصوص
کارگران و زحمتکشان ایران انتشار یافت
ما در عمل از کارگران و زحمتکشان
ایران در مقابل دیکتاتوری وحشی
و خیانتکار شاه دفاع می کنیم و می کوشیم
فعالیت تبلیغی و توضیحی خود را برای
توده ها با اتکاء به عمل انجام داده و

"پیش بسوی توده ای گردن جنبش
مسلحانه ایران"



پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به هفدهمین کنگره کنفدراسیون جهانی

دانشجویان و محصلین ایرانی

رفقا! !

درد گرم ما را به مناسبست
تشکیل هفدهمین کنگره کنفدراسیون
جهانی بپذیرید .

برگزاری کنگره در سخت ترین شرایط
داخلی و خارجی کنفدراسیون قدی مهم
در حفظ دستاوردهای مبارزاتی توده های
دانشجویی در خارج از کشور است . نتایج
بسیار مثبت مبارزات خارج از کشور ، رژیم
سرسپرده محمد رضا شاه را که در شرایط
اعتدالی جفتش نوین خلق ، بوسه است

فعالیت های فاشیستی خود افزوده است
بر آن میدارد که اینگونه فعالیتها را بیش
از پیش در مورد مبارزین خارج از کشور
نیز توسعه بخشند .

از سال گذشته رژیم شاه تدارک سیسه
های مختلفی را در رابطه با دانشجویان
نیروهای مبارز خارج از کشور تهیه دیده
است که بسط قانون ۳۱۰ از آن جمله است .
در چنین شرایطی تشکیل کنگره
هفده در کنفدراسیون جهانی ، جوابی
به تهدیدها و فشارهای رژیم جنایتکار

شاه و نشانه ای از عزم راسخ مبارزین
خارج از کشور در مبارزه آشتی
ناپذیرشان با ارتجاع مستبد پهلوی
است. و قدیمی است در اعتلای جنبش
مترقی و دموکراتیک خارج از کشور، مسا
با اعتقاد به مثبت بودن این قدم پشتمانی
خود را از آن اعلام میداریم.

جنبش نوین خلق ما با گذارا ز
یک مرحله مبارزاتی سخت و پیچیده هم —
چنان در رشد ظفر نمون خود می باشد.
شمره جانبازیها و تلاشهای پیگیر پیشگامان
مسلح خلق جهت اثبات مشی مبارزه —
مسلحانه بعنوان تنها راه مبارزه علیه
رژیم فاشیستی شاه اینک تبلور خود را با
اعلام پیروزمند موجودیت سازمانهای مسلح
و امکان ادامه کار آنها به بهترین شکل
نشان می دهد. امروز دیگر رشد جنبش
مسلحانه همراه با استحکام سازمانی
و پذیرش این مبارزه از طرف دهها
گروه و سازمانیکه بعد از رستاخیز رسپادنگ
به مبارزه مسلحانه روی آورده اند و حمایت

و پشتمانی روز افزون آگاه ترین اقشار
خلق از پیشروان مسلح خویش و بپای معنی
تثبیت سیاسی — تشکیلاتی سازمانهای
مسلح در سطح جامعه، عملا هرگونه امکانی
را برای پخش اندیشه های فرصت —
طلبانه از مخالفین مشی مبارزه مسلحانه
سلب کرده است.

عمل انقلابی آن محکمی بود که میبایست
نادرستی نظریات فرصت طلبانه محفلهای
راکه در شرایط اختناق ایران، مانورهای
فهرارترجاعی — پلیسی رژیم، سرنوردگی
و عدم اعتماد توده ها به سازمانهای سنتی
با تبلیغ مشی باصطلاح سیاسی به عنوان
تنها شیوه مبارزاتی — در مقابل مبارزه
مسلحانه صف آرا می کرده بودند آشکار
نماید.

همچنین درست در جریان عمل انقلابی
بود که نشان داده شد — تحت یکسی از
بیشرترین و سفاکترین رژیم های ارتجاعی
تاریخ — ضروری ترین وظیفه انقلابیون
راستین و تنها امکان رسیدن به پیروزی

درمیهن ما، آغاز مبارزه مسلحانه بعنوان تنها شکل مبارزه سیاسی، حاصل واقعیات جامعه ماست.

در سالهای اول آغاز مبارزه مسلحانه سازمان ما با تشخیص دقیق، ضرورتهای مبارزه و وظایف مهم پیشقراولان انقلاب نشان دادن امکان مبارزه سیاسی - نظامی بوجود آوردن جو سیاسی، شکستن تصور قدر قدرتی رژیم در ذهن آماده ترین عناصر و مردم سازماندهی انقلابی آماده ترین عناصر مبارزه، بعجلب و متشکل ساختن آماده ترین عناصر پرولتاریا در دستور کار خود قرار داد و با حرکت از تحلیل شرایط موجود و واقعیتهای جامعه ما آغاز مبارزه مسلحانه را بعنوان ضروری ترین وظیفه انقلابیون راستین و تنها امکان رسیدن به هدفهای فسوق اعلام داشت. مبارزه مسلحانه بسراوس سازمان ما مضمونی کاملا سیاسی داشت و بعنوان مبارزه سیاسی - انقلابی آغاز شد. تجربه چند سال اخیر نشان میدهد که سازمان ما تا چه اندازه از واقعیات ارزیابی

درست و علمی داشته است. همه محفلهای باصطلاح سیاسی یابدام رژیم افتاده و نابود شدند و یا در بین بست طبیعی خود - دربی عملی و ترس از آغاز عمل و در شناخت از عدم تأثیر گرد هم آیی - های خود - پاشیده و نابود شدند.

رققا!

امروز شرایط مبارزه بمدد فداکاری صدها فرزند انقلابی زحمتکشان ایران، با فعالیت شبانه روزی انقلابیون مسلح کار سیاسی - تفویک آنان و عملیات مسلحاً بنفع انقلابیون تغییر یافته است. سازمان ما پراز تثبیت سیاسی - تشکیلاتی پس از اعلام پیروزمند موجودیت و امکان ادامه کار انقلابی خود بیش از پیش در این راه گام بر میدارد که پلهای تماس فشرده تشکیلاتی - سیاسی را به میان توده های زحمتکش بمیان کارخانه ها و توده های کارگران محکم سازد. ما بکمک کارهای کارگسوی که از میان توده های پرولتاریائی سازمان ما پیوسته اند بکمک آگاه ترین و آماده ترین

تدارك و عمل سازماندهی عناصر پرولتاریائی
 بوسیله این هسته ها بیان توده های
 کارگر، کارخانه ها و کارگاهها محل تجمع
 زحمتکشان است. با صیقل سلاح تئوریک
 خود در پراتیک انقلابی و بردن تئوری
 انقلابی مارکسیسم - لنینیسم بیجان
 کارگران بهمراهی و توسط آگاه ترین
 عناصر پرولتاریائی که به محیط کار و -
 زندگی توده های زحمتکش، بیش از هر
 عنصر دیگر آشنا هستند و خود بطور
 طبیعی در آن محیط زیست می کنند. زمینه
 سازماندهی حزب را از درون خود طبقه
 و بدست پر توان توده پرولتاریا آماده
 میسازیم. تحلیل ما این است که با رشد
 هرچه بیشتر تضاد های سرمایه داری -
 جنبش خود بخودی کارگری وسعت خاصی
 خواهد یافت و با آمادگی مادر زمین
 تشکیلاتی و تئوریک و جوهر خوری عناصر
 پیشرو با توده طبقه در مبارزه حاد طبقاتی
 کارگران جنبش انقلابی پرولتاریا با غنای
 بینظیر تشکیلات وسیع انقلابی پیشاهنگ

عناصر پرولتاریائی امروز ایران با سلاح
 مارکسیسم - لنینیسم بآن وظیفه مهم است
 می یازیم سازمان ما با آغاز ضروری مبارزه
 مسلحانه و ادامه آن در پیرویه کار سیاسی
 و انقلابی پیچیده جدائی پیشو و از توده
 را مرتفع می سازد. هر روز که می گذرد
 با استفاده از نتایج مبارزه مسلحانه، با
 تثبیت سازمان در تئوری و عمل امکان
 وسعت بخشی و نفوذ در میان پرولتاریا و
 بردن تئوریهای آزادی بخش مارکسیسم
 - لنینیسم بپیمان توده های زحمتکش
 و آشنا ساختن آنان باین تنها سلاح
 موثر انقلابی بیشتر میشود و ما موفقیتهای
 بیشتری بدست می آوریم. بر اساس زمینه
 علفی و شرایط مادی و دستاورد های مبارزه
 مسلحانه هر چه بیشتر کار مستقیم در میان
 توده های کارگری در دستور کار سازمان
 ما قرار دارد. اتمام فاتح یکی از عملیات
 مسلحانه کهگی ما در خدمت برنامه فوق
 است.

خلاصه کنیم. سازمان ما امروز در

حمله سرمایه تمام منطقه و حاکمیت بوسیله
 این مرکز تنظیم کننده میبایست انجام
 پذیرد و امروز عملاً در بسیاری موارد انجام
 می پذیرد در خدمت این استراتژی غارتگرانه
 و استثمارگرانه سرمایه داری جهانی است
 که سرمایه جهانی بدست عامل خود رژیم
 شاه به صنعتی کردن بخشهایی از تولید
 گمر بسته است. از آنجائی که این نقشه
 ها در خدمت مفاع استثمارگرانه سرمایه داری
 جهانی انجام می پذیرد و هدف سود بگیری
 هرچه بیشتر استثمارگران داخلی و خارجی
 را تأمین و تعقیب می کند و با در نظر
 گرفتن شرایط و مرحله امروز سرمایه داری
 جهانی، رشد سرمایه داری ایران رشدی
 سرطانی، ناهماهنگ و مملو از تناقض است
 و نمی تواند بصورت کلاسیک عمل کند.
 سرمایه داری ایران از همان ابتدائاً تنها
 مملو از تناقضات شکننده و بلکه از نظر
 تاریخی و جهانی سیستمی عقب افتاده
 و ارتجاعی است و نمی توان آن را بطور
 مکانیکی و با معیارهای تاریخ جوامع اروپائی

با بعرضه نبرد نهائی طبقاتی خواص نهاد
 این شرایط جدید ریشه اصلی خود را در
 شرایط مادی جامعه دارد مناسبات سرمایه
 داری ایران رشد و گسترش می یابد. رشد
 سرمایه داری ایران هرچه وسیعتر بسبب
 پرولتاریزه کردن زحمتکشان مادی انجام میدهد
 زحمتکشان ده و اقشار تحتانی خرد
 بورژوازی خصوصاً بخشهایی وسیع از دهقانان
 و همچنین از کسبه و پیشه وران استقلال
 اقتصادی و مالکیت های کوچک خود را از
 دست داده و بصوف پرولتاریا رانده
 میشوند. این روند از نظر کمی به وسعت
 صفوف پرولتاریای ایران منجر میشود. سرمایه
 داری جهانی بر اساس تقاضاهای غارتگرانه
 و سودجویانه خود در رشته های مختلف
 صنایع را گسترش میدهد. گسترش و گسترش
 بازارهای منطقه یکی از خواسته های مهم
 سرمایه داری جهانی است. ایران بسبب
 مرکز اصلی و پایگاه سیاسی تجاوزوا استثمار
 سرمایه در منطقه بدل شده است. وسعت
 بخشی و نفوذ و کنترل بازارهای منطقه بسا

در قرون گذشته ارزیابی کرد. و بسـ
 بهانه متکامل بودن سرمایه داری نسبت
 به فتودالیزم سرمایه داری ایران
 را مرفقی دانست. سرمایه داری ایران
 هم امروز یعنی در پروسه بسط و گسترش
 خود مناسباتی محکوم و ناتوان است
 و رسالتی تاریخی ندارد. در عصر
 انقلابات آزاد بیخشن طبقاتی و دوران
 فر توتی سرمایه داری جهانی یعنی در
 غروب تاریخی سرمایه و طلوع سوسیالیسم
 ر شد سرمایه داری در یک جامعه عقب
 افتاده و ارتجاعی است. و این آن اصل
 اساسی است که اختلاف ارزیابی از رشد
 سرمایه داری در جوامع را در عصر
 فتودالی در عصر فر توتی سرمایه داری
 (امپریالیسم) مشخص میسازد. بهر مضمول
 سرمایه داری ایران نه تنها بطور عینی
 خصوصیات ر شد سرمایه داری کلاسیک
 جوامع اروپائی را ندارد و شکل بیمارگونه
 و مسمخ شده ای بخود گرفته است بلکه
 همچنین رسالت سرمایه داری قرون

گذشته را نیز نداشته اساساً از نظر
 تاریخی و مقضیات دوران همانند او ر که
 گفته شد عقب مانده و ارتجاعی است.
 صنعتی شدن بخشهایی از تولید
 نیز با پروسه صنعتی شدن کشورهای
 کلاسیک سرمایه داری تأثیرات اجتماعی
 و هدفهای مختلفی دارد و در این زمینه
 نیز مفهوم و ارزیابی بابا مصیاری کلاسیک
 صورت نمی گیرد این صنعتی شدن در عصر
 و شرایطی که ذکر کردیم نه قومی بسـ
 نفع جامعه و توده های مردم بلکه قومی
 اساسی در تحمیل و توسعه استثمار
 و حشیانه زحمتکشان - در خدمت منافع
 سرمایه داری جهانی و حفظ حاکمیت
 آن در ایران و منطقه میباشد. در دوران
 که ما در آن زیست می کنیم و در شرایط
 امروز جهانی و تاریخی تنها سوسیالیسم
 و پیشرفت صنعتی در خدمت ساختمان
 جامعه عاری از استثمار از نظر تاریخی
 مرفقی بشمار می رود. لیکن ارتجاعیون
 بدون آنکه خود بخوابند گور خود میکنند

و با هر عمل خود این گور را عمیقتر میسازند تا لاشه متعفن مناسباتی را که از نظر تاریخی نفی شده است. با کلیه دفا تر و قوانین و حاملین این مناسبات بتوانند در خود مدفون کنند صنعتی شدن رشته های مختلف تولید - صنعت مدرن تنها بوجود آورنده پرولتاریا بلکه منجم کننده آن و باعث صعود زحمتکشان نیز هست. هر قدم سرمایه داری در این زمینه تأثیری کیفی بر روی زحمتکشان میگذارد و برخلاف تصور به هدف و خواست سرمایه داری به توده های که از نظر کمی گسترش می یابند کیفیت خاص میبخشد در یک کلام پرولتاریای ایران از نظر کمی و کیفی بارشد سرمایه داری رشد می کند و ما امروز شاهد این رشد سریع هستیم. طبقاتی شدن هرچه سریعتر و بیشتر جامعه به پرولتاریا و بورژوازی - قطعی شدن اقتدار بیانی، صعود و سقوط بخشهایی از آن به صفوف بورژوازی و پرولتاریا را بهمراه دارد که البته با تجدید تولید مرتب این

اقتدار در جامعه سرمایه داری همراه است این امر نه تنها بطور عینی در حرکت طبقاتی واقع میشود بلکه هم اکنون انعکاس ذهنی آن در میان عناصر و گروههای متعلق به این اقتدار به صورت حرکت تحت سوری آید ثلویزی مشخص بورژوازی و پرولتاریا مشاهده می کنیم. بطور خلاصه بسط و توسعه سرمایه داری و بهمراه آن رشد کمی و کیفی پرولتاریا گورکن سرمایه داری وظایف بررسی دارد، دستور کار کمونیستها قرار میدهد.

آهنگ سریع این تغییر و تبدیل حکم میکند که سازمان ما هر چه بیشتر و مسئول تر به ادای وظیفه مهم و اصلی خود یعنی تشکیل و تجهیز پرولتاریا در مبارزه طبقاتی و از درون آن ببرد از درست بهمین دلیل است که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران آزموده شده در صحنه نبرد قهرآمیز انقلابی خود را بیش از پیش در این جهت در خدمت آن وظایف مهم قرار میدهد.

یکی از اشکال سیاسی - تشکیلاتی کار در میان کارگران که بر اساس تجربه ما

بهترین شکل سازماندهی غیر سیاسی -
 نظامی و شرایط اختناق می باشد و نوعی
 فعالیت صرفاً سیاسیست تشکیل هسته -
 های کارگری میباشد . البته واضح است
 که چنین فعالیتی تنها در ارتباط و با
 پشتیبانی تبلیغ مسلحانه ممکن است .

بنابراین چنین شکلی از مبارزه فقط
 باعتبار وجود جنبش مسلحانه قادر به
 ادامه حیات و سودمند خواهد بود . در
 غیر این صورت این شکل از مبارزه بیک نوع
 کار سلولوی بسته منجر میشود که باعث
 پوسیدگی تشکیل دهنده گانش خواهد
 شد . ما در نوشته های دیگر خود بکسار
 دسته ای در میان کارگران اشاره خواهیم
 کرد در اینجا یکی از اشکال مشخص کسار را
 که هنوز در مرحله ابتدائی است بیسان
 داشتیم . ما اعتقاد داریم که آمیختگی عناصر
 آگاه و انقلابی در درون مبارزه بانوده های
 کارگر - همپای - هماغه ساختن
 و راجعاتی سیاسی انقلابی مبارزات
 زحمتکشان محمولی تاریخی ، حزب طبقه

کارگرایران را خواهد ساخت و سرانجام
 انقلاب ایران از این طریق بشهر خواهد
 رسید . این گذار پیروزمند از مرحله تدارک
 انقلابی ، آنچه می باشد است که چریک های
 فدائی خلق ایران بخاطر آن جان خود
 را فدا کرده و می کنند . در چنین شرایطی
 مبارزه مسلحانه زمینه سازی ضرورت
 و مناسب برای قدم های بعدی ما بوده
 و هست و اعتقاد داریم که بدون مبارزه
 مسلحانه ، انقلاب ایران هرگز پیروز
 نخواهد شد . ما اکنون بمدد کوشش
 انقلابی از پشتیبانی وسیع برخورداریم
 و این امر کمکی می کند که با قدم های
 مصمم براه خود برای پیروزی پرولتاریای
 ایران ادامه دهیم .

قبل از اشاره به اعمال ترور رژیم شاه
 لازم می بینیم از آنجائی که اخبار عملیات
 و فعالیتهای ما در سراسر جهان منتشر
 شده است فقط ذکر کوتاهی در اینجا
 بیاوریم . صرف نظر از فعالیتهای سیاسی
 وسیع ، پخش اعلامیه ، بیانیه ، ارگاسان

سازمان نبرد خلق و دیگر فعالیتهای مخفی، سازمان که عطیات مسلحانه مختلفی دست زده است. علاوه بر اعدام فاتح یزدی که ذکر آن رفت مهمترین عملیات عبارت بودند از اعدام سروان بداله نوروزی افسرگارد ویژه مأمور سرکوب تظاهرات دانشجویی در ۲۲ و اسفند ۵۳ در همبستگی با دانشجویان ایران، اعدام نیک طبع شکنجه گر محرومه، سازمان امنیت در همبستگی با زندانیان سیاسی، اعدام عباس شهریار، جاسوس کهنه کار سازمان امنیت کسه در دستگیری صدها مبارز نقش تعیین کننده داشته است، انفجار محلهای پلیس و سازمان امنیت در شهرستانها و مرکز سازمان امنیت در تهران در روز بزرگداشت ۹ بهمن روز رستاخیز سیاهگل از جمله فعالیتهای مؤثر سازمان ما در بخش عملیای مسلحانه بود. اهمیت این فعالیتهای بیخبر تأثیر آن بر روی مردم که هدف اصلی شما در هر روز در زمینه امکانات اجرایی زمانبندی روشن میشود که میلیتاریزه شدن کامل

شهرها و دهات را از طرف رژیم شاه در نظر بگیریم.

رفقا!

سالهاست که رژیم منفور پهلوی حکومت نظامی مخفی بر پهنه کشور ما گسترده است. این حکومت نظامی، در شهرستانهایی که مبارزات مردم در آنجا شدت خاصی دارد آشکارا عمل میکند. ساواک و مؤسسات مربوطه اش از جمله کمیته باصطلاح ضد خرابکاری ابعاد فعالیت خود را بسزای سلب هرگونه آزادی از مردم گسترده ساخته اند. گشتی های سیار پلیس در شهرستانهای مختلف و بخصوص در تمام نقاط تهران پراکنده شده و به ایفای نقش ضد خلقی خویش مشغولند. کنترل کسارت شناسائی و ضرب و شتم مردم در خیابانها جز برنامه های عادی گروههای گشتی است علاوه بر این رژیم از یورش وحشیانه به خانه های مردم نیز ابائی ندارد. خانه گردی های شبانه مأمورین مزدور شاه که با آشکار شدن چهره پلید و جنایتگر

سازمان امنیت همراه است، تنفر عمیق مردم را بر وی انگیزد. در ادارات، مدارس در تمام مؤسسات اجتماعی، رژیم با گداختن جا سوسان مخفی و علنی سعی در ارباب خلق ما دارد در سطح دانشگاه ها علاوه بر حضور دائمی گارد مزدور کسه وظیفه کنترل و سرکوب مبارزات صنفی - سیاسی دانشجویان را بعهده دارد، جهت رخنه و اخلاص در جنبش های دانشجویی از وجود دانشجویانی کسه تعهد خدمت در ارتش را به ازاء ورود به دانشگاه پذیرفته اند استفاده میشود.

فاشیسم پهلوی در مورد زندانیان سیاسی نیز با برنامه ای حساب شده ابراز قدرت مینماید رژیم در تمام مدت سال جاری هیچ زندانی را که محکومیتش تمام شده است آزاد ننموده و حتی تعدادی را هم که آزاد ^{بود} نموده دوباره دستگیر کرده است. شکنجه فرزندان مبارز خلق در شکنجه گاه های رژیم هم چنان با شدت تمام برقرار است. رژیم

در منقش شاه حتی از شکنجه مادران و خواهران شهدا و زندانیان سیاسی نیز پرهیز نمی کند. هم اکنون مادر و خواهر مجاهدین شهید رضائی ها، مساداران مجاهدین اسیر حسن کبیرکجا بیژن امینی و همسر مجاهد محمد محمدی و همچنین مادر چریک فدائی خلق رفیق اشرفی دهقانی و فدائی شهید رفیق بهسر و ز دهقانی در زندانهای رژیم تحت شکنجه و آزار و توهین مأمورین کثیف و بیش سرم شاه قرار دارند. کشتار وحشیانه ۹ نفر از انقلابی ترین و پاکبخته ترین فرزندان انقلابی خلق، هفت رفیق گروه جزئیسی وابسته به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و دو رفیق مجاهد در زیر شکنجه های قرون وسطائی نمایشگر بشری و سفاکی بیحد فاشیسم پهلوی است. توی از این - گیری مبارزات خلق حتی نیروهای مزدور شاه را از کشتن فرزندان خلق در روز روشن و در برابر چشمان هزار نفر باز نمیدارد. قتل حمید خلیلی دانشجوی

مبارز دانشکده علم و صنعت و دانشجوئی
 رزمده دیگری از دانشگاه صنعتی بیابان
 این وحشت رژیم ددغتر است.

نفرت و وحشت نیروهای مزدور رژیم
 از چریکها که به اعتقادشان درهم شکندند
 "جزیره ثبات و امنیت" و عامل آگاه و مسببین
 اصلی خیزشها و تظاهرات و اعتصابات
 اقشار مختلف مردم هستند باعث میشوند
 که به تجهیز دیوانه وار نظامی دست زنند
 رژیم برای کشتن یاد ستگیری حتی دو نفر
 از چریکها به بسیج وسیع ترین نیروها
 مبادرت میورزد. در درگیری مسلحانه ای
 که در تاریخ ۶ خرداد ۴۵ بین نیروهای
 مزدور و واحدهائی از چریکهای فدائوسی
 خلق ایران پیش آمد: به علت مقاومت
 بی نظیر رفقا در این نبرد دشمن علاوه بر
 تمام تجهیزات نظامی از هلیکوپتر بمباران
 هوایی نیز استفاده نمود.

جنایات شاه علیه خلق رزمده ما
 به همینجا ختم نمیشود.

اعتلای روز افزون جنبشهای کارگری

رژیم را سخت دچار نگرانی و وحشت نمود
 است. رژیم برای جلوگیری و سرکوب این
 جنبشها اگر چه با برنامه ای تنظیم شده
 تطبیح، فریب، اختلال و ارباب دست اندر
 کار است لیکن رشد کمی و کیفی مبارزات
 کارگری در اغلب مواقع ماسک را از چهره
 درنده خوی رژیم بر میدارد. بخون کشیدن
 اعتصاب کارگران شاهی در تیرماه ۴۵ نشانه
 دیگری از برخورد های فاشیستی شاه بسا
 مبارزات حق طلبانه کارگران است. در حال
 حاضر سیاست عمومی رژیم در مقابل این
 جنبشها دادن رشوه و امتیاز به عده ای
 از کارگران و به این ترتیب قصد ایجاد
 تفرقه در بین آنان و در آخر جهت جلوگیری
 از باروری امید مبارزاتی در آنان، بازداشت
 و یا اخراج عده ای از کارگران می باشد.

ماهیت ضد خلقی رژیم عامل امپریالیسم
 عملکرد های ارتجاعی دیگری در سطح جامعه
 مابوجود می آورد. مسأله گرانی و تورم
 بیش از حد در ایران و نحوه مبارزه بسا
 گرانی که ماهها ظاهرا در صدر برنامه های

خارجی و کالاهای تولید شده بوسیله رژیم ایران همراه با اعزام نیرو به عمان و ساختن پاینگ‌های هوایی و نظامی در شیخ نشینها، نشانده چگونگی اجرای این برنامه‌های تجاوزگرانه امپریالیستی است. خلق مقاوم عمان در مبارزات خلعهای منطقه با زحمتکشان ایران همیشه و دارای منافع مشترک است. خلق قبرمان فلسطین از دیرباز همبستگی خود را با مبارزات خلعهای ایران نمودار ساخته است. میدان نبرد انقلابی ایران و عمان و فلسطین به میدان نبرد واحد بسط می‌شود و در توسعه خود تمام منطقه بسط میدان نبرد انقلابی واحد تبدیل خواهد شد. نزدیکی ارتجاع منطقه زیر سایه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا همبستگی نیروهای انقلابی منطقه را ضروری می‌سازد. نقش رژیم شاه در منطقه تمرکز مبارزه علیه این رژیم را باعث می‌کند از این رو روند انقلابی ایران برای منطقه و از نقطه نظر برنامه‌های امپریالیستی

رژیم است از ماهیت ارتجاعی او جدا نیست و در این رابطه تشدید تضادهای درون سرمایه‌داری مبارزه درجه شدید تر دولت و بخش‌هایی از بورژوازی ایران اثرات قابل توجهی بر جامعه ما بجای می‌گذارد. بنه خارجی ترور و فشار رژیم پلیسی شاه در توضیح کوتاه زیر مشاهده می‌شود.

رژیم شاه قویترین و بزرگترین پایگاه امپریالیست‌ها در منطقه است. این رژیم تحت تزارهای امپریالیسم جهانی وظیفه دارد: نیشهای خلعهای منطقه را نابود سازد و از منافع امپریالیست‌ها حفاظت و حراست کند. ارتش و دستگاه اداری و پلیسی رژیم حافظ منافع سرمایه‌داری جهانی و مأموران رای برنامه‌های اقتصادی و سیاسی امپریالیست‌ها می‌باشد. در این برنامه تبدیل ایران به مرکز سرمایه‌داری منطقه و تجاوز آن به جوامع مختلف و نفوذ و توسعه بازارهای کشورهای مختلف منطقه توسط نفوذ سرمایه‌های مختلف

برای گل جهان اهمیتی خاص دارد. این اصل باعث میشود که امپریالیستها و رژیم وابسته شاه خود را هر روز بیشتر تجهیز کنند نیروی نظامی و پلیسی خود را گسترش دهند فشار بر روی انقلابیون ایران را افزایش دهند و بخون کشیدن و هر حرکت مبارزاتی و اعتراض در ایران و در منطقه را در دستور فوری کار خود قرار دهند. جنبه خارجی آن یعنی چگونگی تجاوز شاه به یمن و عمان را شامل از طریق رفقای انقلابی با جبهه آزاد بیخشم عمان دریافت داشته اید و از آن مطلعید. از این نقطه نظر به تفصیل به آن نمی پردازیم.

باین شرایط و نظم بخشی پلیسی عوامل جدیدی اضافه میشود. حزب سازی رژیم شاه و قانون گذاری او مکمل برنامه امپریالیستها در خدمت تثبیت وضع سیاسی قدرت حاکم، نجات رژیم از انفراد کامل و جذب و بسنج سیاسی توده های مردم و سرکوب همه جانبه تر جنبش مردم است. شکست نیست که حزب سازی رژیم با قانون

گذاری او در بخش متفاوت از برنامه امپریا- لیستها باد و هدف مختلف است. حزب رستاخیز شاه عمدتاً وظیفه دارد با بسیج سیاسی توده و به پاداشتن تشکیلات و رهبری منظم، به کمک شمارهای ناسیونال شورینستی و با شمارها و اهداف سرمایه داری ترقیخواه پایه محکم برای رژیم دیکتاتوری منفرد سلطنتی بوجود آورد.

قانونهای رنگارنگ رژیم و از جمله بسط قانون سیاه ۳۱۰ موظفند سلاح رعب و سرکوب بوده و تبلیغ وادادگی و سازش کنند.

حزب رستاخیز بر اساس منافع اقتصادی - سیاسی سرمایه داری طرح ریزی شد و بسط مرحله اجراء آمد و قانون افزایش جرایم سیاسی ابزار کمکی رعب و سرکوب در خدمت دستگاههای پلیسی و امنیتی است. سرمایه داری ایران با رونمای حکومتی - سلطنتی - استبدادی و شیوه های پلیسی - فاشیستی این هر دو را تمام و کمال لازم دارد. اگر حزب رستاخیز کاملاً متوجه داخل کشور میباشد قوانین ارتجاعی متوجه خارج از کشور

نیز هست، با شناخت از شرایط امروز ایران و تأثیر مبارزه مسلحانه و رشد تضاد های عینی همراه با حرکت های اعتراضی - مطالباتی زحمتکشان و بنا توجه به نفرت تاریخی خلق قهرمان ایران نسبت به رژیم منفور پهلوی اعتقاد داریم که این هردو بخش از برنامه با شکست مفتضات آن ای روبرو خواهد شد. ما همه قدرت خود را بنا بر خواستیم بست تا توده های مردم را از ماهیت این عملگردهای فاشیستی مطلع سازیم و این توطئه های ارتجاعی را درهم بشکنیم. جواب خلق، جواب زحمتکشان ایران به این مسئله ها تنها و تنها مبارزه است.

همه گروه ها، سازمانها، احزاب مترقی میبایست در این پیکار ضد فاشیستی شرکت کنند و چریک های فدائی خلق ایران بنا به وظیفه خود در پیشاپیش صف ضد فاشیستی آماده مبارزه اند. ما اجازه نداریم و باوقوف به شکست این برنامه ها و با آاهی به اعتراضات و نفرت مردم نسبت

به این توطئه ها ساکت بنائیم. در نزد مسی راکه ارتجاع برای قدرت فاشیستی خود در پایه و در بالا بر میدارد میبایست بنا همه قدرت با آن مبارزه شود.

با توجه به این مسائل و وظایف تشکیل ها و سازمانهای که با برخورداری از شرایطی بالنسبه آزاد و دسترسی به افکار عمومی در اختیار دارند مشخص میشود: ،

کنفدراسیون جهانی در طول تاریخ خود همواره به عنوان پشتیبان جنبش مردم کشور و بخشی از جنبش ضد امپریالیسم مردم ما به وظایف خود عمل کرده است.

اعتقاد داریم که شما با احساس مسئولیت در قبال جنبش داخل کشور و ادای این وظیفه مهم موفق خواهید شد. در آخر لازم می بینیم که پیشنهادات مشخص خود را با شما در میان بگذاریم که با توجه به شرایط مبارزه دموکراتیک و ضد امپریالیستی خارج از کشور بدان عمل شود.

دفاع از جنبش خلق در داخل کشور و اعلام پشتیبانی از این جنبش، گسترش و

جهت جلب و سیاحتین پشتیبانی بین المللی برای آن ، وظیفه مرکزی د فاعی کنفدراسیون جهانی است . مبارزه علیه رژیم ارتجاعی و متش شاه جدا از اصل فوق موفق نخواهد شد بشود . در دفاع از جنبش خلق باید کوشش داشت که دفاع همه جانبه و از همه بخشهای جنبش رعایت شود . در شرایط امروز ایران فشار و ترور رژیم به وحشیانه ترین وجهی صوجه مبارزین انقلابی جنبش سلححانه است و از این رو تشدید مبارزات شما و پشتیبانی و دفاع از انقلابیون و جنبش انقلابی درون کشور ضروری بود و خود تشدید مبارزه علیه رژیم شاه و امپریالیسم جهانی است . تبلیغ و سیاحت مقاومت مبارزین در زندانها ، اعلام پشتیبانی از این مقاومت و جلب محافل بین المللی در دفاع از زندانیان مبارز سیاسی و از انقلابیون در رند محلی و الا در برنامه مبارزات د فاعی شما در آمیبا شد و فقط باید کوشش کنند و در ایمن زمینه برای افشای کامل رژیم تروریستی ————— فاشیستی پهلوی جمله محاکمه عمومی فاشیستهای پهلوی و شخص شاه نظامی

آنچه علیه جنایات امپریالیسم آمریکا و برای خلق قهرمان ویتنام صورت گرفته است بسیار همکاری سازگانه های عناصر معروف شرقی تشکیل دهند . این اقدام که فشار افکار عمومی جهانی را به همراه خود خواهد آورد در موضع زندانیان سیاسی ایران تأثیر بزرگ خواهد داشت . صرف نظر از این تأثیر که می در جهت رسوا ساختن بیشتر فاشیسم پهلوی و سیاحت پشتیبانان در دفاع از مبارزات خلق قهرمان ایران است ، سازمان شما باید با همه قدرت با پشتیبانی از خانواده زندانیان سیاسی و مبارزین جنبش سلححانه ، بوسیله محکمی های مادی اعلام موضع کند اهمیت این صبا همیشه ترخاطر اعلام پشتیبانی ایرانیان خارج از کشور و موجب دلگسری کسانی است که با شهادت و از خود گذشتگی دراز دست دادن عزیزترین کسان خود تحت شدیدترین فشار سازمان امنیت ایستادگی می کنند .

باید کوشش شود که دفاع و پشتیبانی از جنبش انقلابی درون کشور و همه حرکت های ضد رژیم عناصر گروه ها از نظر تشکیلاتی

آنچنان سازمان داده شود که هم فعالیتهای دموکراتیک گسترش ضروری باید و هم گونه این فعالیتهای دتناقض با فعالیتهای دقیق تر سیاسی واید دولتی و انتقال نهایی آن به محیط داخل کشور قرارنگیرد. شما بخوبی به فعالیتهای پلیسی رژیم در خارج از کشور و ابزارهای رعب و ترور آن آشنایی دارید و بنابراین ما صریح نمی دانیم که چگونه انتخاب روشهای لازم را از درون کشور بشما ارائه دهیم. شما خود در محیط عمل بهتر می توانید به تشخیص و پیدا کردن راه حل مشکلات دست یابید. ما اعتقاد داریم که شما احتیاطات لازم را نه بسبب قیمت گم شدن و غیر موثر شدن مبارزه دموکراتیک علیه رژیم و اصرار ایسم جهانی و با محدود شدن شرکت توده دانشجویی و ایرانیان خارج از کشور در این مبارزه بلکه بصورت تنظیم منطقی هر دو گونه فعالیت ضروری در خارج از کشور انجام خواهد داد. امروز زمان تشدید مبارزه

در همه سطوح و نه زمان تضعیف آن است. رفقا! رژیم شاه گمان میکند با تانسون سازی قلابی و سلاح معروف ترور و ترس فشار و تجاوز میتواند توده ایرانیان خارج از کشور را از مبارزه بحققان باز دارد. سالهاست که رژیم و دیکتاتوری پهلوی هیچ امکان دیگری برای مقابله با جنبش خروشان مردم نمی یابد باید جواب جنبش سازی و قانون پردازی رژیم را با تشدید مبارزه ضد فاشیستی داد. تاریخ پیروزی های زحمتکشان جهان بمانی آموزند کسه جواب هر قهرارت خاصی تنها و تنها مبارزه موثر و اعمال قهر متقابل است. جواب دستگاه تروریستی رژیم شاه تنها مبارزه است. صفوف خود را فشرده تر سازید. جنبش انقلابی تثبیت شده و به پیش میرود. بنا به قدرت و امکانات خود این جنبش را پشتیبانی کنید. رژیم ترور را افشا سازید از همه نیروهای آماده و مسئول برای مبارزه با این رژیم استفاده کنید. شمار مبارزه قاطع و بی قید و شرط برای نابودی رژیم

استند که بمثابة بخشی از جنبش خلق
مشکلند علیه ارتجاع خونخوار پهلوی به
نبرد برخاسته اند .
دستان را می فشاریم و برای کنگره شما پیروزی
آرزوی کنیم .

دست نشاندۀ پهلوی و مبارزه علیه
امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم
آمریکا را در سطحی هرچه وسیعتر تبلیغ
نمایید . ما برای شما موفقیت آرزوی کنیم
و خوشحالیم که در خارج از کشور نیرومائی

* با ایمان به پیروزی راهمان *

* سازمان چریکهای فدائی خلق ایران *

دیماه ۱۳۵۴

* کینه ————— *

کینه قلبم را میفشارد ، خون در چشمهایم جمع میشود
رفیق را در رویای منیم — یک رفیق شهید ، با هم راه می رویم باز به باز
با لباسهای ژنده ، در قهوه خانه می نشینیم و به آینده نگاه می کنیم
دوباره بسراه می افتیم — از لابلای خلق
صحت بر سر این است که امروز چکار شدنی است
چگونه نیروهای آماده خلق را باید سازمان داد
چگونه برای بیدار کردن نیروهای نهان توده راه گشود
ما هر دو چریک فدائیان خلقیم — با آرزوهای بلند
آرزویمان پیروزی پرولتاریاست ، آرزویمان زندگی بهتر برای توده هاست
ما هر دو تحت پیگردیم — پیگرد دشمن خونخوار، شاه جنایتکار — اربابان بیگانه فارتگر
ما جان برکف ره میسپاریم — راهی طولانی ، مزدوران طراپیدا میکنند بمبرویمان آتش میکشایند
رفیق با نعره پیروز باد خلق سلاح میکشد ، و پس از نبرد شهید میشود .
دستم بروی ماشه است ، کینه قلبم را می فشارد .
توده یک فرزند خود را از دست داده است ، دریای خلق پر جوش و خروش ،
صید هارفیو ، دیگر راز از سینه بیرون میدهد ، خلق مادر چریک است
خلق راه خود را یافته است ، چریک راه خلق را می پوید
پیر چریک چشمه زوال ناپذیر است ، کینه قلبم را می فشارد
اما گاه مهسای من محکم تر بر زمین کوبیده میشود
در راه خلق — در راه پیروزی پرولتاریا

* اعتصابات کارگران در تهران *

در آستانه روز اول ماه مه و همزمان با کنگره قلابی کارگران، که توسط رژیم در تهران براه افتاد و بوه اعتصابات وسیعی کارخانجات تهران را فرا گرفت، کارگرانی که در زیر بار هزینه های کوشن ^{زندگی} بجان آمده بودند، باردیگر با فریاد های خلق طلبانه خود، یاوه گوئیهای رژیم را در مورد رفسا و آسایش، طبقه کارگر ایران نقش بر آب کردند. در همان زمانی که کارگزاران تبلیغاتی رژیم فاسد شاه در کنگره باصطلاح کارگری تهران از رفاه و خوشبختی کارگر ایرانی دم میزدند، و از کارگران میخواستند که درازا این ناز و نعمتی که در زیر سایه رژیم آریامهری بدان رسیده اند ("بهره وری" کار خود را بالا ببرند بکارگران گرسنه کارخانجات تهران بخاطر یک لقمه نان و یک سر پناه کوچک، بمنظور گذران زندگی محقر خود، دست به اعتصاب زده بودند. رفقای سازمان ما که از نزدیک

در جریان اعتصابات قرار داشتند سازمان را از تایل کارگران به همبستگی با دانشجویان و مردم آگاه شهر مطلع ساختند. در پاسخ باین خواسته کارگران اعتصابی سازمان ما بلافاصله وارد اقدام شد و با انتشار یک فراخوان، دانشجویان و مردم تهران را به همکاری با اعتصابات حق طلبانه کارگران تهران دعوت نمود. در پاسخ باین فراخوان کارگری سازمان ما، دانشجویان دانشگاهها بحمایستاز اعتصابات کارگران تهران دست باعتصاب زدند و حتی با آنکه شهر تهران بمیسار پلیسی است و تجمع افراد هیچگاه بی خطر نیست، دانشجویان مبارزه در میدان اعدام تجمع نمودند، و همراه با برافراشتن پلاکاردهائی، حمایت و پشتیبانی خود را از مبارزات حق طلبانه کارگران تهران اعلام داشتند. در روی پلاکاردها دانشجویان جمله ای باین مضمون بچشم میخورد "ما

بندهای پيشاهنگ مسلح خود پاسخ داده و بحمايت از اعتصابات کارگران تهران برخواسته ايم."

اين حرکت آگاهانه و شجاعانه دانشجویان دانشگاههای تهران نشانه نزديکی جنبش دانشجویی به جنبشهای توده ای در لوی رهنمودها و خط مشی سازمان چريکهای فدائی خلق ایران می باشد، و نوید دهنده گسترش آگاهی انقلابی دانشجویان ایران است. گزارشات دقیق و کاملی از جریان اين اعتصابات توسط رفتای کارگرسازان ماتهيه شده بودند، که متأسفانه همراه با نسخه های در حال انتشار تبرّد خلق در جریان درگیریهای اخير سازمان ما با دشمن از بين رفتند، اينک که آخر يسن شماره "تبرّد خلق مجدداً بچاپ ميرسد بسیاری از اين گزارشات در اختيار ما نيستند و با توجه به فوریتی که در انتشار تبرّد خلق وجود دارد، امکان بازنویسی گزارشات و درج آنها در اين شماره

تبرّد خلق وجود ندارد. براين اساس ما تحليل اين اعتصابات را بشماره ديگر تبرّد خلق واگذار می کنیم. و تنها بتصوير خطوط مهم اين رویداد و شرح جريانات تا آنجا که امکان دارد بسنده می کنیم آنچه که به اين اعتصابات اهميت ویژه می بخشد جنبه وسيع و عموی آنهاست اين امر نشانه وخيم شدن وضع زندگسی کارگران از یکطرف و رشد جنبش اقتصادی کارگران از سوی ديگر است. هر چند اين حرکت باهدافی که در مقابل خود قرار داده بود نرسيد، ولی برای کارگران ما گامی بجلو بحساب می آید. در روزهای اوليه اعتصاب شاخه يک اعتصاب وسيعتر در میان کارگران کارخانه جات تهران و شهرستانها هر دم قوت بیشتری می گرفت و اين نشانه آن بود که کارگران ضرورت يک حرکت متحد و گسترده را در میان کارگران بخوبی احساس می کردند و بهمين لحاظ علیرغم نبود يک حرکت سراسری کارگری، تمایلات خود را با

شایعه سازی در پیرامون چنین حرکتهایی
بیان میباشند. البته این شایعات
کاملاً هم ذهنی نبودند، چرا که در روزهای
اعتصاب حداقل در کارخانه در حال
اعتصاب بودند، و خبرهای جدی در مورد
تمایل کارگران شرکت واحد و چند موسسه
دیگر با اعتصاب بگوش می رسید، وسعت
نسبی اعتصاب در عمل نیز تأثیر خود را بر
کارگران بجای گذاشته بود، و کارگران
پشتگرمی بیشتری احساس میکردند و این
باز بطور نسبی قاطعانه تر بر سر درخواست
هایشان ایستادگی می کردند.

نکته جالب دیگر در این اعتصابات
ایجاد نمایندگیهای موقت و خودبخودی
کارگری در مقابل نمایندگان کارگری رسمی
و دولتی بود.

نمایندگان با اصطلاح کارگری که منتخب
کارفرمایان و دولت بودند و همچنین
اعضای سندیکاها و فلابی دولتی که از قبل
هم ماهیتشان برای کارگران روشن بود،
در جریان این اعتصابات بکلی رسوا شدند

و مخالفت و دشمنیشان، با کارگران
افشاء گردید. نمایندگان رسمی کارگران
با چرب زبانی سعی میکردند کارگران
را دور خود جمع کنند و بطریقی آنها
را از ادامه اعتصاب بازدارند، ولی حتی
یک نفر هم حرف آنها را نمی پذیرفت و بقول
کارگرها "تحویلشان نمی گرفت". آنها
مانند سگهای ولگرد در عرصه کارخانه ها
پرسه میزدند و سعی میکردند که شاید
بتوانند چند کارگر عقب مانده و ناآگاه
را فریب دهند. ولی شرایط طوری بود
که حتی عقب مانده ترین کارگران هم حاضر
به شکستن اعتصاب نبودند.

در یکی از کارخانه ها وقتی کسه
نمایندگان سندیکاها و کارگری فلابی، متن
درخواستهای کارگران را تنظیم کردند،
کارگران این متن را پاره کرده و بدور ریختند
و در عوض آن متن دیگری توسط نمایندگان
انتخابی موقت خود نوشتند و همگی پسای
آنها امضا کردند، و بوزارت کار فرستادند
و باین ترتیب عملاً حق نمایندگان فلابی

خود را باطل کردند و سندیکای دولتی را بهیچ گرفتند. درخواستهای کارگران در این اعتصابات اساساً یکی بود و نشان می داد که کارگران ایران، در محرومیت از ابتدائی ترین حقوق انسانی و کارگری با هم موقعیت یکسانی دارند. کارگران خواهان خانه و مسکن و اضافه دستمزد بودند و عده ای نیز خواهان پیاده شدن سیستم طبقه بندی مشاغل بودند که آنهم در حقیقت نوعی درخواست اضافه دستمزد و یادخواست پیاده شدن آنچنان سیستمی از نظام دستمزد هاست که حداقل زندگی کارگران را در رابطه با تورم روز افزون و افزایش هزینه زندگی تا بیستن نماید. البته این انتظار است که کارگران از سیستم طبقه بندی مشاغل دارند در حالیکه واقع امر اینست که سیستم طبقه بندی مشاغل یکی از شیوه های سرمایه داری برای بهره کشی بیشتر از کارگران و محدود کردن آزادی فروش نیروی کار آنهاست، همان

آزادی کذافی که نظام سرمایه داری اینهمه بآن افتخار می کند. کارگران پس از فرستادن درخواستهایشان به وزارت کار با عکس العمل وقیحانه دولت شاه مواجهه شدند، دولت که نماینده سرمایه داران است در جواب کارگران کرسنه و بیخامن است جواب داد که این اعتصابات و درخواست های مربوطه، همگی غیر قانونی هستند، و حتی با بیشرمی کارگران را تهدید کردند که اگر سرکار نروند دولت اجازه اخراج کارگران را بکارفرمایان خواهد داد.

این التیماتوم رژیم در میان کارگران بابتی اعتنایی روبرو شد و خیلی از کارگرها این تهدید را بیاد مسخره می گرفتند بطوریکه یکی از کارگران می گفت که "لا بد دولت میخواهد کارگری زده هم مانند گوشت بیخ زده از خاج وارد کند". چرا که اگر ما را اخراج کنند چه کسی بسرای آنها کار خواهد کرد.

اعتصابات اخیر در کارخانجات

نساجی اوج بیشتری داشت، چرا که

شرایط کار در این کارخانجات بسیار بسد است و معمولا کارگران در معرض بیماریهای شدید ریوی قرار دارند و همچنین سطح دستمزدها در این کارخانجات بطور نسبی بسیار پائین است. در میان کارخانجات اعتصابی کارخانه چیت سازی تهران (بافکار) پیشاهنگ اعتصابات بود. وحدت اعتصاب نیز در این کارخانه بیشتر از سایر کارخانجات بطول انجامید و کارگران این کارخانه دیرتر از سایر کارخانجات اعتصاب خود را شکستند .

موقیعت " بافکار " طوری بود که کارگران کارخانجات دیگر حرکت کارگران بافکار را راهنمای حرکت خود قرار دادند ، و از آنها پیروی می کردند . در این اعتصابات کارگران از تجارب کارخانه های دیگر استفاده می کردند و در جریان اقدامات یکدیگر قرار داشتند . این نیز یکی از نکات بسیار جالب و برجسته این اعتصابات بود مثلا وقتی دولت نقشه خود را در مورد خاج کردن کارگران از محوطه کارخانه ها

و گرفتن تعهد برای بازگشت بکار در مورد کارگران کارخانه بی . اف . گودریدج پیاده کرد ، دیگر کارگران بهیچ قیمتی حاضر به تخلیه کارخانجات نبودند و بیشتر در مقابل این مسأله مقاومت میکردند . بطوری که دولت مجبور شد در کارخانه هایسی که در سه شیفت مصغول کار هستند ، پس از خروج کارگران هر شیفت ، از دخول کارگران شیفت بعد به کارخانه جلوگیری کند و باین ترتیب تجمع کارگران را محدود سازد . ولی مقاومت کارگران این تاکتیک دشمن را با شکست مواجه ساخت چرا که کارگران دیگر حتی پس از پایان شیفت کار خود ، کارخانه را ترک نمی کردند بطوری که در " بافکار " مدت ۱۱ روز کارخانه در اشغال کارگران بود . در این مدت زنان و فرزندان کارگران ، کارگرانی که بیرون از محوطه کارخانه بودند ، از دیوار پشت پنجره ها نان ، و پنیر ، خرطوبه و کاهو و سیگار به کارگران اعتصابی می رساندند که البته این کار با مداخله

پاییز مسرعتاً محدود شد و کارگران مجبور بودند با شکنج گرسنه به مقاومت خود ادامه بدهند. پایین همه جنبش مردم جنوب شهر تهران که با جمع آوری پول خانواده های کارگری را در رساندن آن وقت به کارگران اعتصابی یاری میکردند یکی دیگر از نکات برجسته این اعتصابات را مشخص میسازد خودیاری توده ای عصری بود که در این اعتصابات پنجسو برجسته ای بچشم میخورد.

کارگران در این مورد معتقد بودند که دانشجویان نیز در رساندن آن وقت به آنها سهم داشته اند، و حتی موقعی که شیر و خورشید سرخ مقداری آن وقت میان کارگران پخش کرد، معتقد بودند که این کار بخاطر جلوگیری از رساندن کمکبانیست که دانشجویان میخواهند به کارگران اعتصابی بکنند. در جریان این اعتصابات کارگران نزدیکی و همبستگی زیادی با دانشجویان از خود نشان میدادند و روزی نبود که از دانشجویان

و نقش آنان در جنبشهای حق طلبانسه صحبتی در میان کارگران نباشد. کارگران از شمارهایی که در دانشگاهها بحمایت از کارگران روی دیوارها نوشته شده صحبت می کردند و کارگری بیگفت: "دانشجو، پشتیبان کارگر است" و در مجموع کارگران خواهان شکستاری وسیع دانشجویان با اعتصابات کارگری بودند و نقش دانشجویان را در حمایت از اعتصابات موثر میدانستند، باین ترتیب کارگران از ضرورت اتحاد با خود با روشنفکران صحبت میکردند. این جنبه نیز یکی از نکات جالب توجه این اعتصابات را تشکیل میداد.

در این اعتصابات زنان کارگر نیز فعالانه شرکت جستند. شرکت زنان کارگر در اعتصاب و حتی باقی ماندن آنان بمدت چند روز در کارخانه ها نشان داد که تنها زنان کارگر ایران هستند که میتوانند نقش مساوی خود را بر سران

در جامعه ایفا نمایند. هنگامیکه
کارگران زن دست از کار میکشیدند ،
برادران کارگران آنها برایشان کف میزدند
روبهم رفته شرکت زنان در اعتصاب در -
تقویت روحیه کارگران مرد نقش بسیار
زیادی داشت و کارگران را بپایداری بیشتر
تشویق میکرد . نکته جالب توجه دیگر
که در جریان این اعتصابات چشم
میخورد ، برخورد عده ای از پاسبانها
و مأموران دشمن با کارگران بود ، بطوریکه
که بعضی پاسبانها که خود از میان
توده های فقیر برخوردارند با کارگران
همدردی می کردند و حتی کارگران را به
ادامه اعتصاب و گرفتن حق خود تشویق
می کردند و از تعقیب کارگران خودداری
می نمودند ، و وضع طوری شده بود که
افسران مزدور مجبور بودند بعضی وقتها
خودشان در نیال کارگران بکنند و آنها را
با باطوم بزنند . ولی تعدادی از مزدوران
ناآگاه هم بودند که از خوشخدمتی فسرو
گذارنی کردند . و بیرحمانه کارگران

اعتصابی را بنیز ضربات باطوم میکردند .
عناصر اصلی این اعتصابات را کارگران
میان سال تشکیل میدادند این دسته
از کارگران با جدیت و بنابر ضرورت
زندگی مادیشان در اعتصاب شرکت می -
کردند . کارگران خردسال و نوجوان
بخاطر آنکه هنوز فشار زندگی را مانند بزرگ
کارگران زن و بچه دار احساس نمی کردند ،
شرکتشان در اعتصاب زیاد جدی نبود
و گاهی اوقات کارهای نادرستی انجام
میدادند .

پیرمردها هم بخاطر ترسشان از
اخراج زیاد فعال نبودند چرا که کارفرما
زیاد بوجودشان احتیاج ندارد و با توجه
به قوای تحلیل رفته اشان دیگر زیاد مورد
توجه کارفرمایان بهره کش نیستند . بهمین
علت برخورد پیرمردها عمدتاً خیلی
محافظه کارانه بود ولی بودند شیمران
پیری که مانند جوانها علم اعتراض -
برداشته بودند و در کنار کارگران میان
سال با جدیت مبارزه میکردند .

اعتصابات چگونه فرو نشاننده شد ؟

پس از آنکه اولتیماتوم دولت ، بسه کارگران با شکست مفتاحانه ای روبرو شد ، و تاکنیک محاصره و بستن راههای آذوقه نیز با مقاومت قهرمانانه کارگران بشکست انجامید . دولت به شیوه عام خود که توسل به اسلحه و زور ، برای در هم شکستن مقاومت توده هاست روی آورد .

حمله دشمن بکارخانه هادشرایطی آغاز شد که کارگران چیت تهران ، دوازدهمین روز ، و کارگران چیت ری و چیت ممتاز دهمین روز محاصره غذایی خود را با شکستیابی بپایان رسانده بودند بمصطانه میخواستند که اعتصابات را تا پیروزی نهائی و رسیدن به درخواستهای حق طلبانه اشان ادامه دهند . در روز حمله دشمن هنوز پاسی از شب نگذشته بود که مزدوران دشمن ، در حالیکه غمرق در اسلحه بودند ، وارد کارخانجات شدند .

آنها با تهدید اسلحه ، کارگران را وادار بخرج از کارخانه میکردند و ضمناً بسه کارگران وعده میدادند که ما فقط نمسی خواهیم شد شب را در کارخانه باشیم وگرنه صبح فردا دوباره میتوانید به کارخانه بیایید . کارگران نیز در مقابل زور و تهدید چاره ای جز تسلیم نداشتند ، با این همه عده ای از کارگران بشدت مقاومت کردند و در کارخانه بافکار در درون یک انبار بزرگ خود را محبوس ساختند و حتی شایع شده بود که بر اثر درگیری مأموران با کارگران تعدادی از کارگران شهید شده و چند تن از مزدوران محبوس شده اند . ولی امر مسلم اینست که عده زیاد ای از کارگران بزند انهای دولت شاه آسپیل شدند .

صبح شب بعد از حمله دشمن ، کارگران دوباره در مقابل کارخانجات تجمع کردند ، ولی مزدوران که کارخانه ها را کاملاً محاصره

يك جنبه مثبتی داشتند عطلی نمی شد ،
 اعتصاب دیگر روال خود را از دست داده
 بود ، کارگران خرد سال که در کشان از
 مسئله اعتصاب و ضرورت آن بسیار پائین
 بود بیبهوده شلوغکاری میکردند و از حرکت
 اتوبیلهها در خیابان جلوگیری میکردند
 که البته این حرکات آنها از طرف کارگران
 میانسال که نیروهای اصلی اعتصاب را تشکیل
 میدادند محدود میشد . با اینکه اعتصاب
 در روزهای آخر نابسامان و پراکنده بود
 با این همه این جنبش کارگران از عظمی
 برخوردار بود ، و انعکاسی بود از قدرت
 لایزال توده ها ، قدرتی که هر آینه متشکل
 شود و سازمان یابد ، هیچ نیروی قسار
 بشکست آن نخواهد بود .

کارگران پس از آنکه از انجام عکس-
 العمل مشخصی در مقابل حمله برنامه ریزی
 شده دولت بازماندند ، دست به تظاهرات
 زدند . شمار تظاهرات کارگران شعسار
 مصر و "جاوید شاه" بود . کارگران خوب
 میدانستند که اگر در زیر لوای این شعسار

کرده بودند از ورود کارگران به کارخانه
 هاجلوگیری میکردند ، و کارگران را با ضرب
 و شتم پراکنده میساختند . همین امر تمرکز
 کارگران را دچار اختلال کرد و زمینه های
 شکست اعتصابات را فراهم نمود . کارگران
 که تا دیروز بعلت جمع بودن در محوطه
 کارخانه از تمرکز و تشکل خود بخودی خوبی
 برخوردار بودند ، اینک بعلت نبود یساک
 دستگاه رهبری و اداره کننده ، پراکنده
 ششودند . در این شرایط پراکنده گی هر
 کس برای خود شرا پیشنهادی میکرد میکی
 میگفت : "بوزارت کار برویم" دیگری
 پیشنهاد میکرد که دسته جمعی بسمت
 دربار شاه حرکت کنیم و حقمان را بخواهیم
 عده ای میگفتند بهترین کار اینست که بسمت
 میادین شهر برویم و نزد مردم تظالم کنیم
 و از آنها بخواهیم که بیاری ما بشتابند .

و بالاخره برخی دیگر پیشنهاد حرکت
 بسوی سایر کارخانجات و پیوستن بسایر
 کارگران را میدادند ، ولی بعلت فقدان
 رهبری هیچ يك از این پیشنهادات که هر

دست به تظاهرات بزنند ، مأموران دولتی بسمت آنها تیراندازی نخواهند کرد . یکی از نمایندگان دولتی کلمه ظاهری بودن این شعار را بخوبی احساس میکرد با غضب میگفت :

" اینها این شعار را علم میکنند و در زیر پوشش آن هر کاری می کنند " .

در حقیقت مشهور واقعی این شعار اینست : " ای شاهی که بر مسند قدرت تکیه زده ای و بظواهر جاودانه ای ! ، لقمه نانی بزن و بچه ما بده ، ای شاهی ، که خودت را پدر ملت ایران میدانسی ! سرپناهی ما بده تا زن و بچه ما ن رادر آن بخوابانیم " .

آری کارگزارانی که هنوز یک مرکز قدرت انقلابی نیرومند را برای گرفتن حقوق و یا مال شده خود ایجاد نکرده اند ناچار به تشبیه قدرت موجود ، یعنی رژیم و دولت چشم میدوزند ، ولی دولت و شاه بامشت کوبیدن بر سینه کارگران ، آنها را از خود میرانند و بکارگران می آموزند

که رژیم هرگز از کارگران حمایت نمی کند ، و دستگاه دولت چیزی جز ابزار سرکوب سرمایه داران ، بعلیه کارگران ستم دیده نیست .

این امر رسالت سازمانهای انقلابی مسلح این دست اندرکاران ، ایجاد قدرت انقلابی مسلح بوده ها را ایجاد یک مرکز قدرت متشکل و نیرومند بشویمی نشان می دهند . با اعتقاد سازمان ما چنین مرکز قدرتی تنها با اتحاد نیرو های واقعا انقلابی جامعه ما در زیر لوای خط مشی جنبش مسلمانان ایران و با رهایت استراتژی و تاکتیک جنبش ، نوین خلق ایران میسر است .

بهر حال با طولانی شدن بی نتیجه اعتصاب ، بند ریج روحیه خود می شکست بر کارگران غلبه می کرده . مزدوران دولتی علنا بکارگران مکرر می گفتند که ایستادن اعتصابات از نظر دولت یک اقدام خرابکارانه و ضد دولتی تلقی میشود و غیر قانونیست آنها باین ترتیب میخواستند ، کارگران

را مرعوب کنند ولی ضمناً بطرز جالبی چهره سیاسی باین اعتصابات اقتصادی میدادند و از این طریق نظر کارگران را به جنبش سیاسی اعتصاباتشان جلب میکردند. و به آنها در جهت شناخت ماهیت طبقاتی و ضد کارگری دستگاه دولتی یاری میرساندند.

در آخرین روزهای اعتصاب به فشار بر کارگران هر روز بیشتر میشد. این فشار علاوه بر فشارهایی که مأموران دولتی بر کارگران وارد می ساختند، جنبش اقتصادی داشت. اندوخته کارگران به تدریج به پایان می رسید، و کارگرانی که برای ادامه حیات خود و خانواده اشان تنها بفروش نیروی کارشان متکی هستند بطاقت تحملشان به پایان می آمد، و میخواستند هرچه زودتر تکلیفشان روشن شود. از سوی دیگر افق پیروزی هر روز محدودتر میشد و پراکندگی و بی سازمانی کارگران نیز باین مسأله دامن میزد. معمولاً در جریان اعتصابات کارگری در یک نظام دیکتاتوریک سندیکاها کارگری مفاداری پول بسرای

گسردان زندگی در اختیار کارگران میگذاشتند، در حالیکه در اینجا سندیکاها کارگری در بست در اختیار کارخانه داران و دولت مزدور شاه هستند، این سندیکاها می توانستند نه تنها کمکی به کارگران نمیکردند بلکه با وفاحت کامل اعتصابات را مورد و غیر قانونی می شمردند. در چنین وضعیتی که کارگران بتدریج احساس ضعف و شکست میکردند دولت هرگز خود را بر زمین زد و اعلام کرد که بازگشت به کارخانه ها و ادامه کار برای کارگران مقدور است، ولی فقط بیک شرط آنهم اینکه هر کارگری که می خواهد به کارخانه برود و در ازای فروش نیروی کارش پول بخورد و نیروی دریافت کند، باید در ازای این امتیاز بزرگ! تعهد کتبی بسپارد که هرگز از او امر کار فرما سرپیچی نکند و ضمناً بهمان دستمزد و شرایط قبلی کار رضایت بدهد.

بدنبال اعلام این خبر مقاومت کارگران اساساً در هم شکست و آنها یک دوره کامل عقب نشینی کردند. حالا دیگر مسأله این

نشانه آنست که می خواهند شدت کار را -
 بالا ببرند . در این موقع بود که مزدوران
 رسمی شهرتانی و سازمان امنیت هم وارد
 میدان شدند . آنها علنا و در جلوی چشم
 کارگران دیگر رفقای مبارز و فعال کارگران
 را دستگیر میکردند . افسران مزدور می
 گفتند : " اینهایی که شما را از دادن
 تمهید کتبی منع می کنند و ما دستگیرشان
 می کنیم همه خرابکار هستند " و یا یکی
 از مزدوران می گفت : " تمام اینها
 جریانات زیر سر خرابکارهاست " حتی
 آنها سعی می کردند و انمود کنند که
 تیراندازی مأموران پلیس بسوی کارگران
 در جریان اعتصابات از طرف خرابکارانی
 صورت گرفته که در میان کارگران هستند .
 آنها میخواستند این دروغ معروف را که
 خرابکارها بسمت مردم تیراندازی میکنند
 بکارگرهایی که خودشان با چشم خودشان
 شاهد تیراندازی مزدوران دشمن بودند
 قالب کنند .

مأموران دشمن سعی میکردند جنبش

شده بود که بدون تمهید و با همان
 شرایط قبلی سرکار خود برگردند . ولی
 دولت با این خواسته کارگران مخالفت
 کرد ، و کماکان شرط سپردن تمهید کتبی
 را برای ادامه کار ضروری اعلام کرد .
 اینجا بود که مبارزه در سطحی دیگر
 آغاز شد . سرپرستان و مزدوران سندیکای
 دولتی دوباره بحرکت درآمدند . آنها سعی
 میکردند با تجرباتی کارگران را بیسای
 میز تمهید بکشانند . در مقابل این
 مزدوران ، کارگران آگاه و فعال مدیگران
 را از دادن تمهید منع میکردند و حتی
 برای جلوگیری از دادن تمهید شایعاتی
 در میان کارگران پراکنده میشد . شایعاتی
 که نشانه اعتراض کارگران باین زورگویی
 و تحقیر دولت ضد کارگری شاه بود . در آن
 روزها شایع شده بود که هر کس تمهید
 بدهد سابقه کارش پایمال میشود ، و یا
 اینکسه می گفتند در ضمن تمهید نامه کتبی
 عبارتی وجود دارد باین صورت " بکاری
 که کارفرما محول می کند " ، این عبارت

حق طلبانه کارگران را ناشی از تحریک خرابکارها، مصرفی کنند و این یکی از کارهای خیلی خوب و موثرشان بود کاری که صد درصد مورد تأیید ماست. آنها با این کار خود جنبش خود بخودی توده ها را با جنبش مسلحانه نیروهای پیشرو خلق در یک ردیف قرار می دادند. آنها باین ترتیب بکارگران می آموختند که چریکها با کارگران حق طلب از نظر دولت یکی هستند و باین ترتیب جبهه بندی نیروها را در جامعه برای کارگران مشخص می ساختند. در یکسو دولت شاه سرمایه داران و استثمارکاران جامعه قرار دارند و در سوی دیگر چریکها، کارگران و زحمتکشان جامعه در یک صف قرار گرفته اند و باین ترتیب دشمن ما هیست طبقاتی و زشت تبلیغاتی خود را بر علیه چریکها افشاء میکرد. آنها نشان میدادند که چگونه دولت طبقاتی دشمن مستمسک رنجبران و پیشگامان مسلح آنان میباشد. بهر حال تا کنیک حيله گرانه و وحشیانه دشمن که همراه بود با زندانی کردن و آزار دادن کارگران فعال اعتصابی، کار خود را کرد، و بتدریج اخگر فروزان جنبش کارگران تهران موقعا از این دوره روبه خاموشی گذارد. بسیاری از فعالین اعتصاب دستگیر شدند، و برخی دیگر خود را از دیدها پنهان کردند و دیگر بکارخانه ها بازنگشتند، تا از خطر دستگیری و شکنجه سازمان امنیت در امان بمانند. عده زیادی از کارگران در حالیکه انجمن دهند آنهایشان را بهم میفشرند دست بمقاومت منفی زدند و بجای دادن تعهد از کارخانه استعفا دادند و رفتند تا برای فروش نیروی بازویشان بکارخانه های دیگر بروند. برآستی که برای یک کارگر در یک نظام سرمایه داری هیچ راهی جز فروش نیروی کارش وجود ندارد.

کارگری که بخاطر گریز از تحقیر تعهد کتبی و بخاطر نپذیرفتن ننگ شکست، در خواست های عادلانه و حق طلبانه اش، از کارخانه استعفا میکرد، کجا داشت که برود جز اینکس

دشمن که همراه بود با زندانی کردن و آزار دادن کارگران فعال اعتصابی، کار خود را کرد، و بتدریج اخگر فروزان جنبش کارگران تهران موقعا از این دوره روبه خاموشی گذارد. بسیاری از فعالین اعتصاب دستگیر شدند، و برخی دیگر خود را از دیدها پنهان کردند و دیگر بکارخانه ها بازنگشتند، تا از خطر دستگیری و شکنجه سازمان امنیت در امان بمانند. عده زیادی از کارگران در حالیکه انجمن دهند آنهایشان را بهم میفشرند دست بمقاومت منفی زدند و بجای دادن تعهد از کارخانه استعفا دادند و رفتند تا برای فروش نیروی بازویشان بکارخانه های دیگر بروند. برآستی که برای یک کارگر در یک نظام سرمایه داری هیچ راهی جز فروش نیروی کارش وجود ندارد.

کارگری که بخاطر گریز از تحقیر تعهد کتبی و بخاطر نپذیرفتن ننگ شکست، در خواست های عادلانه و حق طلبانه اش، از کارخانه استعفا میکرد، کجا داشت که برود جز اینکس

این رهنمودها چنین هستند :

- ۱ - تمرکز کارگران را ازین ببرید .
- ۲ - با نمایش قدرت ، کارگران را معویب کنید .
- ۳ - فعالین اعتصاب را دستگیر و شکنجه کنید و از این طریق عوامل تشکل خود بخودی کارگران را نابود سازید .
- ۴ - کارگران را از هم جدا کنید و سعی کنید برای هر گروه از کارگران یک راه حل و یک پیشنهاد عرضه کنید تا روحیه فردگرائی در میان کارگران بروز کند و از حرکت یک پارچه خودداری کنند .
- ۵ - امتیازات کمی بکارگران بد دهید تا حالت عصیان طبیعی ، و قهری آنبسیار تا حدی فروکش کند .
- ۶ - بی اثر بودن اعتصاب ، و شکست محتوم هر نوع جنبش ، حق طلبانه را در عمل تبلیغ کنید و کاری کنید که کارگران در صورت مع احساس پیروزی و موفقیت نکنند . و باین ترتیب روحیه مبارزه جوی و امید را در کارگران خفه کنید .

باید بکارخانه ای دیگر ریفرت با همان شرایط و با همان خفت بفروشنیروی کارش می پرداخت ؟

بعد از فرونشاندن قهری اعتصابات توسط دولت ، امتیازات محدودی بسه کارگران دارند از جمله اینکه مبلغ کمی در حدود ۲ تومان به حقوقها اضافه کردند و ضمنا بنا بتوصیه دولت سود ویژه " این با اصطلاح سود " را که چند ماه به چند ماه بکارگران میدهند قرار شد سرشکن کنند و بطور روزانه به کارگران بدهند تا موقعا سطح دستزد ها بالا برود . این شیوه رژیم بخاطر آن بود که مدت کوتاه مدت ، بربود و گشایش محدود در زندگی کارگران ایجاد شود و آن فشار طاقت فرسایی که کارگران را بجان آورده کسی کاهش یا بد .

تاکنیک دولت در مقابله با اعتصابات کارگری ، همیشه اینطور بوده است و از رهنمودهای ارتجاعی مشخصی تبعیت می کند .

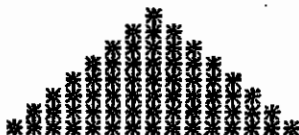
نوده هاست، و این امر ممکن نیست
مگر آنکه نیروهای واقعا انقلابی ایران
از طریق اعمال تاکتیکهای تبلیغ مسلحانه
بسرود نوده ها وارد عمل شوند، و از این
طریق در جهت جلب و بسیج نوده ها
بازره نمایند و شرایط سازماندهی
واقعی نوده ها را هر چه
بیشتر فراهم نمایند.

"پیش بسوی نوده ای کردن

جنبش مسلحانه

ایران"

اینست شیوه های ظالمانه و بیرحمانه
دولت سرمایه داران داخلی و خارجی
برای خاموش کردن اخگر جنبشهای محروم
طلبانه کارگران اسیرو در بند میهن ما.
هم وطنسان! مبارزات کارگران تهران
در این دوره از کار خود با انجام رسید ولسی
باید بدانیم که در جامعه طبقاتی ایران
مبارزات کارگران و زحمتکشان، یک ضرورت
زیربنایی جامعه است و کماکان ادامه
خواهد داشت. اما تنها مسأله ای که
باید از طرف نیروهای انقلابی مورد توجه
قرار بگیرد، رسوخ جنبش انقلابی در میان



* حماسه چریک *

بشار دیگر جلاد ،

یک فدائی زهر خلق رسود

سینه ها لانه خشم ، دیده پر ز آتش کین

مشتها گشته گره ،

و سلاح منتظر بهر نبرد

کله مزدوران ، غرق در خوف و حراس ،

می زنند از پیر آن گرد چریک ، (لرزه افتاده بدست) ، با مسلسل رگبار .

نصرت پر می زند از کینه فدائی دلیر ،

و خروشش فلکند برق امید ، در دل خلق اسپر

من نملی خلقم "

" من خسروش خشم "

من تبار از پیر آن سیل خروشان دارم ،

" که زجا بروند این کاخ ستکاران را "

که بگوید بهم این لانه مزدوران را

من ز خلقی هستم ، که در این پهنه پر جوهر ستم ،

همچنان خلق ویتنام ، نسه ! خونین تر از آن

رزم کند تا شکند دشمن پست

تا بروید ز وطن سایه این دیو " سید "

تا بمالد به زمین پوزه دزدان سیاه

و چنین است که از نام من این مزدوران

در جریان اوج اعتصابات کارگران تهران بنا به
خواسته کارگران اعتصابی کارخانجات تهران، سازمان
چریک‌های فدائی خلق ایران اعلامیه فراخوان زیر
را منتشر کرد و در میان مردم تهران پخش نمود در این
اعلامیه، مردم تهران و نیروهای پیشرو جامعه به
حمایت از کارگران اعتصابی تهران فراخوانده شدند.
این اعلامیه در تاریخ ۱۶ اردیبهشت ماه صادر شد
و از صبح روز شنبه ۱۸ اردیبهشت در دانشگاه‌ها
کارخانجات و سایر نقاط شهر پخش گردید. بدنبال
صدور این اعلامیه بود که دانشجویان دانشگاه‌ها
اعتصابات و تظاهرات خود را بسوی کارگران اعتصابی
برپا داشتند، و موجی از همبستگی با کارگران
اعتصابی بوجود آورده شد.

اعلامیه

کسارگران ایران متحد شویم

پیسروز بسار ، اعتصابات حق طلبانه کارگران تهران

تنگ و نفرت بر وزارت کار و دولت شاه دروگو

مردم شریف تهران ! دانشجوین ،

دانشرا عوزان از اعتصابات حق طلبانه

کارگران زحمتکش تهران حمایت کنید .

در آستانه روز جهانی کارگر و در شرایطی که دولت شاه خائن با برگزاری کنگره قلابی و مسخره کارگران می کوشید به مردم بقبولاند که کارگران ایران در رفاه و خوشبختی بسر میبرند هزاران نفر از کارگران شریف و زحمتکش کارخانجات تهران برای سیر کردن شکم زن و فرزند ان خود دست به اعتصابات وسیعی زده اند .

کارگران به این ترتیب ثابت کرده اند که سندیکاهای دولتی ، وزارت کار و دولت شاه تا چه حد دروگو و ریا کارند .

در هفته گذشته کارخانجات چیت تهران (بافکار) ، چیت ری ، چیت ممتاز ، سیمان ری ، بی اف گود ریچ در حال اعتصاب بسر می بردند ، و چندین کارخانه و شرکت دیگر آماده شروع اعتصاب هستند . دولت شاه برای خاموش کردن فریاد حق طلبانه کارگران و سرکوب آنها مأموران وزارت کار را از یکسو و مأموران پلیس و ژاندارمری را از سوی دیگر به سوی کارخانجات اعتصابی روانه داشته است .

مأموران وزارت کار به کارگران اعلام کرده اند که این اعتصابات قانونی نیستند

عجبا که در این مملکت که فریاد مردم از بی قانونی و ظلم بلند است دولتیهبا از قانون صحبت می کنند .

در کارخانه بافکار نماینده وزارت کار در مقابل کارگران که گفته بودند : " به علت گرانی و حقوق کم زن و بچه ما گرسنه هستند " با وقاحت جواب داده بود : " اگر حقوقتان کم است نخرید و نخورید " . در جای دیگر سرهنگی که مأمور برهم زدن اعتصابات بوده است به کارگرانی که در جلوی در کارخانه چیت ری اجتماع کرده بودند گفته است " من همین الان باشاه تماس گرفتم و ایشان فرمود ، اند ! اضافه کردن حقوق کارگران اصلا امکان ندارد ! "

اینست جواب دولت و شخص شاه به کارگران گرسنه و نیازمند کارخانجات تهران .

طبق آخرین اخبار رسیده کارگران کارخانجات اعتصابی که تحت محاصره پلیس و ژاندارمری چندین شبانه روز کارخانجات را به اشغال خود در آورده بودند و با همکاری و جمع آوری کمک مالی از طرف اهالی جنوب تهران به آنها آذوقه رسانده میشد با حمله پلیسهای مسلح و افراد ژاندارمری باشلیک گلوله ، تهدید سرنیزه و ضربات باتوم از کارخانجات بیرون راننده شده اند .

طبق همین اطلاعات در کارخانه بافکار ۲۰۰ نفر از کارگران در یک انبار بزرگ جمع شده اند و پلیس هنوز نتوانسته است این کارگران را بیرون بیاورد و مقاومت آنها همچنان ادامه دارد . کارگران اعتصابی که در زیر فشار زندگی کمرشان خم شده است ممکن اضافه دستمزدها و در حقیقت حق زندگی شرافتمندانه در این مملکت را می خواهند .

سرردم تهران ، دانشجویمان ، دانش آموزان !

در این لحظات حماسه که دولت شاه خائن دست در بر سینه کارگران زحمتکش زده است و جواب حق طلبی آنها را با سرنیزه می دهد و بیشترین ستمها را به آنان روا می دارد ، کارگران زحمتکش و شریف برای گرفتن حق خود هیچ پشت و پناهی ندارند . اینک چشم او امید

کارگران به همکاری و اتحاد با شما دوخته شده است. بخصوص دانشجویان آگاه و مبارزان
دانشگاهها که همیشه در دفاع از زحمتکشان پیشگام بوده اند در این روزهای حساس
وظیفه ای سنگین برعهده دارند و کماکان باید درین میهنی خود را به زحمتکشان ایران ادا
کنند و بطور یکپارچه به دفاع از کارگران زحمتکش اعتصابی برخیزند .

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران حمایت بیدریغ خود را از مبارزات حقوق طلبانه
کارگران زحمتکش تهران اعلام داشته ^{آماره} است که در جهت خواسته های کارگران تاپای جهان
مبارزه نماید .

" مرگ بر دشمنان طبقه کارگر "

" مرگ بر دولت ضد کارگری شاه "

" پیروز باد اعتصابات حق طلبانه کارگران تهران "

" زنده باد اتحاد و پیوستگی نیروهای خلق ایران "

* سازمان چریکهای فدائی خلق ایران *

* ۵ شنبه ۶ اردیبهشت ۱۳۵۵ خورشیدی *

لرزه مرگ فراگیرد شان ، من فدائی هستم
من شکوه عشقم ، عشق پر شور به خلق
من غریب و کینم ، کین بی حد بتو ای دشمن خلق
و سلاختر نبرد .

"مرگ بر دژخیمان"

"مرگ بر جلادان"

"مرگ بر دشمن این خلق کبیر"

میدوند از پی او مزدوران

تا مگردست بیابند بر او

و فدائی که دگر ، آخرین تیر سلاختر سوی دشمن رفته است ،

باز بر دشمن خونخوار حقیر ،

می نماید اینترا :

"که فدائی نشود زنده اسپیر"

و سپس سهمگین ترکش نارنجک او

همچو تیر آرش

آفریند ز نو افسانه ای از عشق به خلق

خلق بر پیکر پسر خون رفیق ،

و به آن بی شرفان مینگردد .

سینه آگنده ز خشم ، دیده پر ز آتش کین ،

مشتها کرده گره .

منتظر بر سر سلاج ، منتظر بر بهر نبرد

اَلامِیَه

” پیروز بساد جنبش ظفر نمون سلحانَه ایران ”

حملات برنامه ریزی شده دشمن به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با شکست مواجه شد .

۲۰ نفر از افراد دشمن کشته ، و بیش از ۱۰۰ نفر از آنها مجروح شدند . و قیضه مسلسل و سلاح کبری ساخت آمریکا و اسرائیل در جریان نبردهای تدافعی بدست چریکها افتاد .

۱۴ تن از چریکهای فدائی خلق ایران به شهادت رسیدند و عده ای از مردم عادی بر اثر شلیک بی رویه و پرتاب نارنجک مأموران پلیس شهید شدند .

جمل اسناد ، و قلب حقایق کارشناسان سازمان امنیت بسا رسوائی روبرو شدند .

در فاصله روزهای ۲۶ الی ۲۸ اردیبهشت ماه سال جاری دشمن حملات برنامه ریزی شده خود را بر علیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران آغاز کرد . اولین حملات بدنبال کنترل شبکه تلفنی قسمتی از سازمان ما و کشف محل چند پایگاه اصلی

و پشت جبهه چریکی آغاز گردید .
 دشمن قصد داشت به رد آبروی مای خود ادامه دهد و اطلاعات بیشتری از پایگاه‌های
 ما بدست آورد ، ولیکن هوشیاری رفقا دشمن را وادار به حمله زودرس کرد و از طرف
 دیگر قاطعیت و رزندگی رفقای که پایگاه‌هایشان مورد محاصره و حمله دشمن قرار
 گرفته بود ، دشمن را در اجرای برنامه وسیع و سنگین خود با شکست کامل مواجه ساخت
 دشمن قصد داشت به انبارها و اسناد ما دست یابد . ولیکن با اسناد سوخته و سلاح‌های
 از دور خراب شده مواجه گردید . بهمین لحاظ نیز دست به جهل اسناد زد و عکس
 چند سلاح را در روزهای مختلف از زوایای گوناگون بعنوان وسایل تازه در روزنامه‌ها
 به چاپ رسانید . حملات دشمن بدنیال محاصره بسیار شدید پایگاه تهران تو آغاز
 شد . در پایگاه تهران نو که یکی از پایگاه‌های پشت جبهه سازمان بشمار می‌رفت تنسی
 چند از رفقا از جمله د و رفیق خرد سال ناصر شایگان شام اسبی ۱۱ ساله و ارزنگ
 شایگان شام اسبی ۱۳ ساله زندگی می‌کردند و به کارهای تولیدی اشتغال داشتند
 در هنگام حمله دشمن فقط نیبی از رفقا مسلح بودند . بهمین لحاظ نیز امکان برخورد
 نظامی با دشمن زیاد نبود . با این همه رفقا اسناد موجود در پایگاه را به آتش کشیدند
 و با سلاح‌های موجود از دو جناح حملات خود را برای شکستن خطوط فشرده محاصره
 دشمن آغاز کردند . دشمن که با قریب ۵۰۰ مأمور ویژه مسلح به مسلسل‌های یوزی
 اسرائیلی و نارنجک‌های آمریکائی پایگاه را محاصره کرده بود . پایگاه را شدیداً زیر
 آتش گرفته و لحظه‌ای حملات خود را قطع نمی‌کرد . در چنین شرایطی تعدادی از رفقا
 از پایگاه خارج شده و در جریان یاب نبرد خانه به خانه و کویچه به کویچه راه خود را پاک
 کرده و پدرازگشتن بیشتر از ۲۰ مأمور دشمن و مجروح ساختن تعدادی از آنان حلقه
 محاصره را در نزدیکی مسیل شرقی خیابان سیمتری نارمک شکسته ، و از محاصره خارج

شدند . از آن پس مأموران دشمن جرأت پیگرد بخود نداده و رفقاً یا امانت گرفتن يك اتوبیل پیکان از يك مدیر مدرسه از منطقه خارج شدند . رفقاً پس از نیم ساعت در نزدیکی های میدان محسنی با ایست اتوبیل کشتی پلیس بفرماندگی سرهنگ شهبازی فرود مواجه می شوند و بلافاصله قبل از آنکه افراد مسلح کشتی بتوانند تانکی به فرود بدهند با شلیک مسلسل تمامی آنها را می کشند و براه خود ادامه می دهند و نبود رابسه يك پایگاه دیگر می رسانند .

صبح روز یکشنبه مقارن محاصره پایگاه تهران نو پایگاه پشت بینه د پگری واقع در کوی کن که در ارتباط تلفنی با پایگاه تهران نبوده است محاصره شده و بصلت کجود وسایل جنگی اکثر رفقاً شهید شده و امکان خروج از محاصره را پیدا نمی کنند . مسئولیت این پایگاه با رفیق شهید چریک فدائی خلق عزت غروی بود . رفیق غروی که زنی ۵۰ ساله بود و در سازمان ما به " رفیق مادر " شهرت داشت ، فقط مسلح به يك نارنجک بود او در هنگام مواجه شدن با دشمن با نارنجک به سمت آنها حمله می کند و پس از ازبای انداختن تنی چند از افراد دشمن با مسلسلهای افراد دشمن بشهادت می رسد . سایر رفقاً نیز که اکثراً وسیله ای نداشته اند با نارنجکهای دست ساز و دو قبضه سلاح به دشمن حمله کرده ، و پس از کشتن و از پای در آوردن عده ای از مأموران در محاصره نبرد جان خود را در پیشگاه انقلاب خلق فدای می کنند .

بد نیال این درگیری ها بعد از ظهر روز یکشنبه ۲۶ اردیبهشت شترات تازه نفس دشمن که نزدیک ۵۰ نفر می شده اند پایگاه دیگری را در کوچه نیازی حد فاصل خیابانهای شارق و قاسم آباد تحت محاصره قرار می دهند و بدون هیچ اختار قبلی پایگاه را با پرتاب نارنجک و شلیک مسلسل مورد حمله قرار می دهند . رفقاً موجود در این پایگاه که چهار رفیق (دو دختر و دو پسر) بوده اند بلافاصله طرح

دفاعی پایگاه را اجرا کرده و پیراز به آتش کشیدن اسناد موجود در پایگاه با وقبضه مسلسل و یک سلاح کموی (یکی از رفا غیر مسلح بوده است) به دشمن حمله کردند و پس از عقب زدن مأموران دشمن خط اول محاصره را شکسته و به سمت شمال شرقی پیشروی می کنند ولی با خطوط دیگر از مأموران مواجه می شوند. رفا در این شرایط با همکاری صمیمانه مردم زحمتکش و راه نمایی آنها خانه به خانه و کوچه به کوچه خطوط محاصره را پشت سر می گذارند و در چند نقطه نیز با مأموران درگیر می شوند که آنها را عقب رانده و راه خود را می گشایند. در یکی از آخرین کوچه های شمالی پایگاه "کوچه امیر حسینی" با یکی از مأموران ویژه گارد شهربانی از نزدیک مواجه می شوند که او را از پای آورده و پس از تصاحب سلاح آمریکائی این مأمور ویژه به سمت تقاطع امیر حسینی با شارق پیشروی می کنند. در این تقاطع با حمله به مأموران در آخرین خط محاصره آنها را وادار به عقب نشینی در جهت کوچه های غربی شارق می کنند و راه خود را می گشایند در همین حال سه تن از افراد ویژه گارد شهربانی با رفقای ما مواجه می شوند که قدرت مقابله را از دست داده و با تضرع از رفقای خواهند که آنها را نکشند. رفا که با مأموران جزا دشمن خصومت خاصی نداشته اند، به آنها اطمینان می دهند و ایمن سه تن روان روان خود را در پیچ کوچه های غربی شارق از دید پنهان می کنند. از آن پس رفا وارد صفوف مردم می شوند که در خانج از خط محاصره شاهد نبرد رزمندگان خود بوده اند. در این حال رفا سلاحهایشان را بر سر دست گرفتند و با فریاد "مرگ بر شاه" "مرگ بر دشمنان مردم" "به سمت میدان صابر و از آنجا به سمت نظام آباد حرکت می کنند و فریاد رژه دگی و حق طلبی خود را به گوش مردم می رسانند. در ۴ صتری شمالی میدان صابر رفا با یک اتومبیل پیکان ملو از مأموران شهربانی مواجه می شوند و چون آنها را آماده مقابله می بینند به آنها یسور ش

برده و با شلیک مسلسل تمامی آنها را از پای درمی آورند و پس از صادره یک قبضه مسلسل پیوزی ساخت اسرائیل به پیشروی خود به سمت نظام آباد ادامه می دهند. در تقاطع شارق نظام آباد گشتی دیگری به سرنشینی ه پلیس مسلح راه را بر رفق می بندند رفق بدون عقب نشینی به پیشروی خود ادامه می دهند و تنها با شلیک یک رگبار کوتاه مأموران را فراری می دهند. بطوریکه مأموران اتومبیل پلیس را بطور آذانه و روشن تحویل رفق می دهند. پس از آن رفق اتومبیل نمره سبز پلیس را که آرم شهرستانی بر بدنه آن منقوش بوده است در مقابل دیدگان صد هانفر از مردم زحمتکرو در میان شادی آنها تصاحب می کنند و همگی سلامت از منطقه خارج شده و خود را به پایگاههای دیگری رسانند.

بدینال این حوادث در پانزدهم سه شنبه ۲۸ اردیبهشت ماه چند پایگاه شهرستانی که در ارتباط تلفنی با پایگاههای مکشوفه تهران بوده اند و از این طریق دشمن به محل آنها پی برده بود، مورد محاصره قرار می گیرند. این پایگاهها که عمدتاً پایگاه نفوذی بوده اند با وسایل نظامی اندک و نارنجکهای دست ساز مجهز بوده اند. با اینهمه رفق فدائی مائلاوری بیمانندی با دشمن مبارزه می کنند و علیرغم اختلالاتی دشمن که خود را تسلیم کنند همچنان به نبرد ادامه می دهند. تضامیری که از صحنه های نبرد شهرستانها در صفحات جراید رژیم بچاپ رسیده همگی گویای مبارزه بی امان و تاپای جان رفق ماست در این درگیری هارفقای درون پایگاهها تمام اسناد و مدارک را به آتش می کشند و پس از آن تا آخرین فشنگ به نبرد خود ادامه می دهند. در این درگیریها عده ای از رفق با سلامت خود را از خطوط محاصره دشمن خارج کرده و به سایر پایگاهها می روند. طبق گزارشات داخلی دستگاه شهرستانی و سازمان امنیت در این درگیری ها تلفات شدیدی به مأموران دشمن وارد

شده است. ضمناً بر اثر تیراندازیهای بی رویه و وحشیانه مأموران خود باخته دشمن تعدادی از مردم شریف مورد اصابت گلوله قرار گرفته و به شهادت می‌رسند. ما تمامی این افراد را جزو شهدای خلق بحساب می‌آوریم چرا که آنها نیز سینه‌هایشان با گلوله‌های اسرافیلی و نارنجکهای آمریکائی شکافته شده است و قربانیان جنایات دولت شاه مزدور هستند.

بر طبق گزارشات درونی دستگاه پلیس که بدست ما افتاده است تلفات دشمن

عبارت بوده است از :

۱ - افسران پلیس، گارد و سازمان امنیت ۱۰ نفر

۲ - درجه داران پلیس و گارد شهرستانی ۳۰ نفر

۳ - سربازان ویژه گارد شهرستانی ۳۰ نفر

در این گزارش تعداد مجروحین دشمن ذکر نشده است ولی با توجه به تعداد کشته شدگان تصور می‌رود مجروحین بمراتب بیشتر بوده اند. این تلفات شدید روحیه افراد دشمن را بشدت پائین آورده است و بهمین منظور شخص شاه مجبور شده است مبالغه‌گرافی بحنوان پول خور به خانواده‌های کشته شدگان مزدور بدهد و همچنین آنها را مورد استمالت و دلجوئی قرار دهند تا بلکه روحیه خراب مأموران تاحدی اعاده شود.

بدنبال این جریانات، کارشناسان سازمان امنیت برای سرپوش گذاشتن بر شکست برنامه عریض و طویل رژیم و همچنین به منظور تحریف حقایق، چند نامه جعلی را در جریانید عصر تهران بنام اسناد سازمان ما بچاپ رسانده اند. و باصطلاح پرده از اسرار ما برداشته اند. اینها که تا پارسال ما را به عراق وابسته می‌کردند امسال که روابطشان با عراق خوب شده ما را وابسته به جای دیگر معرفی می‌کنند و می‌کوشند با جعل سند

و دروغ بافی افکار عمومی را فریب دهند .

البته آنهایی که تا حدی به کار سیاسی و رموز روابط تشکیلاتی آگاهند ، جعلی بودن این نامه ها را در نگاه اول متوجه می شوند . ولی برای روشن تر شدن بیشتر موضوع ما فقط به يك خطای کوچک ! کارشناسان سازمان امنیت که مشت آنها را بساز کرده و رسوایشان ساخته است ، اشاره می کنیم . کارشناسان امنیتی و تبلیغاتی دولت قاسم شاه ، در جعل این نامه های بیشترین تلاش خود را بکار برده اند تا آنها را هر چه واقعی تر ! تنظیم کنند تا مورد قبول مردم واقع شود . ولی آنها که با ادبیات و فرهنگ ما کمونیستها بیگانه اند ، در اینکار خود موفق نبوده اند . چرا که در يك جای نامه عبارت " دوست شهید نوروزی " را بکار برده اند . کسانی که با فرهنگ ما کمونیستها^ی ایران آشنائی دارند بخوبی می دانند که ما یاران خود را همیشه و بداور مطلق بسا واژه " رفیق " خطاب می کنیم و هرگز رفقایمان را با واژه " دوست " مورد خطاب قرار نمی دهیم . ولی ما موران تبلیغاتی و تنظیم کنندگان نامه جعلی که فرزند میان این دورا نمی دانند دچار اشتباهی کوچک ! شده و خود را رسوا ساخته اند .

از طرف دیگر این خود باختگان مزدور با تیترا در روزنامه ها از اعترافات تکان دهنده ! ؟ چریکها سخن می گوید ولی هنگام ارائه سند و مدرک به جعلیات این محتوی که دروغ بود نشان برهمگان واضح است روی می آورند و بیش از پیش خود را رسوا میکنند آنها به این طریق نه تنها بمزایانی نمی رسانند بلکه حقایق ما را و حقیقت راه ما را به عده بیشتری از مردم ایران ثابت می کنند .

در مورد ارتباط سازمان ما با انقلابیون سراسر جهان نیز باید بگوئیم که حقیقتی مسلم است و سازمان ما هم اکنون در پیشاپیش جنبش نوین خلق ایران مورد احترام و تأیید جنبشهای آزادی بخش در منطقه خاورمیانه و سراسر جهان قرار دارد . نمونه

کوکب آن نیز پیامهای تهنیت سازمانهای آزادی بخش منطقه خاورمیانه است که هر سال به مناسبت ۱۹ بهمن سالگرد رستاخیز سیاهکل ، نقطه آغاز جنبش نوین خلق ایران ، به دفتر سازمان ما ارسال می شود . اساساً ارتباط و همبستگی مابین نیروهای انقلابی منطقه خاورمیانه امری پنهانی نبوده و پیامهای سازمانهای انقلابی منطقه به سازمان ما همه ساله در نشریه "نبرد خلق" ارگان سیاسی سازمان ما انتشار می یابد .

ما صریحاً اعلام می کنیم که با همه نیروهای واقعا مبارز انقلابی در سراسر جهان و بخصوص در منطقه خاورمیانه احساس نزدیکی و همبستگی می کنیم و از هیچ نوع کمکی به این نیروها روی گردان نیستیم و همچنین آماده پذیرش هر نوع کمکی از طرف نیروهای انقلابی جهان و خاورمیانه هستیم . شهادت رزمندگان سازمان ما در جبهه نبرد فلسطین و ظفار گویای این همبستگی بسیار نزدیک و صمیمانه است .

ما معتقدیم ، در شرایطی که امپریالیسم و ارتجاع جهانی بطور فشرده و یکپارچه بر علیه خلقهای تحت ستم توطئه می کند نیروهای انقلابی همه کشورها وظیفه دارند که صفوف خود را متقابلاً فشرده سازند و بیاری یکدیگر غول امپریالیسم و ارتجاع جهانی را به ورطه هلاکت و نابودی بکشانند .

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که برای متحد کردن و سازمان دادن کارگران و زحمتکشان ایران ، و بر اساس تئوری ظرفنمون "مبارزه مسلحانه ایران" و همچنین با تکیه بر تئوری جهانشمول مارکسیسم - لنینیسم مبارزه می کند ، بیاری نیروهای پیشرو انقلابی خلق ایران ، و با همبستگی با تمام نیروهای انقلابی جهان همچنان به مبارزه بی امان خود تا پیروزی نهائی ادامه خواهد داد .

" بر قارباد اتحاد کارگران و زحمتکشان ایران "

" پیروزی باد اهداف جنبش مسلحانه خلق ایران "

" بر قرارباد اتحاد نیروهای انقلابی خاورمیانه "

" مرگ بر شاه و دولت مزدور و دشمن کارگران "

و زحمتکشان ایران هستند "

" پیش بسوی توده ای کردن جنبش مسلحانه ایران "

" با ایمان به پیروزی را همان "

* سازمان چریکهای فدایی خلق ایران *

* دوم خرداد ۱۳۵۵ خورشیدی *

www.iran-archive.com

برای حمایت مادی و معنوی خود با درس زیر با سازمان ما تماس بگیرید:

آدرس پست
P.O. Box 5101 - Moalla, Aden
People s Democratic Republic of Yemen

آدرس بانکی
National Bank of Yemen
P.D.R.Y., Aden, Steamer point
Account No. 58305

کارگران سراسر جهان متحد شوید



قدائی شهید

رفیق نزهت السادات روحی آہنکران